



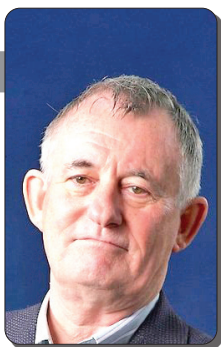


گام مهم بانک مرکزی برای تسهیل تجارت خارجی **کمر بند ضد تحریم روبل - ریال فعال شد**

۱۷

تنش های سیاسی شرایط کنترل نرخ ارز را سخت می کند

پروفسور "استوارت سیم"، استاد
دانشگاه نورث آمبریا انگلیس



۱۱

زیر ساخت بی نظیر در روابط تجاری ایران و روسیه ایجاد شد

میرکریمی، عضو هیات مدیره اتاق بازرگانی مشترک ایران و روسیه



۲۲

حمایت فعالان اقتصادی از اقدام جدید ارزی بانک مرکزی

بهرامی ارض اقدس
عضو هیات نمایندگان
اتاق بازرگانی ایران



۱۹

سیاست گذاری بانک مرکزی از بروز موج تورمی جلوگیری می کند

"مسرور"، اقتصاددان لبنانی



۳۱

بخشی از تورم در اقتصاد ایران وارداتی است

۳۵

شهرت و اعتبار بانک مرکزی چه نقشی در کنترل تورم دارد؟

۵۰

عقب نشینی ۱۰ واحد درصدی تورم در سال ۱۴۰۳

۶۵

انتظارات منفی ارزی در اسکاندیناوی چگونه مهار شد؟

۶۸



فاجعه شکست اقتصاد زیمبابوه در مدیریت نرخ ارز

تجارب تلخ
افسارگسیختگی
مدیریت ارزی در جهان



تاثیر مثبت مدیریت بانک مرکزی بر کنترل بازار ارز

قدرتی، کارشناس
مسائل اقتصادی

۲۸



• صاحب امتیاز:

بانک مرکزی (موسسه مطبوعاتی بازار پول و ارز)

• مدیرمسئول و سردبیر:

علی احمد قاسمی

• مشاور سردبیر و ناظر محتوایی:

فاطمه محمدی

• مشاور سردبیر:

سینا احدیان

• همکاران این شماره:

جواد حیران نیا، جواد فراهانی، حسین کمال زارع
سید مهدی میرحسینی، پوریا صادقی، هانیه محمدی
امیرحسین موسوی، حمید کمار، رضا فراهانی
هانیه اسماعیلی، نرگس کافی، فاطمه آریانفر، علی بردبار
کیانوش جهانمردی و حسین جعفری

• مدیر اجرایی:

محمود مهدوی

• دبیر سایت:

دنیا نظرسروش

• گرافیکست و طراح جلد:

سید احسان نوری نجفی

• صفحه آرایی:

مهدی بخشی

• عکاس:

مجید سلطانی

• نشانی:

تهران، خیابان شهید بهشتی، خیابان خالد اسلامبولی (وزرا)
نیش خیابان شهید رفیعی (۲۰)، ساختمان مرکز مبادله
ارز و طلای ایران - طبقه ۱۱، موسسه مطبوعاتی بازار پول و ارز

• تلفن تماس:

۰۲۱-۵۲۴۰۵۰۰۰

• کد پستی:

۱۵۱۱۹۱۸۲۰

• لیتوگرافی و صحافی:

نگار نقش

• چاپ و توزیع:

احمد شیرازیان



@tazehayeeghtesad

سرمقاله

۴	آغاز فصلی نوین در مراودات بانکی ایران و روسیه
۵	کمربند ضد تحریم روبل - ریال فعال شد
۷	۶ دستاورد مهم پولی و بانکی سفر فرزین به روسیه
۱۱	زیرساخت بی نظیر در روابط تجاری ایران و روسیه ایجاد شد
۱۷	تنش های سیاسی شرایط کنترل نرخ ارز را سخت می کند
۱۹	سیاست گذاری بانک مرکزی از بروز موج تورمی جلوگیری می کند
۲۲	حمایت فعالان اقتصادی از اقدام جدید ارزی بانک مرکزی
۲۸	تاثیر مثبت مدیریت بانک مرکزی بر کنترل بازار ارز
۳۱	بخشی از تورم در اقتصاد ایران وارداتی است
۳۵	شهرت و اعتبار بانک مرکزی چه نقشی در کنترل تورم دارد؟
۴۰	اثر افزایش قیمت حامل های انرژی بر انتظارات تورمی در ایران
۴۷	بانک مرکزی ساختار نظام تامین مالی ارزی کشور را متحول کرد
۵۰	عقب نشینی ۱۰ واحد درصدی تورم در سال ۱۴۰۳
۵۴	عواقب دردناک اقدامات ریاضتی "میلی" برای آرژانتین
۶۵	انتظارات منفی ارزی در اسکاندیناوی چگونه مهار شد؟
۶۸	فاجعه شکست اقتصاد زیمبابوه در مدیریت نرخ ارز
۷۱	فشار بدهی های ارزی دولت اقتصاد مجارستان را زمین گیر کرد
۷۴	چشم انداز مثبت صنعت بانکداری تایوان تا ۲۰۳۲

آغاز فصلی نوین در مراودات بانکی ایران و روسیه

یکی دیگر از گام‌های آتی این توافق، راه‌اندازی شعب بانک‌های ایرانی و روسی در دو کشور است. این اقدام، دسترسی مستقیم تجار و بازرگانان به خدمات بانکی را تسهیل کرده و موانع موجود در مسیر تبادلات تجاری را کاهش می‌دهد. همچنین، فعال شدن کارت‌های بانکی ایرانی در روسیه و بالعکس، نمونه‌ای از تلاش‌های هدفمند بانک مرکزی برای یکپارچه‌سازی زیرساخت‌های پرداخت و افزایش قابلیت‌های نظام بانکی است.

یکی از چالش‌های اساسی در تجارت ایران و روسیه، عدم تعادل در تراز تجاری دو کشور است. بانک مرکزی با طراحی نرخ‌های توافقی برای روبل و ارائه راهکارهای نوآورانه، گام‌های مؤثری در جهت کاهش این عدم تعادل برداشته است. این نرخ‌ها، با ایجاد شفافیت و انعطاف‌پذیری بیشتر در تعیین قیمت‌ها، به تنظیم بهتر جریان مبادلات تجاری و افزایش اعتماد تجار کمک می‌کند.

ایجاد پیمان پولی و سند اقدام مشترک میان بانک‌های مرکزی ایران و روسیه می‌تواند به الگویی موفق برای گسترش چنین رویکردی با سایر شرکای تجاری تبدیل شود. اتصال سیستم‌های پیام‌رسان بانکی و شبکه‌های پرداخت کارتی میان دو کشور، نشانگر امکان‌پذیری توسعه همکاری‌های مالی نوین در چارچوب سیاست‌های منطقه‌ای است.

همچنین، تجربیات حاصل از این توافق می‌تواند به عنوان مرجعی برای تسهیل تعاملات اقتصادی با سایر کشورها مورد استفاده قرار گیرد. تحقق اهداف بلندمدت این همکاری‌ها نیازمند اجرای دقیق، مدیریت موثر و نظارت مستمر است. حرکت به سمت این همگرایی مالی، نمودی از استراتژی پویای بانک مرکزی در دیپلماسی بانکی برای بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌های منطقه‌ای و مشارکت فعال در اقتصاد جهانی به شمار می‌رود.

در عصر کنونی، تعاملات مالی و بانکی بین کشورها به عنوان یکی از اهرم‌های کلیدی در تسهیل روابط اقتصادی و کاهش وابستگی به نظام‌های مالی متمرکز بین‌المللی، نقشی بنیادین ایفا می‌کند. در این راستا، سفر اخیر رئیس کل بانک مرکزی به روسیه و عملیاتی شدن سند اقدام مشترک میان بانک‌های مرکزی ایران و روسیه را می‌توان گامی راهبردی و اساسی در تعمیق همگرایی پولی و گسترش روابط تجاری دو کشور دانست. این سند در سه محور اصلی شامل "استفاده از ارزهای ملی در تجارت دوجانبه"، "اتصال پیام‌رسان‌های بانکی بومی دو کشور تحت عنوان سپام و SPFS" و "یکپارچه‌سازی شبکه‌های پرداخت کارتی میان دو کشور" به مرحله اجرا درآمده است.

از مهم‌ترین دستاوردهای این توافق، اجرای عملی پیمان پولی دوجانبه است که امکان استفاده از ارزهای ملی دو کشور، یعنی ریال و روبل، در مبادلات تجاری را فراهم می‌کند. این اقدام نه تنها وابستگی به ارزهای خارجی نظیر دلار و یورو را کاهش می‌دهد، بلکه هزینه‌های مرتبط با تبدیل ارز و مخاطرات ناشی از نوسانات نرخ آن را نیز مدیریت خواهد کرد. بررسی تجارب جهانی نشان می‌دهد که به کارگیری ارزهای ملی در تجارت دوجانبه، می‌تواند به افزایش حجم مبادلات و تقویت همکاری‌های اقتصادی میان کشورها منجر شود.

یکی از ویژگی‌های برجسته توافق اخیر، توسعه و به کارگیری پول دیجیتال مشترک است. این فناوری که در مرحله آزمایشی در حال اجراست، می‌تواند با کاهش وابستگی به ساختارهای مالی سنتی و ارائه شفافیت بیشتر در تراکنش‌ها، بستری نوین برای تسریع و ایمن‌سازی مبادلات اقتصادی فراهم آورد. اهمیت این گام در توانمندسازی زیرساخت‌های تجاری دو کشور و تقویت موقعیت راهبردی آنها در تعاملات بین‌المللی، قابل توجه است.





گام مهم بانک مرکزی برای تسهیل تجارت خارجی

کمر بند ضد تحریم روبل - ریال فعال شد

- راه اندازی بازار ارز تجاری، یکی از بزرگترین موانع اجرای پیمان پولی میان ایران و روسیه را از میان برداشت
- دومین بانک بزرگ روسیه، به طور رسمی از برنامه خود برای تبدیل دفتر نمایندگی خود در ایران به شعبه خبر داده است
- با اجرایی شدن پیمان پولی، هزینه مبادلات ارزی با حذف طرف ثالث به میزان چشمگیری کاهش خواهد یافت
- پیش نیاز اجرایی شدن پیمان پولی میان ایران و روسیه افتتاح بانک های دو کشور در کشور مقابل است

مزیت های اقتصادی متقابل از جمله سرمایه گذاری های مشترک، تأمین مالی زیرساخت ها، تسهیل سازوکار های تجارت و کسب و کار، همکاری در امور بانکی، ترویج و تأمین متقابل کالا، کار، خدمات، اطلاعات و محصولات فعالیت های فکری از جمله حقوق انحصاری مربوطه، مساعدت خواهند داشت". ماده ۲۰ این معاهده نیز اشاره می کند که طرف های متعاقد باید شرایط را برای توسعه همکاری موسسات اعتباری بین دو کشور با در نظر گرفتن اسناد حقوقی بین المللی در زمینه مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم، فراهم کنند. افزایش همکاری ها در زمینه ایجاد زیرساخت پرداخت نوین

همکاری های بانکی ایران و روسیه با سفر اخیر رئیس کل بانک مرکزی و هیات دولت به این کشور، وارد فاز عملیاتی شد. در دیدار رئیس جمهور ایران و روسیه، سند معاهده مشترک جامع راهبردی ایران و روسیه امضاء شد. این سند بر افزایش همکاری ها در تمام زمینه های مختلف تأکید دارد. ماده ۱۸ و ۲۰ این معاهده به طور مستقیم به تقویت روابط پولی، مالی و بانکی بین دو کشور اشاره می کند. در ماه ۱۸ این معاهده آمده است: "طرف های متعاقد به توسعه همکاری های تجاری، اقتصادی و صنعتی، ایجاد

به منظور توسعه خدمات بانکی در دو کشور بانک های ایرانی در روسیه و بانک های روسی در ایران شروع به کار کرده و دیگر بانک های عامل نیز به تدریج شعبات خود را در کشور مقابل دایر می کنند

مستقل از دولت های ثالث، گذار به پرداخت های دوجانبه با ارز های ملی، تقویت همکاری مستقیم بین بانکی و ترویج محصولات مالی ملی نیز یکی دیگر از نکاتی است که ماده ۲۰ این معاهده به آن اشاره دارد.

این سفر مهم ۶ دستاورد راهبردی در حوزه پولی و بانکی به همراه داشت. عملیاتی شدن پیمان پولی بین ایران و روسیه، ایجاد زمینه ها برای ایجاد ریال آف شور روبل در بازار ارز تجاری، رایزنی برای اجرای گام دوم اتصال شبکه پرداخت ایران و روسیه، پیگیری اجرای سند اقدام مشترک بین بانک های مرکزی ایران و روسیه، هماهنگی برای ایجاد شعب بانک های ایرانی و روسی در دو کشور و توافق برای استفاده از ارز دیجیتال بانک مرکزی (CBDC) بین دو کشور ایران و روسیه از مهم ترین دستاوردهای پولی و بانکی این سفر بود. استفاده از ارز های ملی ایران و روسیه برای تبادلات اقتصادی بین دو کشور، موضوعی است که طی دوسال اخیر، تلاش های بسیاری به ویژه از سوی ایران برای تحقق آن انجام شد. یکی از مهم ترین اقدامات برای فراهم کردن زمینه تبادلات پولی و بانکی میان ایران و روسیه، راه اندازی بازار ارز تجاری بود. "نرخ دستوری ارز" یکی از مهم ترین موانع در اجرایی شدن پیمان پولی میان ایران و روسیه بود که راه اندازی بازار تجاری و کشف نرخ از طریق توافق میان صادر کنندگان و وارد کنندگان، یکی از بزرگترین موانع اجرای پیمان پولی را از میان برداشت. پیش نیاز دیگر برای اجرایی شدن پیمان پولی میان ایران و روسیه، افتتاح بانک های دو کشور در کشور مقابل و فراهم شدن امکان اجرای عملیات بانکی برای بازرگانان و سرمایه گذاران هر دو کشور است. در همین راستا از چند ماه پیش، امکان دریافت روبل با کارت های ایرانی از خودپرداز های روسی فراهم شد. علاوه بر این مورد، امکان پذیر شدن خرید با کارت های عضو شتاب از طریق پایانه های فروشگاهی (پوز) در روسیه و برعکس، گام دیگر دو کشور در راستای همکاری های بانکی است که به زودی اجرایی خواهد شد. اجرای این موارد، فعالیت بازرگانان دو طرف در کشورهای مقابل را تسهیل کرده و زمینه برای گسترش روابط در زمینه اقتصادی را فراهم می کند. به منظور توسعه خدمات بانکی در دو کشور، بانک های ایرانی در روسیه و بانک های روسی در ایران شروع به کار کرده و دیگر بانک های عامل نیز به تدریج شعبات خود را در کشور مقابل دایر می کنند. در همین راستا در حال حاضر، بانک صادرات به عنوان اولین بانک در روسیه فعالیت خود را آغاز کرده و بانک مرکزی قصد دارد بانک ملی را هم برای ارائه خدمات بانکی به فعالان اقتصادی در روسیه وارد عمل کند. در مقابل، بانک VTB به عنوان دومین بانک بزرگ روسیه، به طور رسمی از برنامه خود برای تبدیل دفتر نمایندگی خود در ایران به شعبه خبر داد. یکی از برنامه های بانک مرکزی که ماه ها پیش آن را اعلام کرد، راه اندازی ابزار معاملات آتی ارز در مرکز

مبادله است. با فراهم شدن امکان معاملات آتی برای تجار و بازرگانان کشور، ضمن تعمیق بازار رسمی ارز، بازرگانان ایرانی فعال در بازار روسیه می توانند از تامین ارز خود در آینده مطمئن شده و همچنین ریسک نوسان نرخ را با این معاملات پوشش دهند. طی سال های پس از خروج آمریکا از برجام، انعقاد و اجرای پیمان پولی، همواره به عنوان راهکاری برای خنثی کردن آثار تحریم و گسترش مناسبات بانکی با دیگر کشورها از سوی کارشناسان و حتی مسئولین مختلف مطرح شده است. الگوی ریال - روبل، اولین تجربه ایران در اجرای پیمان پولی به شمار می رود. بر همین اساس، همکاری تمام دستگاه ها با بانک مرکزی برای توسعه این مسیر اهمیتی حیاتی دارد. یکی از مهم ترین الزامات حفظ و توسعه پیمان پولی میان ایران و روسیه، ثبات بخشی به پول ملی است. بر همین اساس، همراهی تمام ارکان حاکمیت با بانک مرکزی برای کنترل تورم و جلوگیری از تضعیف ارزش پولی ملی، به بازایی اعتبار ریال ایران و سپس تسهیل اجرای پیمان های پولی با دیگر کشورها کمک بسیاری می کند. توسعه پیمان های پولی با روسیه و دیگر کشورها به ویژه کشورهای طرف تجارت ایران، دستاوردهای بسیاری برای کشور به همراه دارد. کاهش هزینه مبادله، یکی از این دستاوردهاست. با اجرایی شدن پیمان پولی، هزینه تبادلات ارزی با حذف طرف ثالث به میزان چشمگیری کاهش خواهد یافت. علاوه بر این، ریسک های تحریمی نظیر شناسایی طرفین تجارت و خطر مسدود شدن حساب بازرگانان و دیگر مشکلات ناشی از تحریم، با اجرای این الگو از بین خواهد رفت. تسهیل مناسبات بانکی از طریق پیمان های پولی، مزایای دیگری برای کشور نظیر گسترش تجارت و رشد سرمایه گذاری را در پی خواهد داشت که همه این موارد می تواند نقش موثری در افزایش نرخ رشد اقتصادی کشور و ارتقای سطح رفاه در جامعه داشته باشد. کاهش عمق بازار غیر رسمی و افزایش عمق بازار تجاری، از دیگر امتیازات اجرای پیمان پولی میان ایران و روسیه است. تأیید این، بازرگانان ایران برای فرار از نرخ دستوری نیما، روبل را به درم تبدیل کرده و آن را در بازار آزاد به فروش می رسانند. اکنون با راه اندازی بازار تجاری و اجرایی شدن پیمان پولی میان ایران و روسیه، ارز صادر کنندگان به روسیه در بازار تجاری عرضه شده و ضمن کم شدن عمق بازار غیر رسمی، بازار تجاری را به مرجع تعیین نرخ روبل تبدیل می کند. اجرای موفق پیمان پولی میان ایران و روسیه و توسعه آن در سال های پیش رو، می تواند این تجربه را به الگویی برای برقراری پیمان های پولی با دیگر کشورها به ویژه در آسیای میانه و قفقاز تبدیل کند. در صورت گسترش این پیمان با دیگر کشورها، فرصت های صادراتی چشمگیری پیش روی اقتصاد کشور قرار گرفته و امکان دستیابی به رشد های بالاتر فراهم می شود.



توافقات پولی جدید ایران با روسیه

۶ دستاورد مهم پولی و بانکی سفر فرزین به روسیه

- یکی از مهم‌ترین دستاوردهای سفر رییس کل بانک مرکزی به روسیه، نهایی سازی انعقاد پیمان پولی بین ایران و روسیه است
- تابلوی روبل با نرخ توافقی، بزودی در مرکز مبادله ارز و طلای ایران راه اندازی و پول دیجیتال ایران و روسیه نیز فعال می شود
- به تازگی یک میلیارد روبل به حساب بانک VTB روسیه برای اجرای گام دوم اتصال شبکه پرداخت ایران و روسیه واریز شده است
- بانک مرکزی در سال های اخیر توسعه روابط پولی و بانکی با روسیه را با جدیت دنبال کرده است

۷



اقتصاد

• شماره ۷۶ - بهمن ۱۴۰۳ •

رئیس کل بانک مرکزی خبر داده که بزودی در مرکز مبادله ارز و طلا ایران، تابلوی روبل راه اندازی می شود تا نرخ آن مبنای محاسبات در تسویه تبادلات پولی و مالی بین ایران و روسیه باشد

محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی روز پنجشنبه ۲۷ دی ماه به منظور همراهی با رئیس جمهور در سفر به روسیه و شرکت در مذاکرات راهبردی با مقامات روسیه با هدف گسترش همکاری های دوجانبه و تقویت مناسبات پولی و بانکی عازم مسکو شد. این سفر مهم ۶ دستاورد راهبردی در حوزه پولی و بانکی به همراه داشت. عملیاتی شدن پیمان پولی بین ایران و روسیه، ایجاد زمینه ها برای ایجاد ریال آف شور روبل در بازار ارز تجاری، رایزنی برای اجرای گام دوم اتصال شبکه پرداخت ایران و روسیه، پیگیری اجرای سند اقدام مشترک بین بانک های مرکزی ایران و روسیه، هماهنگی برای ایجاد شعب بانک های ایرانی و روسی در دو کشور و توافق برای استفاده از CBDC بین دو کشور ایران و روسیه از مهم ترین دستاوردهای پولی و بانکی این سفر بوده است.

بانک مرکزی در سال های اخیر توسعه روابط پولی و بانکی با روسیه را با جدیت دنبال کرده است. نتیجه این پیگیری های مداوم دستاوردهای مختلفی را به همراه داشته که خود را به صورت مستقیم در افزایش صادرات ایران به این کشور نشان داده است. به گفته سید روح اله لطیفی، سخنگوی کمیسیون روابط بین الملل و توسعه تجارت خانه صنعت، معدن و تجارت ایران، روند رو به رشد صادرات ایران به روسیه شتاب مناسبی دارد و در ۹ ماهه امسال، کشورمان بیش از یک میلیون ۹۵۶ هزار تن کالا به ارزش ۸۰۲ میلیون و ۵۷۸ هزار و ۳۱۶ دلار به روسیه صادرات داشته که نسبت به مدت مشابه با رشد ۱۴ درصدی همراه بوده است.

امضاء معاهده مشترک جامع راهبردی ایران و روسیه

در دیدار رئیس جمهور ایران و روسیه سند معاهده مشترک جامع راهبردی ایران و روسیه امضاء شد. این سند بر افزایش همکاری ها در تمام زمینه های امنیتی، فرهنگی، اجتماعی، تجاری، اقتصادی و پولی و بانکی تاکید دارد. ماده ۱۸ و ۲۰ این معاهده به طور مستقیم

به تقویت روابط پولی، مالی و بانکی بین دو کشور اشاره می کند. در ماه ۱۸ این معاهده آمده است: "طرف های متعهد به توسعه همکاری های تجاری، اقتصادی و صنعتی، ایجاد مزیت های اقتصادی متقابل از جمله سرمایه گذاری های مشترک، تأمین مالی زیرساخت ها، تسهیل سازوکارهای تجارت و کسب و کار، همکاری در امور بانکی، ترویج و تأمین متقابل کالا، کار، خدمات، اطلاعات و محصولات فعالیت های فکری از جمله حقوق انحصاری مربوطه، مساعدت خواهند داشت. ماده ۲۰ این معاهده نیز اشاره می کند که طرف های متعهد باید شرایط را برای توسعه همکاری موسسات اعتباری بین دو کشور با در نظر گرفتن اسناد حقوقی بین المللی در زمینه مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم، فراهم کنند.

افزایش همکاری ها در زمینه ایجاد زیرساخت پرداخت نوین مستقل از دولت های ثالث، گذار به پرداخت های دوجانبه با ارز های ملی، تقویت همکاری مستقیم بین بانکی و ترویج محصولات مالی ملی نیز یکی دیگر از نکاتی است که ماده ۲۰ این معاهده به آن اشاره دارد. امضای معاهده و تاکید آن بر تقویت بیش از پیش روابط پولی، مالی و بانکی می تواند مسیر پیش رو را برای تقویت روابط در این حوزه هموارتر کند.

مسعود پزشکیان، رئیس جمهوری کشورمان در دیدار با رئیس جمهوری روسیه، عنوان کرد: خوشبختانه ارتباطات ما در منطقه و بین خودمان روز به روز بهتر و بیشتر می شود و روند تجاری، فرهنگی و اقتصادی محکم تر پیش می رود. طرح جامع راهبردی که سال ها روی آن کار شده امروز امضاء خواهد شد و در همه زمینه های می توانیم ارتباطات را بیشتر و تقویت کنیم. ولادیمیر پوتین نیز در این دیدار با اشاره به اینکه در سال گذشته مبادلات تجاری ایران و روسیه بیش از ۱۵ درصدی افزایش یافته است، گفت: این سرعت و حجم بسیار زیاد و خوب است. ما در پروژه های مهم بزرگ و مشترک کار می کنیم و چشم انداز های خوبی در زمینه های مختلف از جمله حمل و نقل، مبادلات گردشگری و توریستی داریم.

پیمان پولی بین ایران و روسیه عملیاتی شد

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای سفر فرزین به روسیه، نهایی‌سازی انعقاد پیمان پولی بین ایران و روسیه است. این اقدام به منظور تسهیل و تسریع در مبادلات اقتصادی بین تجار و بازرگانان انجام شده است. مدیران و کارشناسان بانک‌های مرکزی ایران و روسیه در سفرهای اخیر خود بین دو کشور بر رفع موانع برای انعقاد پیمان پولی دو کشور تاکید کردند. مهم‌ترین موانع این اقدام، عدم تعادل تجاری بین دو کشور و نبود یک نرخ مبنای محاسبات برای تبادلات پولی بین دو کشور بوده است.

رئیس کل بانک مرکزی در سفر خود به این کشور بیان کرد که با تمهیدات پیش‌بینی شده در صدد رفع مشکل عدم تعادل تجاری بین دو کشور هستیم و در رابطه با نرخ ارز مبنای مبادلات پولی ایران و روسیه نیز اعلام کرد که نرخ توافقی بازار ارز تجاری، مبنای تسویه قرار می‌گیرد.

نقش بازار ارز تجاری در تحقق پیمان پولی ایران و روسیه

در سال‌های اخیر، یکی از مهم‌ترین مشکلات اقتصاد کشور در انعقاد پیمان‌های پولی دو و چند جانبه با سایر کشورها، نبود یک نرخ مبنای تسویه در مبادلات تجاری بوده است. بانک مرکزی رفع این مشکل را در راه‌اندازی بازار ارز تجاری دنبال کرد.

رئیس کل بانک مرکزی همچنین خبر داده که بزودی در مرکز مبادله ارز و طلای ایران تابلوی روبل راه‌اندازی می‌شود تا نرخ آن مبنای محاسبات در تسویه تبادلات پولی و مالی بین ایران و روسیه باشد.

فرزین در نشست هم‌اندیشی با فعالان اقتصادی فدراسیون روسیه، اظهار کرد: طی مذاکرات با مقامات پولی و بانکی روسیه، تابلوی روبل با نرخ توافقی بزودی در مرکز مبادله ارز و طلای ایران راه‌اندازی و پول دیجیتال ایران و روسیه نیز به منظور افزایش ارزش مبادلات اقتصادی، فعال می‌شود.

بانک مرکزی قصد دارد با راه‌اندازی تابلوی روبل در مرکز مبادله ارز و طلای ایران، ریال آفشور روبل را در آن تعریف کند. این اقدام گامی مهم در جهت تبادل ارزی با پول‌های ملی است که علاوه بر اینکه روابط اقتصادی دو کشور را تقویت می‌کند، این امکان را می‌دهد که دو کشور مبادلات تجاری خود را بدون استفاده از دلار و یورو و با استفاده از ارزهای ملی، انجام دهند.

گام دوم اتصال شبکه پرداخت ایران و روسیه برداشته می‌شود

با رایزنی‌های انجام شده از سوی بانک مرکزی ایران با بانک مرکزی روسیه، گام دوم اتصال شبکه پرداخت ایران و روسیه اجرایی خواهد شد. در گام اول این طرح که آبان‌ماه امسال اجرایی شد، گردشگران ایرانی می‌توانند به راحتی با استفاده از موجودی ربالی کارت‌های شتابی خود، اسکناس روبل از دستگاه‌های خودپرداز روسیه دریافت کنند.

در گام دوم، گردشگران روسیه نیز خواهند توانست از خودپردازهای ایران ریال دریافت کنند و در آخرین مرحله، گردشگران دو کشور می‌توانند با کارت‌های بانکی خود از فروشگاه‌های کشور مقابل پوزهای فروشگاه‌های، خرید کنند.

رئیس کل بانک مرکزی خبر داده که برای اجرای این طرح به تازگی یک میلیارد روبل

افتتاح شعب
بانک‌های
روسی در ایران
یکی از مسائلی
است که
رئیس کل
بانک مرکزی در
چند سفر اخیر
خود بر آن تاکید
داشته است



ایجاد ریال آفشور روبل در بازار ارز تجاری

بانک مرکزی قصد دارد با راه‌اندازی تابلوی روبل در مرکز مبادله ارز و طلای ایران، ریال آفشور روبل را در آن تعریف کند. این اقدام گامی مهم در جهت تبادل ارزی با پول‌های ملی است که علاوه بر اینکه روابط اقتصادی دو کشور را تقویت می‌کند، این امکان را می‌دهد که دو کشور مبادلات تجاری خود را بدون استفاده از دلار و یورو و با استفاده از ارزهای ملی، انجام دهند.

رئیس کل
بانک مرکزی
در نشست
هم‌اندیشی
با فعالان
اقتصادی
فدراسیون
روسیه به این
نکته اشاره
کرد که با بانک
مرکزی روسیه
درباره استفاده
از CBDC یا پول
دیجیتال بانک
مرکزی بین
ایران و روسیه
توافق کرده‌ایم

به حساب بانک VTB روسیه به عنوان
عامل اجرای این طرح واریز شده است.
بانک VTB در روسیه و بانک صادرات در
ایران در حال حاضر بانک‌های عامل این
طرح هستند و قصد داریم که بانک ملی
ایران را نیز در این طرح درگیر کنیم.

نهایی شدن سند اقدام مشترک بین بانک‌های مرکزی ایران و روسیه

در ملاقات محمدرضا فرزین، رئیس کل
بانک مرکزی کشورمان و الوبیرا نابولینا،
رییس بانک مرکزی روسیه، سند اقدام
مشترک میان بانک‌های مرکزی ایران و
روسیه در سه سرفصل اصلی "استفاده
از پول‌های ملی در تجارت دو کشور"،
"امکان اتصال پیام‌رسان‌های بانکی و
بومی دو کشور موسوم به سپام و SPFS"
و "امکان اتصال شبکه پرداخت کارتی
دو کشور"، عملیاتی شد. با اجرای این
طرح‌های روابط اقتصادی دو کشور با
استفاده از پول‌های ملی تقویت می‌شود
و این دو کشور می‌توانند سازوکارهای
مشابهی را برای سوئیفت و سایر خدمات
پرداخت، بدون دخالت یک کشور ثالث
طراحی کنند.

هماهنگی برای ایجاد شعب VTB و ازبر بانک روسیه در ایران

افتتاح شعب بانک‌های روسی در ایران
یکی از مسائلی است که رئیس کل بانک
مرکزی در چند سفر اخیر خود بر آن تأکید
داشته است، رئیس کل بانک مرکزی
در سفر اخیر خود به این کشور نیز این
مسئله را پیگیری کرد. در نتیجه این
پیگیری‌ها، فرزین در نشست با فعالان
اقتصادی روسیه از انجام هماهنگی‌های
لازم برای ایجاد شعب بانک‌های ایرانی و
روسی در دو کشور خبر داد و گفت: نظر ما
مبنی بر ایجاد شعبه بانک‌های «VTB» و
«میربیزینس» در ایران مثبت است. حتی
ازبر بانک روسیه نیز می‌تواند در ایران
شعبه داشته باشد.

تجار ایرانی با استفاده از این شعبه‌ها
می‌توانند کارهای مالی مربوط به صادرات
را به آسانی انجام دهند. وی افزود:
بانک‌های سپه، گردشگری و پاسارگاد
دارای حساب نزد اگزیم بانک هستند، لذا
ما در این باره هیچ محدودیتی نداریم و

هر بانکی که تمایل به حضور در این زمینه
باشد، استقبال می‌کنیم.

توافق برای استفاده از CBDC بین ایران و روسیه

یکی از زمینه‌های همکاری بانک‌های
مرکزی ایران و روسیه استفاده از پول
دیجیتال بانک مرکزی دو کشور است.
رئیس کل بانک مرکزی در نشست
هم‌اندیشی با فعالان اقتصادی فدراسیون
روسیه به این نکته اشاره کرد که با بانک
مرکزی روسیه درباره استفاده از CBDC
یا پول دیجیتال بانک مرکزی بین ایران و
روسیه توافق کرده‌ایم.

طرح آزمایشی پول دیجیتال بانک مرکزی
ایران در حال اتمام است و روسیه نیز در
این زمینه کار کرده است. تلاش می‌کنیم
که بخشی از مبادلات دو کشور از این طریق
انجام شود.

ارتقای جایگاه ایران در تجارت جهانی با الگو گرفتن از گسترش روابط با روسیه

تداوم تقویت مناسبات پولی و بانکی بین
ایران و روسیه، منجر به افزایش بیشتر
صادرات و بهبود روابط تجاری میان دو
کشور خواهد شد.

ایران و روسیه از ظرفیت‌های بسیار بالایی
برای توسعه روابط تجاری و اقتصادی
برخوردارند و موفقیت در این زمینه
مستلزم ایجاد و تقویت زیرساخت‌های
پولی و بانکی مناسب است.

در نتیجه پیگیری‌های مداوم بانک مرکزی
ایران به منظور ارتقای همکاری‌های پولی و
بانکی با بانک مرکزی روسیه، در سال‌های
اخیر شاهد پیشرفت‌های چشمگیری
در این حوزه بوده‌ایم که اثرات مثبتی بر
افزایش حجم تجارت میان دو کشور داشته
است. این پیشرفت‌ها می‌تواند الگویی
برای گسترش روابط پولی و بانکی ایران با
سایر کشورها نیز باشد.

استفاده از تجربیات موفق در همکاری با
روسیه می‌تواند به ما کمک کند تا در روابط
پولی و بانکی با دیگر کشورها نیز گشایش
ایجاد کنیم و در نتیجه شاهد افزایش
صادرات ایران به کشورهای مختلف باشیم.
این امر نه تنها به تقویت اقتصادی کشور
کمک می‌کند، بلکه جایگاه ایران را در
تجارت جهانی نیز ارتقا خواهد داد.

کامبیز میرکریمی، عضو هیات مدیره اتاق بازرگانی مشترک ایران و روسیه
در گفت‌وگو با تازه‌های اقتصاد:

زیرساخت بی‌نظیر در روابط تجاری ایران و روسیه ایجاد شد

- تراز تجاری ایران با روسیه که در گذشته به شدت منفی بود، با اقدامات انجام شده در حال مثبت شدن است
- ایجاد تابلوی روبل و ریال در بازار ارز تجاری می‌تواند، تأثیرات مهمی بر فعالیت‌های تجاری و اقتصادی بین ایران و روسیه داشته باشد
- بازار روبل به تدریج مشتریان خود را پیدا خواهد کرد و می‌تواند به یک بستر مطمئن و شفاف برای نقل و انتقالات مالی تبدیل شود
- استفاده از ارزهای ملی در تجارت بین‌الملل به عنوان یک راهکار برای افزایش قدرت چانه‌زنی کشورها در حال گسترش است
- بازار ارز تجاری به معنای واقعی کلمه، یک بازار است
- مسیر خوبی برای بهبود وضعیت ارزی کشور پایه‌ریزی شده، اما موفقیت آینده بانک مرکزی، بستگی به حمایت همه‌جانبه از این نهاد دارد



تصمیم
بانک مرکزی
برای تاسیس
بازار ارز تجاری،
با وجود
فشارهای زیادی
که از سوی
گروه‌های ذینفع
وجود دارد
بسیار درست
و به موقع بوده
است

در تاریخ ۲۷ دی‌ماه، دکتر مسعود پزشکیان، رئیس جمهوری کشورمان به منظور گسترش همکاری‌های دوجانبه و تقویت مناسبات پولی و بانکی به روسیه سفر کرد. این سفر به شش دستاورد مهم در حوزه پولی و بانکی منجر شد که از جمله آنها می‌توان به عملیاتی شدن پیمان پولی بین ایران و روسیه، ایجاد ریال آفشور روبل و رایزنی برای اجرای گام دوم اتصال شبکه پرداخت اشاره کرد. یکی از مهم‌ترین دستاوردها، نهایی‌سازی پیمان پولی به منظور تسهیل مبادلات اقتصادی و رفع موانع تجاری بین دو کشور بود. همچنین، در این سفر، سند معاهده مشترک جامع راهبردی ایران و روسیه امضا شد که بر افزایش همکاری‌ها در زمینه‌های مختلف تأکید دارد. بانک مرکزی ایران در تلاش است تا با راه‌اندازی تابلوی روبل در مرکز مبادله ارز و طلای ایران، نرخ آن را به عنوان مبنای محاسبات مالی بین دو کشور معرفی کند. این اقدام به تسهیل و تسریع در مبادلات اقتصادی بین تجار و بازرگانان کمک خواهد کرد. علاوه بر این، توافقاتی برای ایجاد شعب بانک‌های روسی در ایران و استفاده از پول دیجیتال بین دو کشور به منظور افزایش ارزش مبادلات اقتصادی صورت گرفت. این اقدامات به تقویت روابط اقتصادی و تجاری کمک کرده و می‌تواند الگویی برای گسترش روابط پولی و بانکی ایران با سایر کشورها باشد. با تداوم این همکاری‌ها، انتظار می‌رود که صادرات ایران به روسیه و سایر کشورها افزایش پیدا کند و جایگاه ایران در تجارت جهانی ارتقا یابد. در همین زمینه با کامبیز میرکریمی، عضو هیات مدیره اتاق بازرگانی مشترک ایران و روسیه به گفت‌وگو پرداختیم که در ادامه می‌خوانید.

راه‌اندازی بازار ارز تجاری در مرکز مبادله را چطور ارزیابی می‌کنید؟ آیا این اقدام تأثیری در تسهیل روند کار فعالان اقتصادی خواهد داشت؟

تصمیم بانک مرکزی برای تاسیس بازار ارز تجاری، با وجود فشارهای زیادی که از سوی گروه‌های ذینفع وجود دارد، بسیار درست

و به موقع بوده است. هر زمان که مقررات اصلاح می‌شود، افرادی که متضرر می‌شوند، موضع‌گیری می‌کنند. با این حال، باید به سمت یک بازار جامع که در آن تمامی مبادلات انجام شود، پیش برویم. بخشی از تقاضای ارز غیرتجاری است و افرادی که به دنبال انجام فعالیت‌های غیرقانونی، خروج سرمایه یا قاچاق کالا هستند، طبیعتاً به سمت بازار رسمی نمی‌آیند. با این حال، هرچه موانع را برطرف کنیم و از اقتصاد دستوری فاصله بگیریم، بازار کارآمدتر و حجم آن بیشتر خواهد شد. ما شاهد بازار نیمایی بودیم که ارز صادرکنندگان محصولات پتروشیمی و آهن و فولاد در آن عرضه و نرخ آن به طور دستوری تعیین می‌شد. این موضوع برای صادرکنندگان محصولات غیرنفتی که تمایلی به عرضه ارز خود در سامانه نیما نداشتند، مشکل‌ساز بود. همچنین به صادرکنندگان اجازه داده بودند که با بنچاق و کوتاژ صادراتی دیگران کالا وارد کنند، اما پیدا کردن طرف مقابل امری سخت و زمان‌بر بود. با تاسیس بازار ارز تجاری، این چالش‌ها برطرف می‌شود و هر صادرکننده می‌تواند در فضایی باز و شفاف ارز خود را عرضه کند و نرخ آن به طور طبیعی کشف شود. امیدوارم که در این بازار، از دخالت در نرخ ارز جلوگیری شود تا صادرکنندگان غیرنفتی آسیب نبینند. تا زمانی که سیاست بانک مرکزی بر مبنای عرضه و تقاضا باشد، این بازار می‌تواند کارآمد باشد. به دلیل کنترل بر واردات و محدودیت‌های انتقال ارز ناشی از تحریم‌های بین‌المللی، یک بازار غیررسمی شکل گرفته که تحت تأثیر تورم‌های انتظاری قرار دارد. افرادی که در این بازار فعالیت می‌کنند، عمدتاً برای سوداگری و حفظ ارزش پول خود وارد می‌شوند. این بازار غیررسمی چالش‌هایی را برای صادرکنندگان ایجاد کرده است. برای مثال، صادرکنندگانی که با کارت‌های بازرگانی یک‌بار مصرف فعالیت می‌کنند، می‌توانند با نرخ بالاتری درآمد کسب کنند و این مسئله برای صادرکنندگان قانونی و رسمی، رقابتی ناعادلانه ایجاد می‌کند.

برخی کارشناسان معتقدند که راه‌اندازی بازار ارز تجاری، یک گام در راستای تک‌نخی شدن ارز است. نظر شما در این مورد چیست؟

بازار ارز تجاری به معنای واقعی کلمه، یک



اگر سایر
دستگاه‌ها
همکاری کنند
بازار ارز تجاری
به قدری عمق
پیدا خواهد
کرد که تأثیر
بازار غیررسمی
در اقتصاد به
حداقل برسد

صادرکنندگان باشیم. فعالان اقتصادی نسبت به آینده امیدوارند. پیش‌بینی می‌کنیم که در سال ۱۴۰۴ با تعرفه‌های تجارت آزاد و کاهش تعرفه‌ها، بازاری کاملاً رقابت‌پذیر داشته باشیم. همچنین، تراز تجاری ما به سمت مثبت شدن حرکت خواهد کرد. در گذشته، تراز تجاری ما با روسیه به شدت منفی بوده و ما به طور قابل توجهی بیشتر از آنچه صادر می‌کردیم، واردات داشتیم. در سال ۱۳۹۷، صادرات ایران به روسیه حدود ۲۷۰ میلیون دلار بود، در حالی که واردات ما به دو تا سه میلیارد دلار می‌رسید. به طور کلی، واردات از روسیه همیشه بالای یک و نیم تا دو میلیارد دلار بوده است. این وضعیت نشان می‌دهد که دسترسی به روبل برای واردکنندگان دشوار است و این مشکل می‌تواند به تراز تجاری ما آسیب بزند. پیش‌بینی می‌شود که صادرات ایران به روسیه در سال جاری از یک میلیارد دلار عبور کند، در حالی که واردات از روسیه به طور ثابت حدود ۱.۷ میلیارد دلار خواهد بود. با وجود اینکه صادرات کافی وجود دارد، بازار ارز تجاری هنوز در مراحل ابتدایی خود قرار دارد و فاصله قابل توجهی با ارز آزاد دارد. صادرکنندگان به جای استفاده از روبل و ریال، از ارزهای دیگری مانند دلار، درهم امارات یا یورو استفاده می‌کنند و این مسئله کمبود روبل را تشدید می‌کند. با عملیاتی شدن تجارت آزاد در ابتدای سال ۱۴۰۴ و نزدیک شدن نرخ‌های بازار ارز توافقی و غیررسمی، این امکان وجود دارد که از ظرفیت‌های بانکی و اعتبارات اسنادی روبلی و ریالی به خوبی استفاده شود و جهش جدیدی در صادرات رقم بخورد. با توجه به جهش‌های قبلی در سال ۱۳۹۸ و روند افزایشی صادرات، امیدواریم که در سال ۱۴۰۴ با تمهیدات اتخاذ شده، شاهد جهش‌های بیشتری در این حوزه باشیم.

بازار است. در این بازار، عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان در فضایی شفاف با یکدیگر مذاکره می‌کنند. مشابه تابلوی اعلانات در بورس، خریداران و فروشندگان می‌توانند قیمت‌ها را مشاهده کرده و معاملات مطمئن و ایمنی انجام دهند. ایمن بودن این معاملات بسیار مهم است، زیرا به خریداران و فروشندگان این امکان را می‌دهد که ابزارهای لازم را برای انجام معاملات در اختیار داشته باشند. از ابتدای این ماه، تمامی ارزهای پتروشیمی وارد این بازار می‌شوند که به عمق بیشتر این بازار کمک می‌کند و نرخ واقعی‌تری را کشف می‌کند. حتی اگر بازار غیررسمی نیز وجود داشته باشد، عمده معاملات تجاری در این بازار انجام می‌شود. برای بهبود وضعیت، باید محدودیت‌های واردات با سازمان توسعه تجارت برداشته شود و اجازه داده شود که واردات و صادرات به راحتی انجام شود. سختگیری در این زمینه ناپسند است و در بلندمدت به نفع همه خواهد بود. ابزار اصلی باید تعرفه‌ها باشند و نباید از ابزارهای پولی و بانکی برای کنترل تجارت استفاده کرد، زیرا این کار می‌تواند مضر باشد. اگر سایر دستگاه‌ها همکاری کنند، بازار ارز تجاری به قدری عمق پیدا خواهد کرد که تأثیر بازار غیررسمی در اقتصاد به حداقل برسد.

انقصاد معاهده‌های بانکی جدید بین بانک مرکزی ایران و روسیه، چه تأثیری بر روند فعالیت تجار و بازرگانان دارد؟

با توجه به زیرساخت‌های بی‌نظیری که در روابط تجاری ایران و روسیه ایجاد شده، از جمله توافقات با اتحادیه اقتصادی اوراسیا و توسعه روابط بانکی، باید به دنبال ایجاد شرایط رقابتی یکسان برای همه

موفقیت
روسیه به دلیل
اختیاراتی
بود که
رئیس جمهور
روسیه به رئیس
بانک مرکزی
داد و اجازه داد
که بانک مرکزی
با ابزارهای
مختلف و
بدون دخالت
دستوری
اقتصاد را
مدیریت کند

۱۴



اقتصاد

● شماره ۷۶ - بهمن ۱۴۰۳ ●

تابلوی روبل و ریال در بازار ارز تجاری به زودی ایجاد می‌شود. این اقدام چه اثراتی خواهد داشت؟

ایجاد تابلوی روبل و ریال در بازار ارز تجاری می‌تواند تأثیرات مهمی بر فعالیت‌های تجاری و اقتصادی بین ایران و روسیه داشته باشد. در حال حاضر، ما به روسیه کالاهایی با ارزش افزوده بالا صادر می‌کنیم، اما صادرکنندگان ایرانی به دلایل مختلف هنوز روبل‌های خود را به سیستم بانکی برنمی‌گردانند و از مجاری غیررسمی یا با ارزهای دیگر مانند دلار استفاده می‌کنند. وجود روبل در بازار و کشف نرخ آن اهمیت زیادی دارد. اگر شرکت‌ها و تاجران بتوانند نرخ نزدیک به بازار آزاد را مشاهده کنند و کالاهایشان از نظر اقتصادی مقرون به صرفه باشد، به احتمال زیاد به سمت بازار غیررسمی که پراز ریسک و هزینه‌های اضافی است، نخواهند رفت. یکی از مشکلات فعلی، ناآگاهی و عدم شفافیت در نرخ ارز است که منجر به تصمیمات نادرست و توقف صادرات می‌شود. برای مثال، یکی از صادرکنندگان به دلیل نوسانات نرخ روبل و عدم اطلاع دقیق از قیمت‌ها، در نهایت با مشکلاتی مواجه شد و تصمیم به توقف صادرات گرفت. برای اینکه تقاضا برای روبل شکل بگیرد، باید عرضه کافی وجود داشته باشد. خوشبختانه، صادرات ما نسبت به واردات در حال افزایش است و به سمت تراز تجاری مثبت می‌رویم. اگر تعرفه‌های گمرکی به صفر برسد، انگیزه‌های کم‌اظهاری و دور زدن قوانین کاهش خواهد یافت. در حال حاضر، کالاهایی که از قزاقستان به روسیه صادر می‌شوند، می‌توانند به طور مستقیم از ایران صادر شوند و این امر به افزایش عرضه روبل کمک خواهد کرد. با این تغییرات، بازار روبل به تدریج مشتریان خود را پیدا خواهد کرد و می‌تواند به یک بستر مطمئن و شفاف برای نقل و انتقالات مالی تبدیل شود.

راه‌اندازی برخی بانک‌های ایران در روسیه و بانک‌های روسی در ایران، تا چه اندازه بر روند کاری بین دو کشور موثر است؟

راه‌اندازی بانک‌های ایران در روسیه و بانک‌های روسیه در ایران می‌تواند تأثیرات

قابل توجهی بر روابط اقتصادی و تجاری بین دو کشور داشته باشد. بانک‌ها به عنوان مؤسسات خدمات‌دهنده، نقش حیاتی در تسهیل مبادلات مالی و تجاری ایفا می‌کنند. هرچه رقابت در این حوزه بیشتر باشد و فضای کسب و کار آزادتر باشد، بهبود قابل توجهی در فضای کسب و کار مشاهده خواهد شد. یکی از چالش‌های کنونی این است که بانک‌های ایرانی در رقابت با بانک‌های خارجی ممکن است با مشکلاتی مواجه شوند. تاکنون، بسیاری از بانک‌های خارجی تنها به تأسیس دفتر نمایندگی در ایران بسنده کرده‌اند و به طور کامل خدمات بانکی ارائه نمی‌دهند. به عنوان مثال، بانک تجارت خارجی روسیه تنها دفتر نمایندگی دارد و فعالیت‌های بانکی واقعی را انجام نمی‌دهد. اگر بانک‌های ایرانی و روسی بتوانند به طور مستقیم در کشورهای یکدیگر فعالیت کنند، این موضوع می‌تواند به تسهیل فرآیندهایی مانند باز کردن حساب، نقل و انتقال پول، ارائه تسهیلات اعتباری و ضمانت‌نامه‌های بانکی کمک شایانی کند. این خدمات برای صاحبان کسب و کار ضروری و مفید خواهد بود و به افزایش اعتماد و کاهش ریسک در تجارت بین دو کشور منجر می‌شود. با این حال، موفقیت این بانک‌ها به تصمیمات و مقررات بانک مرکزی بستگی دارد. بانک مرکزی باید شرایط و انگیزه‌های لازم را برای بانک‌های خارجی فراهم کند تا آنها بتوانند در ایران فعالیت کنند و از طرفی، بانک‌های ایرانی نیز باید در بازار روسیه با شرایط مشابهی مواجه شوند. در نهایت، همه چیز به مقررات بانکی و سیاست‌های بانک مرکزی مربوط می‌شود که چگونه می‌تواند این تعاملات را تسهیل کند و به رشد اقتصادی دو کشور کمک کند.

این روابط چقدر قابلیت بسط به دیگر کشورهای آسیای میانه و حوزه قفقاز را دارد؟

روابط بانکی بین ایران و روسیه می‌تواند به طور قابل توجهی به دیگر کشورها، به ویژه در قفقاز و آسیای میانه گسترش یابد. اقدامات بانکی که ایران و روسیه انجام می‌دهند، مشابه اقداماتی است که کشورهای بزرگ دیگر نیز در حال انجام آن هستند، مانند مصوبات گروه بریکس. کشورهای عضو بریکس شامل چین، هند،



به کار می‌روند، و این امر باعث شده که اتاق‌های بازرگانی در آمریکا و اتحادیه اروپا بارها خواستار عدم سوءاستفاده از اقتصاد و تجارت جهانی به عنوان ابزار سیاسی شوند. استفاده از ارزهای ملی در تجارت بین‌الملل به عنوان یک راهکار برای افزایش قدرت چانه‌زنی کشورها در حال گسترش است. سرعت این تحولات بسته به انگیزه‌های کشورها متفاوت است. به عنوان مثال، ایران و روسیه انگیزه بیشتری برای پیشبرد این مسیر دارند، در حالی که چین و هند هنوز در حال تقویت ارزهای ملی خود (روپیه و یوان) هستند. قزاقستان، با اینکه عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا است و تمام سیاست‌های اقتصادی، پولی و بانکی خود را در چارچوب این اتحادیه با روسیه و دیگر کشورهای عضو هماهنگ می‌کند، به دلیل ارتباطاتش با اقتصاد غرب، ملاحظات جدی دارد و کمتر در این زمینه‌ها ورود کرده است. با این حال، روبل روسیه در قزاقستان کاربرد دارد و بسیاری از تسویه حساب‌ها، به ویژه زمانی که ایرانیان قصد استفاده از آن را داشتند، تا قبل از اعمال تحریم‌های شدید، انجام می‌شد. در گذشته، کشورهایی مانند

آفریقای جنوبی و برزیل، با جمعیتی بیش از ۵۰ درصد از جمعیت جهان و اقتصادی بزرگ، توافق کرده‌اند تا چارچوبی برای تسویه حساب‌های تجاری خود با استفاده از ارزهای ملی خود ایجاد کنند. روسیه نیز یک قدم جلوتر رفته و پیشنهاد داده که یک ارز جدید تعریف شود و این ارز به طور نمادین افتتاح شده است. این نشان‌دهنده تمایل کشورهای بزرگ به کاهش وابستگی به دلار و یورو و افزایش استفاده از ارزهای ملی است. کشورهای مختلف، به‌ویژه هند و چین، با وجود تمایل به دلارزدایی، به دلیل حجم بالای تجارت خود با آمریکا، با ملاحظات سیاسی مواجه هستند. اما به‌طور کلی، وقتی کشورها راه‌های جایگزین برای تسویه حساب‌های مالی داشته باشند، قدرت چانه‌زنی و مذاکره آن‌ها با قدرت‌های جهانی افزایش می‌یابد و اقتصاد به تدریج در سیاست بین‌الملل نقش پررنگ‌تری پیدا می‌کند. در دنیای امروز، سیاستیون از ابزارهای اقتصادی برای اعمال فشار بر کشورهایی که در چارچوب سیاست‌های آنها حرکت نمی‌کنند، استفاده می‌کنند. دلار و یورو به عنوان ابزارهای فشار سیاسی

ضروری است که بانک مرکزی تحت فشار نباشد تا به سیاست‌های دستوری روی نیاورد و تنها از ابزارهایی که علم بانکداری در اختیارش قرار می‌دهد استفاده کند

ارمنستان، گرجستان و قزاقستان به ایرانیان این امکان را می‌دادند که پول‌های خود را با واسطه‌گری بانک‌های روسی مانند "VTB" و "بانک میریزنس" منتقل کنند. اما در حال حاضر این امکان وجود ندارد. ایران مذاکرات و پیشنهاداتی را برای استفاده از روبل به عنوان ابزار تسویه حساب مطرح کرده است. روبل به عنوان ارزی نسبتاً با ثبات، خود را اثبات کرده است. با این حال، ملاحظات سیاسی ناشی از تنش‌های غربی با روسیه، بر تصمیم‌گیری‌های قزاقستان تأثیرگذار است. انتظار می‌رود تا سال ۲۰۲۵ شرایط تغییر کند.

چه چالش‌های دیگری بر سر راه توسعه تجارت وجود دارد که بانک مرکزی باید برای تسهیل آن برنامه‌ریزی کند؟

بانک مرکزی باید به طور جدی به وضعیت کسب و کارها توجه داشته باشد. بر اساس قانون بهبود فضای کسب و کار، بخشنامه‌ها نباید به طور ناگهانی صادر شوند و لازم است که با تشکلات مشورت صورت گیرد. همچنین، نباید تحت فشار افرادی که خودشان کسب و کار مشخصی ندارند و به وضعیت اقتصادی حساس نیستند، قرار گیرد. در حال حاضر، بانک مرکزی تحت فشار است که چرا قیمت ارز افزایش یافته است. قیمت ارز باید به عنوان یک شاخص اقتصادی مورد توجه قرار گیرد. نمی‌توان از یکسو خواستار انضباط مالی بود و از سوی دیگر، دولت که خود با کسری بودجه مواجه است، این کسری را از سیستم بانکی قرض بگیرد و پایه پولی را افزایش دهد. در چنین شرایطی، انتظار نداشتن تغییر در نرخ ارز غیرمنطقی است. ارز تابع عرضه و تقاضاست و اگر انضباط مالی وجود نداشته باشد، طبیعتاً انضباط پولی نیز برقرار نخواهد بود و این امر می‌تواند منجر به عدم تعادل جدی در اقتصاد شود. بانک مرکزی باید دستش باز باشد و اجازه دهد که بازار به طور طبیعی عمل کند. به عنوان مثال، در روسیه، زمانی که نرخ هر دلار به ۸۰ روبل رسید، بانک مرکزی روسیه با وجود تنش‌های سیاسی، تصمیم ناگهانی نگرفت و اجازه داد که نرخ برابری دلار در مقابل روبل افزایش یابد. این اقدام به رشد گردشگری کمک کرد و شرایط را برای جذب گردشگران خارجی فراهم کرد.

قبل از این تغییرات، روسیه کشوری گران برای گردشگران بود و بسیاری از کالاها را از خارج وارد می‌کردند. اما با افزایش نرخ دلار در مقابل روبل گردشگری و تولید داخلی رونق گرفت و واردات کاهش یافت. نرخ روبل پس از آن به تدریج کاهش یافت و در مراحل مختلف به حدود هر دلار ۶۰ روبل رسید. در زمان جنگ اوکراین، نرخ روبل به هر دلار ۱۲۰ روبل افزایش یافت و سپس دوباره کاهش پیدا کرد. در هیچ‌یک از این موارد، بانک مرکزی اقدام به بستن ناگهانی اقتصاد یا ایجاد نرخ‌های چندگانه ارز نکرد. این موفقیت روسیه به دلیل اختیاراتی بود که رئیس‌جمهور روسیه به رئیس بانک مرکزی داد و اجازه داد که بانک مرکزی با ابزارهای مختلف و بدون دخالت دستوری، اقتصاد را مدیریت کند. نتیجه این رویکرد این بود که روبل به ارزی معتبر تبدیل شد و بسیاری از کشورها از آن برای تسویه حساب‌های خود استفاده می‌کنند.

ارزیابی شما از عملکرد بانک مرکزی در حوزه ارزی با توجه به فشارها و چالش‌های سیاسی که در منطقه و کشور رخ داده، چیست؟

عملکرد بانک مرکزی با توجه به تمام محدودیت‌ها و چالش‌هایی که دارد، به طور کلی خوب بوده است. اگرچه این نهاد با تأخیر وارد مسیر اصلاحات شده، اما نهایتاً اقداماتی را در این راستا انجام داده و حمایت وزارت اقتصاد نیز پشتوانه این اقدامات بوده است. مسیر خوبی برای بهبود وضعیت ارزی کشور پایه‌ریزی شده، اما موفقیت آینده بانک مرکزی بستگی به حمایت همه‌جانبه از این نهاد دارد. اتاق‌های بازرگانی نیز حمایت خود را از رویکرد بانک مرکزی اعلام کرده‌اند و این حمایت به طور مکرر در بیانیه‌های آن‌ها مطرح شده است. ضروری است که بانک مرکزی تحت فشار نباشد تا به سیاست‌های دستوری روی نیاورد و تنها از ابزارهایی که علم بانکداری در اختیارش قرار می‌دهد، استفاده کند. با ادامه این مسیر، چشم‌انداز من مثبت است و سال آینده می‌تواند سال خوبی برای کسب و کار ایران باشد، به ویژه در حوزه تجارت با روسیه و اوراسیا که زیرساخت‌های لازم برای آن ایجاد شده است.



تنش‌های سیاسی شرایط کنترل نرخ ارز را سخت می‌کند

- راهکارهای اقتصادی در زمان وجود تنش‌های سیاسی، به اندازه کافی تاثیرگذار نیستند
- بروز درگیری‌های منطقه‌ای و تنش‌های سیاسی، فضای مدیریت بازار ارز را برای بانک مرکزی سخت خواهد کرد
- هر بار که تنش‌های سیاسی تشدید می‌شود، بازار ارز به شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرد و مدیریت نرخ ارز را دشوار می‌کند
- هیچ بانک مرکزی حتی در کشورهای توسعه یافته نیز نمی‌تواند به طور کامل خود را از اثرات مسائل سیاسی جدا کند

پروفسور "استوارت سیم"

استاد دانشگاه نورث آمبریا انگلیس



دشوار می‌کند و باعث می‌شود تا کنترل این بازار از دست بانک مرکزی خارج شود. وی نظریه پرداز انتقادی است و به دلیل تحقیقاتش در مورد جهانی شدن، پست مدرنیسم، پساساختارگرایی، پست مارکسیسم، فلسفه قاره‌ای، نظریه

پروفسور "استوارت سیم" استاد دانشگاه نورث آمبریا انگلیس در یادداشتی اختصاصی برای هفته‌نامه تازه‌های اقتصاد، معتقد است که بروز درگیری‌های منطقه‌ای و تنش‌های سیاسی، فضای مدیریت بازار ارز را برای بانک مرکزی



اینکه برخی کارشناسان اقتصادی معتقدند که با بروز تنش‌های سیاسی، فضای مدیریت بازار مرکزی دشوار خواهد شد نیز درست است

فرهنگی و نظریه انتقادی شناخته شده است. او سابقه تدریس در دانشگاه اوپن و ساندربلند را نیز دارد و نویسنده یا ویراستار ۳۰ کتاب است. سیم همچنین مقالات متعددی در مجلات و فصل‌های مختلف کتب نوشته و آثار او به ۱۷ زبان دنیا ترجمه شده است. او در سال ۲۰۰۲ به عضویت انجمن انگلیسی (English Association) انتخاب شد. او مدرک کارشناسی و دکترای خود را از دانشگاه منچستر دریافت کرده است.

پیرامون منطقه خاورمیانه که می‌توان گفت به دلیل ویژگی‌های خاص آن، اغلب از چالش‌های سیاسی، جنگ و تنش‌های منطقه‌ای رنج می‌برد، می‌توان گفت که تنش‌های سیاسی ناگزیر، منجر به مشکلات اقتصادی برای کشورهای منطقه می‌شود. این موضوع همچنین باعث تأثیر منفی بر اقتصاد کشورهای درگیر با تنش خواهد شد. حتی کشورهایی که مستقیماً در تنش نیز درگیر نیستند، هم ممکن است از آن تأثیر بگیرند. در وهله اول، بازارهای بین‌المللی همیشه درباره سرمایه‌گذاری در مناطقی که بی‌ثباتی سیاسی وجود دارد، محتاط هستند، به این دلیل که سرمایه‌گذاری آنها ممکن است ایمن نباشد.

شرکت‌های بزرگ بین‌المللی عموماً از مشکلات سیاسی دوری می‌کنند و نگرانند که اعتبار آنها نیز آسیب ببیند. تنش‌های سیاسی همچنین می‌تواند به این معنا باشد که پول بیشتری از سوی دولت باید صرف مسائل امنیتی شود. بدون تضمین ثبات سیاسی، رشد و برنامه‌ریزی برای آینده برای هر اقتصادی دشوار خواهد بود و این امر به ویژه در کشورهای در حال توسعه، صادق خواهد بود.

درباره واکنش برخی بازارها به افزایش تنش‌ها و ریسک‌های سیاسی منطقه‌ای مانند بازار ارز، باید گفت که رسیدگی به این موضوع همیشه مشکل خواهد بود و به سختی می‌توان عنوان کرد که چگونه باید بدون کمک خارجی آن مسائل را حل کرد.

در این خصوص شاید بگوییم که با کشورهای بازارهای ثابت (که به معنای اقتصادهای غربی است) باید پیوند برقرار کرد، اما این خطر از دست دادن کنترل سیستم سیاسی خود و شاید تبدیل شدن به چیزی شبیه به یک دولت

مشتری را به همراه دارد. بنابراین در فقدان اینگونه کمک‌ها، هر بار که تنش‌های سیاسی تشدید می‌شود، بازار ارز به شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در نهایت باید با چنین مسائلی با ابزار سیاسی برخورد کرد. در واقع حل این مسائل از رهگذر حل مشکلات سیاسی میسر است و نه با راهکارهای اقتصادی.

اینکه برخی کارشناسان اقتصادی معتقدند که با بروز تنش‌های سیاسی، فضای مدیریت بازار ارز برای بانک مرکزی دشوار خواهد شد نیز درست است. باز هم این مسائل باید در سطح سیاسی حل شود و قدرت هیچ بانک مرکزی نمی‌تواند بالاتر از این باشد. در واقع بانک مرکزی در این زمینه کنترل لازم را نخواهد داشت و همانطور که گفته شد بروز درگیری و تنش‌های سیاسی، فضای مدیریت بازار ارز را برای بانک مرکزی دشوار می‌کند و باعث می‌شود تا کنترل این بازار از دست بانک مرکزی خارج شود.

اینکه در چنین مواقعی بتوانیم با افزایش اختیارات و ارائه ماموریت‌های ویژه به بانک مرکزی، از سقوط ارزش پول ملی جلوگیری کنیم را نیز می‌توان اینگونه گفت که بانک‌های مرکزی قوی، با میزان مشخصی از استقلال می‌توانند در چنین مواردی کمک کنند، اما در نهایت در برابر آنچه در حوزه سیاسی اتفاق می‌افتد آسیب‌پذیر خواهند بود. هیچ بانک مرکزی حتی در کشورهای توسعه‌یافته نمی‌تواند به طور کامل خود را از اثرات مسائل سیاسی جدا کند.

درباره تنش‌زا بودن برخی ارزها در اقتصادهای جهان مانند دلار نیز مسئله این است که ارزهای قوی مانند دلار منعکس کننده قدرت سیاسی هستند، بنابراین این موضوع به یک مسئله سیاسی تبدیل می‌شود و تا زمانی که آمریکا قدرت اقتصادی پیشرو در جهان باشد، دلار تأثیر مسلط بر نحوه عملکرد بازار ارز خواهد داشت (به علاوه برخی دیگر از ارزهای غربی مانند یورو). دور شدن از وابستگی به دلار تنها زمانی کارساز خواهد بود که اقتصاد قوی و ثبات سیاسی برای حمایت از آن وجود داشته باشد.

کشورهای در حال توسعه، احتمالاً باید بیشتر به عنوان یک قدرت متحد شوند تا تأثیر مثبتی بر بازار ارز و همچنین صحنه سیاسی بین‌المللی داشته باشند. برای اصلاح عدم توازن قدرت در بازارهای ارز، به همکاری‌های سیاسی بین‌المللی بسیار بیشتری نیاز است.



"حسن مسرور"، اقتصاددان لبنانی در گفت‌وگو با تازه‌های اقتصاد:

سیاست‌گذاری بانک مرکزی از بروز موج تورمی جلوگیری می‌کند

- نخستین گام برای احیا و به حرکت درآوردن چرخ اقتصاد، باید اصلاح نظام بانکی باشد
- در برخی کشورها مهم‌ترین ابزار مهار تورم استفاده از ابزار نرخ بهره است
- اقتصاد لبنان از یکسو شاهد افزایش شدید قیمت‌ها بوده و از سوی دیگر نیز با رکود اقتصادی مواجه است
- اصلاح نظام بانکی، مهم‌ترین اقدام احیای اقتصادی در لبنان محسوب می‌شود



در بسیاری از کشورهای اروپایی که در حال حاضر نیز با تورم روبرو هستند، استفاده از ابزار نرخ سود برای کنترل تورم بی نتیجه بوده است

تورم یکی از مهمترین چالش‌های پیش روی اقتصاد هر کشوری است که تلاش برای مهار آن باید متکی به راهکارهای علمی و منطقی باشد. حل مشکلات ناشی از تورم، بدون در نظر گرفتن ابعاد همه جانبه راهکارها، منافع و زیان‌های ناشی از آنها که همزمان متوجه اقتصاد می‌شوند، امکان‌پذیر نیست. کارشناسان و ناظران اقتصادی در همین زمینه راهکارهای متفاوتی ارائه می‌دهند که یکی از آنها استفاده از ابزار نرخ بهره است. در همین زمینه "حسن مسرور"، کارشناس مسائل اقتصادی از لبنان به تشریح ابعاد و چگونگی اعمال راهکارهای کنترل تورم پرداخته است. وی، اقتصاددان و استاد دانشگاه لبنان و همچنین کارشناس اقتصادی رسانه‌های عرب زبان است. مسرور در گفت‌وگو با هفته‌نامه تازه‌های اقتصاد به پرسش‌های مطرح شده در زمینه چالش تورم و راهکارهای کنترل آن پاسخ داد:

کنترل تورم، مهم‌ترین هدف بانک‌های مرکزی جهان است. چه ابزارها و اختیاراتی برای عملکرد موفق بانک مرکزی در کنترل تورم باید ایجاد و فراهم شود؟

تورم اساساً ناشی از شکاف میان وضعیت بخش تولید و حجم نقدینگی موجود است و بر همین اساس، در دوره کرونا و پس از آن، هزینه‌های میلیارد دلاری به جوامع غربی، اروپایی و آمریکایی در اثر بروز نوسانات بزرگ در بخش تولید تحمیل شد که منجر به شکل‌گیری موج تورمی شد. بانک‌های مرکزی در تمام کشورهای جهان از جمله در آمریکا و کشورهای اروپایی برای مهار موج‌های احتمالی تورمی تلاش می‌کنند. در برخی کشورها مهم‌ترین ابزار مهار تورم، استفاده از ابزار نرخ بهره است، چنانکه مشاهده کردیم که افزایش نرخ بهره طی سالیان گذشته در آمریکا موجب کاهش چشمگیر حجم نقدینگی در این کشور شد. بنابراین مهم‌ترین ابزاری که بانک‌های مرکزی در غرب و حتی سایر کشورهای جهان برای کنترل تورم استفاده می‌کنند، همان افزایش نرخ بهره است. قطعاً نتایج

این اقدام در درازمدت به بار خواهد نشست، اما افزایش نرخ بهره قطعاً بر میزان سرمایه‌گذاری تأثیر چشمگیری خواهد داشت. در زمان افزایش نرخ سود بانکی، نقدینگی در دسترس برای سرمایه‌گذاری کاهش پیدا می‌کند.

یکی از ابزارهای موثر مهار تورم در جهان، کنترل حجم نقدینگی و سرعت رشد آن است. در این زمینه، حرکت نامتوازن رشد نقدینگی با جریان اقتصادی، چه خسارت‌هایی به بار خواهد آورد؟

با توجه به کاهش حجم سرمایه‌گذاری‌ها در جوامعی که نرخ سود بانکی افزایش می‌یابد، این اقدام به نوبه خود باعث کاهش میزان تولید و در نتیجه، تحریک تورم خواهد شد. این مشکلی است که با افزایش نرخ بهره بانکی همراه است. در این شرایط دولت‌ها به سمت افزایش سرمایه‌گذاری و جذب منابع می‌روند. از سویی نیز دولت‌ها به شکل گسترده‌ای در این عملیات دخالت کرده تا سرمایه‌گذاری‌ها افزایش یابد. می‌توان گفت که همیشه راهکارهای کنترل تورم در قالب افزایش نرخ بهره و کاهش حجم نقدینگی، موفقیت‌آمیز نیست. حتی در بسیاری از کشورهای اروپایی که در حال حاضر نیز با تورم روبرو هستند، استفاده از ابزار نرخ سود برای کنترل تورم، بی‌نتیجه بوده است. امروزه در مسیر اقدامات لازم برای کنترل تورم، نقش دولت در اقتصاد به صورت مستمر در حال کاهش است و مهم‌ترین مسئله در اقتصاد غرب، نادیده گرفتن نقش دولت در اقتصاد است. به صورت کلی، ایفای نقش دولت در اقتصاد اغلب در قالب بانک مرکزی دنبال می‌شود و این بانک مرکزی است که سیاست‌های پولی را اتخاذ می‌کند.

پس از ناکامی بسیاری از کشورها در کنترل تورم، هدف‌گذاری تورمی در جهان تقویت شده و امروزه بسیاری از بانک‌های مرکزی اقدام به هدف‌گذاری تورمی می‌کنند. تعیین

سیاست‌های
مالی و پولی
به صورت
هم‌افزا در کنار
سیاست‌های
حاکمیتی که
اتخاذ می‌شوند
باید منجر
به مهار تورم
و مقابله با
موج‌های تورمی
شود

نتیجه سال‌های متمادی فساد در موسسات دولتی و همچنین بانک‌هاست. بنابراین نخستین گام برای احیای اقتصاد و به حرکت در آوردن چرخ اقتصاد، باید اصلاح نظام بانکی باشد. به نظر می‌رسد در مورد اقتصاد لبنان، اقدامات باید به گونه‌ای باشد که بانک‌ها در یکدیگر ادغام شده و بانک‌های جدید تاسیس شوند. همچنین لازم است تا قوانین بانکی جدیدی وضع شود. این اقدامات برای اصلاح نظام بانکی ضروری بوده و سنگ بنای تقویت اقتصادی نیز همین اصلاح نظام بانکی است.

کنترل انتظارات منفی جامعه از روند نرخ‌ها در آینده تا چه میزان به بانک مرکزی در کنترل تورم کمک خواهد کرد؟

کاهش قیمت‌ها و چشم‌انداز آینده درباره اقتصاد لبنان، غیر قابل پیش‌بینی است و در حال حاضر نمی‌توان به طور قطع درباره آن صحبت کرد، چرا که مایک دولت مرکزی قدرتمند نداریم و صرفاً یک شبه دولت داریم، زیرا دولت در حال حاضر هیچ‌گونه خدماتی ارائه نمی‌دهد و در هیچ زمینه تولیدی فعالیتی ندارد و حتی در بخش خدمات مرتبط با آب، برق و انرژی نیز هیچ فعالیت خاصی ندارد و دولت به شدت در انجام وظایف خود کوتاهی می‌کند، چرا که شرایط به گونه‌ای است که دولت نمی‌تواند وظایف خود را انجام دهد. به همین دلیل، نمی‌تواند در زمینه کاهش قیمت‌ها و یا جلوگیری از افزایش نرخ‌ها و کنترل تورم عمل کند. بنابراین نمی‌توان انتظار کاهش تورم، بهبود وضعیت تولید، اصلاح وضعیت انرژی و بهبود شرایط معیشت مردم را داشت.

دامنه و هدف تورمی، چقدر در تحقق کنترل تورم موثر است؟

بانک مرکزی باید سیاست‌هایی را دنبال کند که زمینه تقویت سرمایه‌گذاری‌ها، افزایش تولید و توسعه زیرساخت‌ها فراهم شود. این شیوه از اقدامات بانک مرکزی، می‌تواند به کاهش زمان مورد نیاز برای بازگشت اقتصاد به وضعیت عادی و در نتیجه تحقق کاهش تورم، کمک کند که امروزه در بسیاری از کشورهای غربی و حتی کشورهای منطقه ما نیز وجود دارد. بنابراین به نظر من در اینجا بخش خصوصی و دیگر نهادهای تصمیم‌ساز مالی دولت در کنار بانک مرکزی، مانند وزارت اقتصاد باید به صورت هم‌افزا باشد. سیاست‌های مالی و پولی، به صورت هم‌افزا در کنار سیاست‌های حاکمیتی که اتخاذ می‌شوند، باید منجر به مهار تورم و مقابله با موج‌های تورمی شود.

اصلاحات نظام بانکی کشورها و حذف بانک‌های مشکل‌دار و ناتراز، چقدر یک اقدام ریشه‌ای برای جلوگیری از تورم‌زایی فعالیت بانک‌ها است؟

به نظر من در لبنان اصلاح نظام بانکی، مهم‌ترین اقدام برای احیای اقتصادی است، چون ما با یک اقتصاد انقباضی و تورم قیمت‌ها روبرو هستیم. امروز اقتصاد لبنان، از دو مسئله متناقض رنج می‌برد که از یکسو شاهد افزایش شدید قیمت‌ها بوده و از سوی دیگر نیز با رکود اقتصادی مواجه است. امروز ما در وضعیت رکود اقتصادی قرار داریم و با وجود رکود و پایین بودن سطح تولید، دائماً شاهد افزایش قیمت‌ها هستیم. به طور قطع این اتفاق



شیوه بانک‌های مرکزی برای کاهش تورم

بانک مرکزی باید سیاست‌هایی را دنبال کند که زمینه تقویت سرمایه‌گذاری‌ها، افزایش تولید و توسعه زیرساخت‌ها فراهم شود. این شیوه از اقدامات بانک مرکزی، می‌تواند به کاهش زمان مورد نیاز برای بازگشت اقتصاد به وضعیت عادی و در نتیجه تحقق کاهش تورم، کمک کند که امروزه در بسیاری از کشورهای غربی و حتی کشورهای منطقه ما نیز وجود دارد.

محسن بهرامی ارض اقدس، عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ایران
در گفت‌وگو با تازه‌های اقتصاد:

حمایت فعالان اقتصادی از اقدام جدید ارزی بانک مرکزی

- کسری بودجه یکی از عوامل اصلی تورم در کشور است و این مشکل نیازمند توجه جدی از سوی سایر ارکان دولت خواهد بود
- رییس کل بانک مرکزی یک مجموعه تصمیمات را با رویکردی تدریجی دنبال کرده که هدف اصلی این سیاست‌ها، یکسان‌سازی نرخ ارز و کاهش شکاف بین نرخ ارز رسمی و غیررسمی است
- ایجاد بازار ارز تجاری، گامی در راستای تک‌نرخ کردن ارز است و اگر به نتیجه برسد شاهکاری است که فعالان اقتصادی همیشه به دنبال آن بوده‌اند
- یکی از دلایل اصلی تورم در ایران، بلوکه شدن منابع ارزی بانک مرکزی در سایر کشورها و کاهش درآمدهای نفتی است
- بانک مرکزی باید با مدیریت صحیح منابع و جلوگیری از استقرار بی‌رویه دولت، به حفظ ثبات اقتصادی کمک کند



بازار ارز تجاری که به تازگی در ایران راه‌اندازی شده، به عنوان یک ابتکار کلیدی در راستای بهبود وضعیت اقتصادی و تأمین ارز مورد نیاز تجار، می‌تواند تأثیرات مثبتی بر عمق بازار رسمی و کاهش فعالیت‌های بازار غیررسمی داشته باشد. با توجه به چالش‌های اقتصادی و تحریم‌های بین‌المللی، این بازار فرصتی را برای صادرکنندگان و واردکنندگان فراهم می‌آورد تا با تعامل مستقیم و شفاف، نیازهای ارزی خود را برطرف کنند. یکی از اهداف اصلی راه‌اندازی این بازار، کاهش فاصله بین نرخ ارز رسمی و غیررسمی است. در شرایطی که نوسانات ارزی و عدم شفافیت، مشکلات زیادی را برای تجار به وجود آورده، ایجاد یک بستر رسمی و مطمئن می‌تواند به کاهش ریسک‌های مرتبط با تأمین ارز کمک کند. این بازار به تاجران امکان را می‌دهد که با اطمینان خاطر، ارز مورد نیاز خود را از صادرکنندگان تأمین و در نتیجه، از ورود به بازار غیررسمی و مواجهه با نوسانات قیمتی پرهیز کنند. علاوه بر این، بازار ارز تجاری می‌تواند به کاهش فساد و تخلفات اقتصادی کمک کند. با ایجاد یک سیستم شفاف و منظم، فعالیت‌های غیرقانونی مانند کارت‌های بازرگانی اجاره‌ای و صادرات غیرضروری تحت کنترل قرار می‌گیرند. این امر نه تنها به بهبود شرایط تجاری کمک می‌کند، بلکه می‌تواند اعتماد عمومی را به نهادهای اقتصادی و دولتی افزایش دهد. در نهایت، با تقویت این بازار و حمایت از سیاست‌های اقتصادی مناسب، می‌توان به تدریج به سمت یک نظام ارزی پایدار و تک‌نرخی حرکت کرد که منجر به بهبود وضعیت اقتصادی کشور و کاهش فشارهای تورمی شود. این رویکرد نه تنها به تأمین نیازهای تجاری کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به عنوان یک گام مهم در راستای ایجاد ثبات اقتصادی و افزایش اعتماد عمومی به نظام مالی کشور محسوب شود. در گفت‌وگو با محسن بهرامی ارض اقدس، عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ایران به بررسی اقدامات بانک مرکزی در حوزه ارزی، کنترل تورم و چالش‌های این حوزه پرداخته‌ایم.

یکی از عمده‌ترین مشکلات اقتصاد ایران که باعث می‌شود برنامه‌های ضد تورمی بانک مرکزی با شکست مواجه شود، انتظارات منفی در جامعه است. برای کاهش این انتظارات منفی چه راهکارهایی می‌توان ارائه داد؟

موضوع انتظارات تورمی یک مسئله پیچیده و چندبُعدی است که ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را در برمی‌گیرد. به اعتقاد من، بُعد اقتصادی آن کمترین سهم را در دامن زدن به این انتظارات دارد. افراد جامعه، از جمله مصرف‌کنندگان، سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان، بر اساس پیش‌بینی‌ها و اطلاعاتی که دریافت می‌کنند، تصور می‌کنند روند قیمت‌ها در آینده افزایشی خواهد بود. متأسفانه، در کشور ما، این روند افزایشی به یک فرهنگ تبدیل شده است، به عنوان مثال، وقتی قیمت‌ها در حال افزایش است، مردم تشویق می‌شوند که خرید کنند و وقتی قیمت‌ها کاهش می‌یابد، برعکس عمل می‌کنند و می‌گویند باید صبر کرد تا قیمت‌ها پایین‌تر بیاید. این برخورد دوگانه با قیمت‌ها باعث می‌شود که در برخی موارد، تولیدکنندگان عرضه را متوقف کنند و این خود منجر به افزایش قیمت‌ها می‌شود. علاوه بر این، بسیاری از انتظارات تورمی ناشی از عوامل غیربنیادین است. برای مثال، در سال‌های گذشته، پس از اعلام توافق برجام، قیمت دلار به طور ناگهانی کاهش یافت، بدون اینکه تغییر اقتصادی خاصی در کشور رخ دهد. در مقابل، در زمان‌هایی که تنش‌های سیاسی، مانند حملات رژیم صهیونیستی به غزه، افزایش می‌یابد، قیمت دلار به سرعت بالا می‌رود و این افزایش قیمت بر سایر کالاها تأثیر می‌گذارد. در واقع، دلار به عنوان یک عامل لیدر در تعیین قیمت‌ها عمل می‌کند و نوسانات آن بر تمامی کالاها تأثیر می‌گذارد، حتی کالاهایی که ارتباط مستقیمی با دلار ندارند. اعتماد عمومی به حاکمیت و وعده‌های دولت نیز در ایجاد انتظارات تورمی نقش دارد. وقتی دولت هدف‌گذاری‌های تورمی را اعلام می‌کند، اما نتواند به آنها دست یابد، این موضوع باعث کاهش اعتماد مردم به سیاست‌گذاران می‌شود. به عنوان مثال، اگر دولت در برنامه‌های توسعه‌ای خود به رشد مستمر هشت درصدی اشاره کند، اما در

به طور کلی چالش‌های منطقه‌ای و مسائل سیاسی، تأثیر قابل توجهی بر برنامه‌های کنترلی بانک مرکزی دارند. این تأثیرات می‌تواند به صورت نوسانات ارزی، افزایش انتظارات تورمی و بی‌ثباتی اقتصادی بروز کنند



مادامی که
ایران از تعامل
با کشورهای
توسعه یافته
وبازارهای
جهانی دور
باشد، تحقق
هدف گذاری
تورمی دشوار
خواهد بود

عمل نتواند به این هدف دست یابد، مردم به تدریج به این وعده ها بی اعتماد می شوند. این بی اعتمادی می تواند باعث شود که مردم به خرید دارایی هایی با نقدشوندگی بالا، مانند سکه و طلا، روی آورند تا از افزایش قیمت ها در آینده جلوگیری کنند. برای مقابله با این انتظارات، لازم است که وعده ها و اهداف اقتصادی به گونه ای واقعی و قابل تحقق مطرح شوند. اگر مردم ببینند که بانک مرکزی و سایر نهادهای اقتصادی به وعده های خود عمل می کنند، احتمالاً اعتمادشان به این نهادها افزایش خواهد یافت و انتظارات تورمی کاهش می یابد. به علاوه، باید توجه داشت که سلب اعتماد و کاهش سرمایه های اجتماعی بین دولت و ملت نیز یکی از دلایل افزایش انتظارات تورمی است. برای کاهش این انتظارات، لازم است که برنامه ها و سیاست ها به طور شفاف و عملیاتی ارائه شوند و نهادهای اقتصادی به وعده های خود پایبند باشند. در نهایت، ایجاد یک فضای اقتصادی پایدار و شفاف، می تواند به کاهش انتظارات منفی و بهبود وضعیت اقتصادی کشور کمک کند.

چالش های منطقه و مسائل سیاسی چقدر به برنامه های کنترلی بانک مرکزی ضربه می زند و بانک مرکزی باید در این زمینه چه نوع سیاست گذاری را در نظر بگیرد؟

به طور کلی، چالش های منطقه ای و مسائل سیاسی تأثیر قابل توجهی بر برنامه های کنترلی بانک مرکزی دارند. این تأثیرات می توانند به صورت نوسانات ارزی، افزایش انتظارات تورمی و بی ثباتی اقتصادی بروز کنند. با این حال، قبل از بررسی نقش بانک مرکزی، باید به یک نگاه سیستمی به اقتصاد و هماهنگی بین ارکان مختلف نظام اشاره کرد. سه قوه باید در این زمینه همکاری و هماهنگی لازم را داشته باشند تا اعتماد عمومی به نظام اقتصادی بازگردد و فشارهای غیرمنطقی به بانک مرکزی کاهش یابد. بانک مرکزی به عنوان نهاد مسئول تنظیم بازار ارز، در مقاطع مختلف مجبور به مداخله در بازار می شود. اما این مداخلات گاهی با عواقب سنگینی برای مدیران همراه است. به عنوان مثال، رئیس کل بانک مرکزی و معاون ارزی وی ممکن است به دلیل تصمیماتشان در

زمینه عرضه ارز دچار مشکلاتی شوند. این وضعیت باعث می شود که مدیران آینده از اتخاذ تصمیمات ضروری و جسورانه در شرایط بحرانی خودداری کنند. به عبارت دیگر، این ترس از عواقب احتمالی تصمیم گیری، جرأت و جسارت لازم را از مدیران سلب می کند. در پاسخ به چالش های سیاسی و منطقه ای، بانک مرکزی باید سیاست گذاری هایی را در نظر بگیرد که شامل تقویت هماهنگی با سایر نهادها و ارکان حاکمیت باشد. همچنین، افزایش باورپذیری و اعتماد عمومی به تصمیمات اقتصادی و مالی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. برای این منظور، لازم است که تصمیمات اقتصادی با مشورت و نظرخواهی از بخش خصوصی و مردم اتخاذ شود. در بسیاری از موارد، نظرات و پیشنهادات بخش خصوصی، به ویژه اتاق بازرگانی، به طور جدی مورد توجه قرار نمی گیرد و این موضوع منجر به اتخاذ تصمیماتی می شود که در عمل قابل اجرا نیستند. برای بهبود این وضعیت، بانک مرکزی و سایر نهادها باید به طور فعال تری با تشکل های اقتصادی و نمایندگان بخش خصوصی ارتباط برقرار کنند و نظرات آنها را در فرآیند تصمیم گیری لحاظ کنند.

بانک مرکزی با توجه به این اتفاقات باید به چه نحو عمل کند؟

یکی از مشکلات اصلی بانک مرکزی، عدم استقلال آن است. این عدم استقلال مانع از آن می شود که بانک مرکزی بتواند به طور مؤثر عمل کند. در بسیاری از موارد، بانک مرکزی تحت فشارهای سیاسی قرار دارد و مجبور است تصمیمات خود را براساس خواسته های دیگر نهادها اتخاذ کند. حتی اگر بانک مرکزی به این نتیجه برسد که چه اقداماتی باید انجام دهد، باید نظرات و مجوزهای مراجع بالاتر، از جمله شورای پول و اعتبار و سایر ارکان تصمیم گیری را جلب کند. این وضعیت به ویژه در شرایطی که دوگانگی در تصمیم گیری ها وجود دارد، مشکل ساز می شود. یکی از خواسته های تاریخی بخش خصوصی و اتاق بازرگانی، تک نرخی شدن نرخ ارز و پایان دادن به چندنرخی بودن آن است. اما آیا بانک مرکزی واقعاً می تواند این تغییرات را اعمال کند؟ به عنوان مثال، در حال حاضر بحث ارز دارو و نحوه تبدیل ارز توافقی به ارز بازار آزاد مطرح است. این مسائل

به طور مستقیم به سیاست‌های بانک مرکزی مربوط می‌شود، اما نقش سایر نهادها مانند سازمان تجارت و وزارت صمت نیز در این زمینه بسیار مهم است. همچنین، باید توجه داشت که اتاق بازرگانی نیز باید در این فرآیند دخالت داشته باشد. یکی از چالش‌های بزرگ صادرکنندگان، موانع موجود در بازارهای جهانی و مشکلاتی است که در بازگشت ارز حاصل از صادرات وجود دارد. به عنوان مثال، صادرکنندگانی که محصولات خود را با ارز آزاد تولید می‌کنند، وقتی می‌خواهند ارز خود را به سامانه نیما برگردانند، با نرخ‌های دستوری مواجه می‌شوند. این در حالی است که هزینه‌های تولید آنها بالاتر از این نرخ‌هاست. این تصمیمات معمولاً توسط نهاد‌های مختلف اتخاذ می‌شود و بانک مرکزی به تنهایی مسئولیت آنها را بر عهده ندارد. بنابراین، اولین اقدام برای بهبود وضعیت، افزایش استقلال بانک مرکزی است. بانک مرکزی باید بتواند با اتکال به کارشناسان خود، سیاست‌هایی را برای حفظ ارزش پول ملی و کنترل تورم اتخاذ کند و اصرار داشته باشد که دولت‌ها نتوانند بر استقلال آن تأثیر بگذارند. علاوه بر این، بانک مرکزی باید در حوزه نظارتی خود فعال‌تر شود. به عنوان مثال، در مواردی که بانک‌های خصوصی به خود وام می‌دهند یا از منابع مردم سوءاستفاده می‌کنند، بانک مرکزی باید به سرعت وارد عمل شود. همچنین، باید توجه کرد که تسهیلات تکلیفی که دولت برای بانک‌ها تعیین می‌کند، می‌تواند مشکلاتی را ایجاد کند. بانک‌ها باید بتوانند به جای پرداخت وام به پروژه‌های غیرمؤثر، منابع خود را به سمت کارآفرینان و پروژه‌های بزرگ هدایت کنند. در نهایت، برای اصلاح وضعیت موجود، بانک مرکزی باید به طور جدی به نقش خود در حمایت از بخش خصوصی و کارآفرینان بپردازد و از منابع بانکی برای اجرای پروژه‌های بزرگ استفاده کند. این رویکرد می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصادی و افزایش اعتماد عمومی به نظام بانکی کمک کند.

بعضی از کشورها هدف‌گذاری تورمی را ملاک عمل قرار می‌دهند تا بتوانند تورم را کاهش دهند. این امکان چقدر در ایران وجود دارد که بتوانیم هدف‌گذاری تورمی

را با توجه به اتفاقاتی که در حوزه‌های مختلف کشور می‌افتد داشته باشیم؟

هدف‌گذاری تورمی در ایران با چالش‌های قابل توجهی مواجه است. به عنوان مثال، تاریخچه سند چشم‌انداز نشان می‌دهد که هدف رشد هشت درصدی مستمر در برنامه‌های چهارم، پنجم، ششم و هفتم مورد تأکید قرار گرفته است، اما این اهداف به ندرت محقق شده‌اند. به دلیل عدم وجود نظام بازخورد، هیچ‌گاه به طور جدی بررسی نشده که چرا این اهداف در سال‌های گذشته محقق نشده‌اند. در واقع، تنها یک بار شاهد کاهش تورم به صورت تک‌رقمی بودیم و آن هم بعد از پذیرش برجام و بهبود ارتباطات بین‌المللی بود. این نشان می‌دهد که ارتباط با جامعه جهانی، جذب سرمایه خارجی و صادرات در تحقق اهداف اقتصادی بسیار حائز اهمیت است. مادامی که ایران از تعامل با کشورهای توسعه‌یافته و بازارهای جهانی دور باشد، تحقق هدف‌گذاری تورمی دشوار خواهد بود. به عنوان مثال، در سال ۱۳۸۴، بودجه کشور حدود ۱۵۰ هزار میلیارد تومان بود و با دلار ۹۰۰ تومانی، حدود ۳۰۰ میلیارد دلار می‌شد. اما در سال ۱۴۰۴، بودجه به ۲۲۱۰ همت رسیده است. بنابراین افزایش قیمت دلار به طور قابل توجهی قدرت خرید و ارزش بودجه دلاری کشور را کاهش داده است. یکی از دلایل اصلی تورم در ایران، بلوکه شدن منابع ارزی بانک مرکزی در سایر کشورها و کاهش درآمدهای نفتی است. این مشکلات باعث می‌شود که بانک مرکزی برای تأمین ریال مجبور به چاپ اسکناس شود، که خود یکی از عوامل افزایش نقدینگی و تورم است. همچنین، قانون‌گذاران با علم به کسری بودجه، اقدام به تصویب بودجه‌های غیرواقعی می‌کنند که این امر نیز به تشدید تورم منجر می‌شود. بانک مرکزی باید در این زمینه نقش فعالی ایفا کند و از استقلال بیشتری برخوردار باشد تا بتواند تصمیمات مؤثری در زمینه کنترل تورم اتخاذ کند. به علاوه، بانک مرکزی باید نظارت بیشتری بر فعالیت‌های بانک‌ها داشته باشد و از سوءاستفاده‌ها جلوگیری کند. برای مثال، در حال حاضر، برخی بانک‌ها به خود وام می‌دهند و از منابع مردم سوءاستفاده می‌کنند. همچنین، بانک مرکزی باید در زمینه تسهیلات و نرخ سود به طور جدی‌تر عمل کند. اگر نرخ سود تسهیلات به درستی تعیین نشود، این امر می‌تواند به ایجاد مشکلاتی

اولین اقدام
باید این باشد
که بودجه به
طور واقعی
و عملیاتی
تدوین شده
و از تصویب
بودجه‌های
غیرواقعی
پرهیز شود



تحریم‌ها به ویژه در یک دهه گذشته تأثیر قابل توجهی بر نرخ تورم در ایران داشته‌اند و باعث کاهش درآمدهای نفتی و نوسانات شدید نرخ ارز شده‌اند

برای فعالان اقتصادی منجر شود. بانک مرکزی باید با درک مشکلات بخش خصوصی و فعالان اقتصادی، به ویژه در شرایط تحریم و تنش‌های بین‌المللی، به عنوان یک نهاد مسئول و کارآمد عمل کند. این نهاد باید با ایجاد بسترهای مناسب برای نقل و انتقال پول و تسهیل تجارت خارجی، به تقویت اقتصاد کشور کمک کند. در شرایط کنونی، بانک مرکزی باید به دنبال تقویت دیپلماسی اقتصادی باشد تا بتواند از تأثیرات منفی چالش‌های سیاسی و اقتصادی بر اقتصاد کشور بکاهد و به تحقق اهداف تورمی نزدیک‌تر شود.

یکی از دلایل اصلی تورم در کشور، کسری بودجه است. در این شرایط، وظیفه سایر ارکان دولت چیست تا فشارهایی که به بانک‌ها وارد می‌شود و سیاست‌های مالی که بر سیاست‌های پولی تأثیر می‌گذارد، ناترازی بانک‌ها را افزایش ندهد؟ چه راهکارهایی می‌توان برای حل این مشکل ارائه داد؟

کسری بودجه یکی از عوامل اصلی تورم در کشور است و این مشکل نیازمند توجه جدی از سوی سایر ارکان دولت است. در شرایط کنونی، ما با یک پارادوکس مواجه هستیم. به عنوان مثال، رئیس‌جمهور در مصاحبه‌ای به افزایش قیمت بنزین اشاره کرد و در عین حال از مخالفت مجلس با این افزایش خبر داد. این در حالی است که تولید بنزین در کشور به اندازه مصرف داخلی نیست و این ناترازی به وضوح نشان‌دهنده مشکلات ساختاری در مدیریت منابع و مصارف است. مجلس باید راهکارهایی برای مدیریت این ناترازی ارائه دهد. به عنوان مثال، می‌تواند پیشنهاداتی مانند سهمیه‌بندی بنزین یا محدودیت در تولید خودروهای پرمصرف را مطرح کند. در واقع، نیاز است که یک بسته سیاستی جامع برای مدیریت منابع و مصارف ارائه شود تا بتوان به طور مؤثری با این مشکلات مقابله کرد. رشد اقتصادی نیز در بودجه‌های سالانه به طور غیرواقعی هدف‌گذاری می‌شود. به طور مثال، در سال‌های اخیر، همواره هدف رشد هشت درصدی در بودجه‌ها وجود داشته، اما در عمل، جذب سرمایه خارجی به جای ورود، خروج سرمایه را تجربه کرده است.

این وضعیت به ویژه در سال‌های اخیر، با اعلام خروج بیش از ۱۰ میلیارد دلار سرمایه از کشور، به وضوح مشاهده می‌شود. در این شرایط، بانک مرکزی چگونه می‌تواند ناترازی را پوشش دهد؟ قوانین بودجه باید به طور واقعی و عملیاتی تنظیم شوند. در حالی که دولت‌ها از یک سو با کسری بودجه مواجهند، از سوی دیگر، مصارف مشخص و غیرقابل اجتنابی وجود دارد که باید تأمین شوند. این در حالی است که بودجه‌های عمرانی معمولاً در اولویت آخر قرار می‌گیرند و در نتیجه، عدم تحقق درآمدها به سرعت بر روی هزینه‌های جاری تأثیر می‌گذارد. بانک مرکزی در این شرایط تحت فشار قرار می‌گیرد تا با چاپ اسکناس، کسری‌ها را جبران کند، که این امر به افزایش پایه پولی و در نتیجه تورم منجر می‌شود. بنابراین، اولین اقدام باید این باشد که بودجه به طور واقعی و عملیاتی تدوین شود و از تصویب بودجه‌های غیرواقعی پرهیز شود. علاوه بر این، نظارت بر اجرای قوانین باید تقویت شود. در سال‌های اخیر، مجلس در حوزه نظارت غایب بوده و به ندرت شاهد تحقیق و تفحص جدی و مؤثر بوده‌ایم. این نظارت باید پیشینی باشد تا جلوی تخلفات و سوءاستفاده‌ها گرفته شود. به عنوان مثال، در سیستم بانکی، باید از وقوع تخلفات جلوگیری شود و اطمینان حاصل شود که مدیران بانک‌ها در تصمیم‌گیری‌های خود به طور صحیح عمل کنند. در نهایت، بانک مرکزی باید در حوزه تولید محتوا و مستند کردن گزارش‌ها با همکاری بخش خصوصی و اتاق بازرگانی فعال باشد و این اطلاعات را به تصمیم‌سازان ارائه دهد. این اقدام می‌تواند به بهبود تصمیم‌گیری‌ها و کاهش کسری بودجه کمک کند. همچنین، باید به دنبال ایجاد یک محیط قانونی و اجرایی مناسب برای خصوصی‌سازی و بهبود عملکرد شرکت‌های دولتی بود تا از این طریق منابع مالی بهتری برای تأمین هزینه‌های دولت فراهم شود.

بازار ارز تجاری که به تازگی راه‌اندازی شده، چه تأثیری می‌تواند بر تأمین ارز مورد نیاز تجار داشته باشد و چگونه می‌تواند بر عمق بازار رسمی و کوچک شدن بازار غیررسمی تأثیر بگذارد؟

تحریم‌ها به ویژه در یک دهه گذشته تأثیر

قابل توجهی بر نرخ تورم در ایران داشته‌اند و باعث کاهش درآمدهای نفتی و نوسانات شدید نرخ ارز شده‌اند و به مشکلاتی در حوزه واردات، حمل و نقل، و تأمین مالی دامن زده‌اند. در این شرایط، بانک مرکزی باید با مدیریت صحیح منابع و جلوگیری از استقراض بی‌رویه دولت، به حفظ ثبات اقتصادی کمک کند. یکی از چالش‌های اصلی در مدیریت اقتصاد، تغییرات مکرر در مدیریت بانک مرکزی است که می‌تواند به بی‌ثباتی سیاست‌ها منجر شود. اگر رئیس کل بانک مرکزی نتواند برنامه‌های خود را به خوبی اجرا کند و در میانه راه با تغییراتی مواجه شود، این امر می‌تواند به بی‌اعتمادی عمومی نسبت به سیاست‌های اقتصادی منجر شود. دکتر فرزین، رئیس کل فعلی بانک مرکزی، به طور کلی یک مجموعه تصمیمات را با رویکردی تدریجی دنبال کرده که هدف اصلی این سیاست‌ها، یکسان‌سازی نرخ ارز و کاهش شکاف بین نرخ ارز رسمی و غیررسمی است. در این راستا، نرخ ارز ۴۲۰۰ تومانی به تدریج به ۲۸,۰۰۰ تومان رسیده و در بودجه سال آینده نیز پیش‌بینی شده که این نرخ به حدود ۳۸,۰۰۰ تومان افزایش یابد. این تغییرات شامل قطع ارز برخی از کالاهای غیرضروری که ارز دولتی و ترجیحی دریافت می‌کنند، راه‌اندازی سامانه‌هایی مانند سامانه نیما و اخیراً ایجاد مرکز مبادله ارز و طلا و بازار تجاری است. به نظر می‌رسد این سلسله اقدامات به تدریج به هدف نهایی یعنی تکرخی شدن نرخ ارز نزدیک می‌شود. این سیاست‌ها در واقع به دنبال کاهش مفسده‌هایی هستند که در اقتصاد ملی وجود دارد و متأسفانه زمینه‌ساز فساد، تخلفات و جرایم بزرگ اقتصادی شده‌اند. این مسائل به ویژه فعالیت‌های سالم اقتصادی را بی‌ثبات کرده و دچار باهویت و شناسنامه‌دار را به چالش کشیده است. در حال حاضر، مشکلاتی مانند کارت‌های بازرگانی اجاره‌ای، واردات صوری، صادرات غیرصوری و خروج ارز از کشور تحت عنوان صادرات، به وضوح مشاهده می‌شود. این مسائل عمده‌تأثانی از رانت ارز است، به طوری که بسیاری به دنبال دریافت ارز دولتی بیشتر و خروج ارز با قیمت ارزان از کشور هستند، بدون اینکه کالاهای وارد کنند. اگر ما بتوانیم در دوره ریاست آقای فرزین به این نتیجه مثبت برسیم، این می‌تواند یکی از شاهکارهایی باشد که بخش خصوصی به دنبالش بوده و

می‌تواند بسیاری از مشکلات کشور را کاهش دهد. بنابراین، باید به ایشان فرصت داده شود تا با اطمینان و خاطر جمع به ادامه این سیاست‌ها بپردازد. یکی از گام‌های مهمی که در این راستا برداشته شده، ایجاد بازار تجاری ارز است. در این بازار، صادرکننده‌ای که ارز حاصل از صادراتش را دارد، می‌تواند آن را به واردکننده‌ای بفروشد که نیازش توسط این واردکننده ممکن است به دنبال تأمین مواد اولیه برای کارخانه‌اش، ماشین‌آلات و تجهیزات، دانش فنی، یا کالاهای اساسی و مصرفی باشد. در این فرآیند، تأییدیه‌های لازم به این واردکننده داده می‌شود تا او بتواند ارز مورد نیاز خود را دریافت کند و آن را به تولید و کالا تبدیل کند. در این بازار، صادرکننده به عنوان فروشنده، هیچ الزامی ندارد و دخالت‌های دستوری دولت و نرخ‌نیمایی بر او تحمیل نمی‌شود. به عنوان مثال، اگر من کالایی را با ارز این صادرکننده خریده و آن را به کشور وارد کنم، دیگر نباید نگران این باشم که فردا از من خواسته شود تا این کالا را بر اساس نرخ‌های دستوری بفروشم. من می‌توانم آزادانه کالا را بفروشم و نگران عواقب آن نباشم. این فرآیند نیاز به هماهنگی‌های فراوانی دارد، یعنی بانک مرکزی باید مقدمات عرضه و تقاضا را فراهم کند تا بازار به تعادل برسد. اکنون باید تلاش شود تا این نرخ‌ها به هم نزدیک شوند تا هزینه‌های دریافت ارز دولتی و مشکلات آن به حدی نباشد که تجار به سمت بازار غیررسمی بروند. دولت همچنین باید به سیاست‌های حمایتی نیز توجه کند. به عنوان مثال، اگر دولت بخواهد ارز دارو را با قیمت خاصی ارائه دهد، می‌تواند به جای تخصیص ارز ارزان، داروها را به قیمت مناسب تأمین کند. به جای اینکه مابه‌التفاوت نرخ ارز را به صورت غیرمستقیم به مصرف‌کنندگان بدهد و نگران سوءاستفاده‌ها باشد، می‌تواند از طریق شبکه‌های بیمه، شبکه‌های پخش و تأمین اجتماعی، مابه‌التفاوت دارو را به مصرف‌کنندگان ارائه دهد. این رویکرد مشابه پرداخت نقدی یارانه‌ها برای کالاهای اساسی است. در نهایت، با این اقدامات می‌توان به تدریج بساط چندنرخ بودن ارز را جمع کرد و امیدوار بود که روزی این اتفاق در بازار ارز کشور بیفتد. با ایجاد یک بازار متعادل و شفاف، می‌توان به بهبود وضعیت اقتصادی کشور و کاهش فساد و تخلفات کمک کرد.

تحریم‌ها به ویژه در یک دهه گذشته تأثیر قابل توجهی بر نرخ تورم در ایران داشته‌اند و باعث کاهش درآمدهای نفتی و نوسانات شدید نرخ ارز شده‌اند



تأثیر مثبت مدیریت بانک مرکزی بر کنترل بازار ارز

- هدف گذاری تورمی می تواند به مهار تورم کمک کند، اما برای موفقیت در این زمینه، تمامی ارکان و سیاست گذاران کشور باید به این هدف گذاری پایبند باشند
- اقداماتی که در حوزه سیاست گذاری های ارزی انجام شده، از جمله ساماندهی بازار ارز نیمایی و توافقی، به بهبود وضعیت کمک کرده است
- مدیریت بانک مرکزی در کاهش شکاف بین بازار ارز آزاد و نیمایی، تأثیر مثبتی بر کنترل نرخ ارز داشته است

علیرضا قدرتی

کارشناس مسائل اقتصادی



یکی دیگر از دلایل عمده تورم ساختاری در کشور، بی انضباطی مالی دولت در سال های گذشته است. این بی انضباطی ناشی از نوسانات درآمدی دولت و وابستگی جدی اقتصاد به نفت است. نوسانات درآمدی ناشی از تغییرات قیمت نفت در دوره های مختلف، به ولنگاری های مالی منجر شده و این وضعیت بر شدت تورم افزوده است. همچنین، ناهمگونی سیاست گذاری های اقتصادی در کشور، که موجب تناقضات بین سیاست های پولی و مالی شده، از دیگر ریشه های تورم است. این تناقضات باعث شده اند که راه حل های پیشنهادی برای

کشور ما از یک تورم تاریخی رنج می برد که اثرات نامطلوبی بر اقتصاد ملی گذاشته است. دلایل متعددی برای بروز این تورم تاریخی مطرح می شود، اما یکی از مهم ترین آنها، ساختار معیوب نظام بانکی است که به دلایل مختلف، بخش عمده ای از این تورم را ایجاد کرده است. ناترازی های موجود در بخش های مختلف اقتصاد، به ویژه ناترازی در سیستم بانکی، موجب رشد نقدینگی در سال های اخیر و خلق پول شده است. این عوامل سبب شده اند که تورم در کشور ریشه دار و ادامه دار شود.

۲۸



اقتصاد

● شماره ۷۶ - بهمن ۱۴۰۳ ●

با وجود
تلاش‌های اخیر
برای افزایش
استقلال بانک
مرکزی، دولت
به عنوان
بزرگ‌ترین
عامل
بی‌انضباطی
مالی، همچنان
تأثیرات منفی
بر سیاست‌های
پولی دارد



کنترل تورم، تحت تأثیر سیاست‌های مالی انبساطی قرار گیرد و کارایی خود را از دست بدهد.

نقش بانک مرکزی به عنوان سیاست‌گذار حوزه پولی نیز در این زمینه بسیار حائز اهمیت است. عدم استقلال بانک مرکزی و تأثیرگذاری سیاست‌های مالی بر سیاست‌های پولی، به ویژه در سال‌های اخیر، موجب شده که بانک مرکزی نتواند به طور مؤثر به کنترل تورم بپردازد. با وجود تلاش‌های اخیر برای افزایش استقلال بانک مرکزی، دولت به عنوان بزرگ‌ترین عامل بی‌انضباطی مالی، همچنان تأثیرات منفی بر سیاست‌های پولی دارد. در ایام بودجه، تکالیف نامتقارن و غیرقابل اجرایی برای دولت تعیین می‌شود که این موضوع باعث می‌شود سیاست‌های مالی، برنامه‌ریزی‌های بانک مرکزی را تحت تأثیر قرار دهد. تجربه کشورهای دیگر نشان می‌دهد که هدف‌گذاری تورمی می‌تواند به مهار تورم کمک کند، اما برای موفقیت در این زمینه، تمامی ارکان و سیاست‌گذاران کشور باید به این هدف‌گذاری پایبند باشند. هرگونه جزیره‌ای عمل کردن و عدم هماهنگی میان بخش‌های مختلف اقتصادی، مانع از تحقق برنامه‌های کاهش نرخ تورم خواهد شد. تکالیف سالانه که بر دولت تحمیل می‌شود، در بسیاری از موارد با برنامه‌های هدف‌گذاری تورم در تضاد است و تا زمانی که انسجام ملی و هماهنگی میان بخش‌های مختلف وجود نداشته باشد، نمی‌توان انتظار موفقیت در مهار تورم را داشت. بخشی از تورم که از سال ۹۷ به بعد تشدید شده،

ناشی از تحریم‌ها، به ویژه تحریم‌های نفتی است که درآمد‌های دولت را تحت تأثیر قرار داده است. این تحریم‌ها و نوسانات ارزی، چالش‌های جدی برای سیاست‌گذاران ایجاد کرده و اثرات آن بر بخش‌های مختلف اقتصادی غیرقابل انکار است. با توجه به شرایط سیاسی و ژئوپلیتیکی منطقه و همچنین تحریم‌های گسترده‌تر، ریسک سیستماتیک بر بازار ارز حاکم شده که منجر به تکان‌های شدید و رشد ارز شده است. اگرچه بانک مرکزی ممکن است نتواند به طور کامل این رشد ارزی را کنترل کند، اما اقداماتی که در حوزه سیاست‌گذاری‌های ارزی انجام شده، از جمله ساماندهی بازار ارز نیمایی و توافقی، به بهبود وضعیت کمک کرده است. همچنین، مدیریت بانک مرکزی در کاهش شکاف بین بازار ارز آزاد و نیمایی، تأثیر مثبتی بر کنترل نرخ ارز داشته است. بخش دیگری از تورم ناشی از انتظارات تورمی است که هر ساله در جامعه شکل می‌گیرد. این انتظارات به دلیل تناقض در سیاست‌گذاری‌های پولی و مالی ایجاد می‌شود و می‌توان با مدیریت صحیح این بخش‌ها و همچنین حوزه ارزی، آن را کاهش داد. نرخ ارز می‌تواند تأثیر جدی بر انتظارات تورمی جامعه داشته باشد، اما در بازار آرام و بدون نوسان، این انتظارات کمتر شکل می‌گیرد. در نهایت، برای کنترل مؤثر تورم و بهبود وضعیت اقتصادی کشور، حفظ استقلال بانک مرکزی و جلوگیری از دخالت‌های نامناسب در سیاست‌گذاری‌های پولی ضروری است. دولت باید به این استقلال احترام بگذارد و برای بهبود شرایط اقتصادی، تحمل برخی چالش‌ها را بپذیرد.



جزئیات وام ازدواج در سال ۱۴۰۳

مدارک لازم:

شناختنامه
کارت ملی
سند ازدواج



زمان پرداخت:

حداکثر ۱۰ روز
پس از تکمیل پرونده



ایبنا
رسانه مرجع بانک مرکزی

ارسال پیامک
کد رهگیری
برای متقاضی

ارسال پیامک
شعبه حداکثر تا ۱۵ روز
فرصت ۱۲ روزه متقاضی
برای تشکیل پرونده



هفته نامه
تازه های اقتصاد

مراجعه به
سامانه بانک
مرکزی به آدرس

ve.cbi.ir

فرآیند ثبت
درخواست:



ضمانت: بدون ضمانت:

براساس اعتبارسنجی
یا حداکثر یک ضامن



موسسه مطبوعاتی
بازار پول و ارز



مبلغ وام برای هر فرد

آقا زیر ۲۵ سال و خانم زیر ۲۳ سال

۳۵۰ میلیون تومان

سایر افراد واجد شرایط ۳۵۰ میلیون



دوره بازپرداخت ۱۰ ساله

نرخ سود ۴ درصد



شرط پرداخت

تاریخ ازدواج بعد از

یکم فروردین ۱۴۰۱

سعید باستانی، نماینده سابق مجلس در گفت‌وگو با تازه‌های اقتصاد:

بخشی از تورم در اقتصاد ایران وارداتی است

- بخشی از تورم در ایران ناشی از تورم وارداتی است که به دلیل حاکمیت دلار در دنیا اتفاق می‌افتد
- هدف بانک‌ها این بوده که به عنوان واسطه‌ای مطمئن در مراودات مالی عمل کنند، اما اکنون بسیاری از بانک‌ها به بنگاه‌های اقتصادی تبدیل شده‌اند
- اگر قرار باشد که استقلال بانک مرکزی به طور واقعی محقق شود، باید تغییرات قانونی به شکل کامل‌تری به انجام برسد
- حکمرانان کشور باید اراده‌ای قوی برای ایجاد یک بانک مرکزی مستقل داشته باشند که حافظ منافع مردم باشد



ناترازی بودجه همواره تورم را به همراه دارد و تازمانی که انضباط مالی برقرار نشود و کسری بودجه از طریق تولید و درآمدهای پایدار تأمین نشود، این وضعیت ادامه خواهد داشت

تورم یکی از چالش‌های اساسی اقتصاد ایران در دهه‌های اخیر بوده است که به دلیل عوامل مختلفی مانند کسری بودجه، ناترازی در سیاست‌های مالی و عدم استقلال بانک مرکزی، افزایش یافته است. یکی از عوامل کلیدی در کنترل تورم، استقلال بانک مرکزی است. بانک مرکزی باید به عنوان یک نهاد مستقل عمل کند تا بتواند سیاست‌های پولی مؤثری را اجرا کند. در شرایط کنونی، فشارهای سیاسی و اقتصادی بر بانک مرکزی مانع از اتخاذ تصمیمات مستقل و مؤثر در زمینه کنترل نقدینگی و تورم می‌شود. بنابراین، اصلاحات قانونی برای تقویت استقلال بانک مرکزی ضروری است. علاوه بر استقلال بانک مرکزی، اجرای سیاست‌های پولی مؤثر نیز اهمیت دارد. سیاست‌های پولی باید بر اساس تحلیل‌های دقیق اقتصادی و پیش‌بینی‌های تورمی طراحی شوند. به عنوان مثال، کنترل نرخ بهره و مدیریت نقدینگی باید به گونه‌ای باشد که از افزایش بی‌رویه قیمت‌ها جلوگیری کند. همچنین، دولت باید از سیاست‌های مالی انضباطی پیروی کند تا کسری بودجه کاهش یابد و منابع مالی به سمت تولید و سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی هدایت شود. برای مهار تورم در ایران، ضروری است که بانک مرکزی مستقل باشد و سیاست‌های پولی مؤثری اجرا کند. این اقدامات می‌توانند به ثبات اقتصادی و بهبود شرایط معیشتی مردم کمک کنند و در نهایت به رشد پایدار اقتصادی منجر شوند. در همین زمینه با سعید باستانی، کارشناس اقتصادی و نماینده سابق مجلس شورای اسلامی به گفت‌وگو پرداختیم که در ادامه می‌خوانید.

دهه‌هاست که اقتصاد ما درگیر تورم‌های بالا است و تاکنون نتوانسته‌ایم به طور مطمئن از این وضعیت خارج شویم. چه عواملی سبب ماندگاری این تورم در اقتصاد ما شده است؟

تورم در بیشتر کشورها دو بُعد دارد: تورم داخلی و تورم وارداتی. بخشی از تورم در ایران ناشی از تورم وارداتی است که به دلیل حاکمیت دلار در دنیا اتفاق می‌افتد. وقتی اقتصاد آمریکا با تورم مواجه می‌شود و یا در سال‌های مختلف دچار مشکلات اقتصادی می‌شود، این کشور با روش‌هایی که برای کنترل اقتصاد خود دارد، تورم داخلی‌اش را به سایر کشورها منتقل می‌کند. کشورهایی که به نوعی از دلار استفاده می‌کنند، از جمله ایران، تحت تأثیر این پدیده قرار می‌گیرند. به عنوان مثال، اگر آمریکا ۳۰۰ میلیارد دلار پول چاپ کند، این تورم بین ۱۸۰ کشور توزیع می‌شود و بخشی از آن به ما نیز می‌رسد. تا زمانی که دلار حاکم بر اقتصاد جهانی باشد، این پدیده ادامه خواهد داشت و در مواقعی که آمریکا به مشکلات اقتصادی دچار می‌شود، این فشار به بدنه کشورهای دیگر نیز منتقل می‌شود. بخش دیگر تورم در ایران ناشی از عوامل داخلی است که عمدتاً به کسری بودجه و بی‌انضباطی مالی مربوط می‌شود. این مشکلات در دوره‌های مختلف تشدید و به مرور زمان مزمن می‌شوند. از سال ۱۳۵۱ که نفت به بودجه کشور وارد شد، تورم آغاز شد. متأسفانه، به جای اینکه بودجه نفتی صرف تولید و ایجاد زیرساخت‌های لازم شود، به عنوان بودجه هزینه‌ای مصرف شده و به این ترتیب، منجر به افزایش تورم شده است. همچنین، ناترازی و کسری بودجه‌ای که هر ساله وجود دارد، باید از طریق روش‌های مختلفی جبران شود که تمامی این روش‌ها به نوعی تورم‌زا هستند. به عنوان مثال، در دهه‌های گذشته، برای جبران کسری بودجه، از محل صندوق ذخیره ارزی، فروش اموال و دارایی‌های دولت، چاپ اوراق و اخیراً از طریق مولدسازی دارایی‌های دولت استفاده شده است. هر چه کسری بودجه بیشتری داشته باشیم، در نهایت تأثیر به چاپ پول خواهیم بود. ناترازی بودجه همواره تورم را به همراه دارد و تا زمانی که انضباط مالی برقرار نشود و کسری بودجه از طریق تولید و درآمدهای پایدار تأمین نشود، این وضعیت ادامه خواهد داشت. وقتی در سال‌های متوالی با تورم بالا مواجه هستیم، مشکلات دیگر از جمله عدم بهره‌وری و ناکارآمدی سیستم‌ها، چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی،



در زیر لایه‌های تورم پنهان می‌شوند. برای مثال، کارخانه‌ها برای به‌روز شدن و نوسازی صنایع خود باید صرفه‌جویی انرژی کنند و نیروی انسانی و بهره‌وری خود را تقویت نمایند. اما وقتی سوددهی این شرکت‌ها در سایه تورم بالا مخفی می‌شود، هیچ‌کس به دنبال بهبود این مسائل نخواهد رفت و این مشکلات به بخشی از فرهنگ سازمانی تبدیل می‌شود. به عنوان نمونه، اگر انرژی ارزان یا رایگان باشد، شرکت‌ها به راحتی کار خود را انجام می‌دهند و به بهینه‌سازی مصرف انرژی و بهره‌وری توجهی نمی‌کنند. در این شرایط، هزینه‌های ناشی از انرژی و سایر عوامل به طور کلی نادیده گرفته می‌شوند. به عنوان مثال، اگر تورم ۴۰ درصد باشد، تأثیر ۱۰ درصدی هزینه‌های انرژی به نظر ناچیز می‌رسد و هیچ‌کس به دنبال بهبود این مسائل نخواهد بود. زمانی که تورم به ۸ و ۹ درصد می‌رسد، مشکلات سازمانی و ناکارآمدی‌ها نمایان می‌شوند و این امر باعث می‌شود که توجه به بهره‌وری و بهبود سیستم‌ها افزایش یابد. در واقع، این رفتار در شرایط تورم بالا، مانع از انجام اقداماتی می‌شود که موجب چالاک‌ی و بهره‌وری سازمان‌ها می‌شود و به مرور زمان به بخشی از فرهنگ سازمانی تبدیل می‌شود. اگر ناترازی بودجه‌ای را رفع کنید و انضباط مالی برقرار شود، باز هم برای سازمان‌ها زمان زیادی لازم است تا خود را برای بهبود مصرف انرژی و افزایش تولید بهره‌ور و چالاک کنند و نوسازی صنایع را انجام دهند. اینها بخشی از سیستم فشل صنعتی ما هستند که نیاز به توجه و اصلاح جدی دارند. در نهایت، برای برطرف کردن موانع و مشکلات اقتصادی، ضروری است که به انضباط مالی توجه ویژه‌ای شود و ساختارهای اقتصادی به گونه‌ای اصلاح شوند که از تولید و بهره‌وری حمایت کنند. تنها در اینصورت است که می‌توان به کاهش پایدار تورم و بهبود وضعیت اقتصادی کشور امیدوار بود.

جزیره‌ای عمل کردن
سیاست‌ها در بخش‌های
پولی و مالی یکی از
چالش‌های اساسی اقتصاد
کشور است. برای حل این
مشکل چه راهی را باید در
پیش گرفت؟

برای درک بهتر این موضوع، باید به دلایل تشکیل برخی از نهادها و سازمان‌ها در کشور برگردیم. به عنوان مثال، بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار با هدف نظارت و رگولاتوری بر نظام بانکی و حفظ ارزش پول ملی تأسیس شده‌اند. وظیفه بانک مرکزی این است که از دارایی‌های شهروندان محافظت کند، به این معنا که اگر امروز هزار تومان در جیب من است، باید فردا صبح نیز ارزش آن به همان اندازه باقی بماند. اما زمانی که بانک مرکزی استقلال ندارد و قدرت رگولاتوری کافی ندارد، نمی‌تواند این وظیفه را به درستی انجام دهد. امروز موسسات مالی غیرمجاز تقریباً جمع‌آوری شده‌اند، اما هنوز هم چالش‌هایی وجود دارد. به عنوان مثال، بانک مرکزی اعلام کرده که تنها بر روی بانک‌های دولتی می‌تواند نظارت کند و در برابر بانک‌های خصوصی و مؤسسات مالی اعتباری دیگر قدرت چندانی ندارد. این وضعیت به عدم توانایی در رگولاتوری و نظارت بر نظام مالی منجر می‌شود. در حقیقت، وظیفه بانک مرکزی باید نظارت، حمایت و هدایت باشد، نه اینکه خود به یک عامل دولتی تبدیل شود.

اگر به کفایت سرمایه‌ها نگاه کنیم، می‌توانیم سه دسته بانک را شناسایی کنیم: بانک‌های خوب، بانک‌های متوسط و بانک‌هایی که کارایی لازم را ندارند. اما در عمل، هیچ اقدامی نمی‌توانیم برای بهبود این وضعیت انجام دهیم، زیرا پول مردم در این بانک‌ها قرار دارد و تصمیم‌گیری در این زمینه دشوار است. اگر قرار باشد اصلاحی انجام شود، همه نهادها باید به جایگاه اصلی خود بازگردند. بانک مرکزی نمی‌تواند از حفظ ارزش دارایی‌های شهروندان سلب اختیار کند، زیرا دلیل به وجود آمدن بانک مرکزی در کشورهای مختلف همین بوده است. هدف بانک‌ها این بوده که به عنوان واسطه‌ای مطمئن در مراودات مالی عمل کنند، اما اکنون بسیاری از بانک‌ها به بنگاه‌های اقتصادی تبدیل شده‌اند و در فعالیت‌های مختلفی از جمله پتروشیمی، مسکن‌سازی و گردشگری مشارکت دارند. این وضعیت نشان‌دهنده عدم قابلیت رگولاتوری در بانک مرکزی است. هر نهادی که قدرت بیشتری دارد، سعی می‌کند کار خود را انجام دهد، در حالی که ممکن

دولت‌ها به
 دلیل نیاز
 به کنترل
 و مدیریت
 اقتصادی
 تمایل دارند که
 از بانک مرکزی
 به عنوان ابزاری
 برای اجرای
 خواسته‌های
 خود استفاده
 کنند



در شرایط
کنونی، تورم
به عنوان یک
مالیات پنهان
بردوش
مردم تحمیل
ودولت‌ها از
این وضعیت
بهره‌مند
می‌شوند

است هیچ‌کس نتواند به درستی به مسائل اقتصادی پاسخ دهد. به عنوان مثال، وقتی ارزش دلار تغییر می‌کند، ممکن است فشارها به وزیر اقتصاد وارد شود، در حالی که او هیچ اهمیتی برای کنترل این تغییرات ندارد. در نتیجه، برای بهبود وضعیت اقتصادی کشور و رفع مشکلات ساختاری، نیاز است که سیاست‌ها در بخش‌های پولی و مالی به صورت هماهنگ و یکپارچه طراحی و اجرا شوند. همچنین، باید به استقلال بانک مرکزی و توانمندی آن در رگولاتوری توجه ویژه‌ای شود تا بتواند به حفظ ارزش پول و ثبات اقتصادی کمک کند. تنها در این صورت است که می‌توان به اصلاحات پایدار و مؤثر در نظام اقتصادی کشور امیدوار بود.

دولت چه حمایت‌هایی می‌تواند از بانک مرکزی داشته باشد تا هم اقتدار و اختیارات آن را افزایش دهد و هم اعتبار مورد نیاز را به بانک مرکزی بازگرداند؟

در این راستا، دولت باید دو اقدام اساسی انجام دهد: اصلاحات قانونی و ایجاد اراده سیاسی. در بخش قانونی، باید به تکالیف و وظایف بانک مرکزی توجه شود. در مجلس قبلی، ساختار قانونی بانک مرکزی تا حدودی تغییر کرد و نحوه تعیین هیأت عامل مشخص شد. اما نکته کلیدی، اراده سیاسی است. قانونی که در مجلس دهم پیگیری می‌شد، به استقلال رسمی بانک مرکزی مربوط می‌شود، اما هیچ دولتی به طور صریح اعلام نمی‌کند که بانک مرکزی باید مستقل باشد. دولت‌ها به دلیل نیاز به کنترل و مدیریت اقتصادی، تمایل دارند که از بانک مرکزی به عنوان ابزاری برای اجرای

خواسته‌های خود استفاده کنند. به ویژه دولت‌هایی که در اداره امور اقتصادی خود موفق نیستند، به بانک مرکزی به عنوان تنها راه حل خود متوسل می‌شوند. اگر قرار باشد که استقلال بانک مرکزی به طور واقعی محقق شود، باید تغییرات قانونی به شکل کامل‌تری انجام شود. هرچند که در قانون جدید، نحوه تعیین هیأت عامل و گزارش‌دهی رئیس بانک مرکزی بهبود یافته است، اما هنوز اراده‌ای در بین دولتمردان وجود ندارد که بانک مرکزی را به عنوان نهادی مستقل برای حفظ منافع پولی مردم در نظر بگیرند. در شرایط کنونی، تورم به عنوان یک مالیات پنهان بر دوش مردم تحمیل می‌شود و دولت‌ها از این وضعیت بهره‌مند می‌شوند. در واقع، تورم برای دولت‌ها به نوعی سود است، زیرا به آنها اجازه می‌دهد تا به راحتی کسری بودجه خود را جبران کنند.

در این میان، مردم که هر سال ارزش پول خود را از دست می‌دهند، به سمت سرمایه‌گذاری در دارایی‌های دیگر مانند مسکن، دلار، سکه و خودرو می‌روند. این روند نه تنها به کاهش قدرت خرید مردم منجر می‌شود، بلکه به نفع دولت‌ها نیز تمام می‌شود که تورم بالا را حفظ کنند. در این شرایط، بانک مرکزی باید به عنوان نهاد مستقل و رگولاتور عمل کند. هنوز در قانون جا برای اصلاحات بیشتر وجود دارد تا استقلال بانک مرکزی تقویت شود. از سوی دیگر، حکمرانان کشور باید اراده‌ای قوی برای ایجاد یک بانک مرکزی مستقل داشته باشند که حافظ منافع مردم باشد. این اراده سیاسی می‌تواند به ایجاد ساختاری منجر شود که بانک مرکزی بتواند به درستی وظایف خود را انجام دهد و به کنترل تورم و حفظ ارزش پول ملی بپردازد.



امکان تقویت استقلال بانک مرکزی وجود دارد

هنوز در قانون جا برای اصلاحات بیشتر وجود دارد تا استقلال بانک مرکزی تقویت شود. از سوی دیگر، حکمرانان کشور باید اراده‌ای قوی برای ایجاد یک بانک مرکزی مستقل داشته باشند که حافظ منافع مردم باشد. این اراده سیاسی می‌تواند به ایجاد ساختاری منجر شود که بانک مرکزی بتواند به درستی وظایف خود را انجام دهد و به کنترل تورم و حفظ ارزش پول ملی بپردازد.



اعتبار، دارایی حیاتی بانک مرکزی

شهرت و اعتبار بانک مرکزی چه نقشی در کنترل تورم دارد؟

- اعتبار یک دارایی حیاتی برای بانک مرکزی است و بدون آن ممکن است سیاست‌های اعمالی کم‌اثرتر و اقتصاد بی‌ثبات‌تر شود
- اولین مورد که برای بانک مرکزی ایران در زمینه کسب شهرت و اعتبار می‌تواند چالش ایجاد کند، تورم بالا و پایدار است
- شفافیت پائین موجب شده تا درک سیاست‌های بانک مرکزی و ایجاد اعتماد برای فعالان و بازارهای مالی دشوار شود
- مداخله سیاسی در سیاست پولی، استقلال بانک مرکزی را تضعیف و به مرور زمان شهرت و اعتبار آن را از بین خواهد برد



اگر بانک مرکزی
برخلاف
سیاست
اعلامی
سیاست دیگری
برگزیند، در
عمل بازارهای
مالی این نهاد
رابی اعتبار
توصیف
می کنند

دی ماه سال جاری نشست با عنوان "شهرت و اعتبار بانک مرکزی و نقش آن در اثربخشی سیاست های پولی و ارزی" در محل اندیشکده پول و ارز (وابسته به موسسه مطبوعاتی بازار پول و ارز) برگزار شد. در این نشست، محمد نادعلی (مدیرکل عملیات پولی و اعتباری بانک مرکزی) به بیان اهمیت و مبانی نظری مفهوم شهرت و اعتبار بانک مرکزی پرداخته و سپس با بررسی عوامل تاثیرگذار بر شهرت و اعتبار بانک مرکزی، به تشریح نحوه اثرگذاری این دو مفهوم بر ثبات اقتصادی پرداخت. وی بیان داشت که بانک های مرکزی سه مأموریت اصلی ثبات پولی، ثبات مالی و اشتغال کامل را بر عهده دارند و باید تلاش کنند تا به این سه هدف دست یابند و دو مفهوم شهرت و اعتبار بانک مرکزی از ابزارهای رسیدن به چنین اهدافی است که باید بدان توجه وافری شود. نوشتار ذیل خلاصه ای از این نشست تخصصی است که با هم می خوانیم.

شهرت و عوامل سازنده آن

شهرت بانک مرکزی اساساً به درک و اعتمادی اطلاق می شود که عموم مردم، بازارهای مالی و سایر ذینفعان به توانایی بانک مرکزی در مدیریت موثر سیاست های پولی، حفظ ثبات قیمت ها و تضمین ثبات مالی دارند. هر چند که شهرت و اعتبار دو مفهوم بسیار نزدیک به یکدیگرند ولی تفاوت هایی با هم دارند. با این حال مفهوم شهرت بانک مرکزی، زمینه و پایه ساز مفهوم اعتبار بانک مرکزی است و به این معنی است که وقتی بانک مرکزی از شهرت خوبی در نزد عاملان اقتصادی برخوردار باشد، زمینه اعتبار و اعتماد به بانک مرکزی نیز فراهم خواهد شد و بانک مرکزی خواهد توانست علاوه بر اجرای سیاست های پولی، انتظارات را مدیریت کند و به اهداف مورد نظر خود برسد. اکنون باید بدین سوال پاسخ داده شود که چه عواملی بر شکل گیری شهرت بانک مرکزی نقش دارد؟

در پاسخ به این سوال باید در ابتدا به عملکرد گذشته بانک مرکزی در کاهش تورم، افزایش نرخ اشتغال و حفظ ثبات مالی رجوع کرد. هرچه یک بانک مرکزی در گذشته به اهدافی که اعلام عمومی کرده است، دست پیدا کرده باشد، مسلماً در آینده نیز در نزد عاملان اقتصادی از شهرت بسیار خوبی برخوردار

خواهد بود. مورد بعدی شفافیت و ارتباطات بانک مرکزی است. یک بانک مرکزی هرچه که بتواند، سیاست های خود را برای عموم افراد تشریح و به صورت شفاف بیان کند و در کل زمینه ارتباط گسترده با عاملان اقتصادی ایجاد نماید، علاوه بر اینکه توانسته است برای نهاد خود شهرت کسب کند، می تواند با هزینه های اقتصادی کمتری به اهداف و سیاست های اعلامی خود دست یابد. استقلال بانک مرکزی نیز از دیگر مواردی است که بر شهرت آن اثرگذار است و هرچه برای عاملان اقتصادی ملموس باشد که بانک مرکزی از نفوذ سیاسی خارج است، بنابراین شهرت بیشتری به بانک مرکزی خواهند داد. مورد بعدی در عوامل موثر بر شهرت بانک مرکزی به ویژگی های اخلاقی و صداقت رئیس کل بانک مرکزی بر می گردد. در این زمینه می توان به بن برنکی اشاره کرد که در هنگام تصدی پست رئیس کل فدرال رزرو به این دلیل که در بحران مالی سال ۲۰۰۸ میلادی عملکرد بسیار قابل قبولی از خود بر جای گذاشته بود، در نزد عاملان اقتصادی به نهاد فدرال رزرو، شهرت بسیاری بخشید. در انتها جایگاه بین المللی بانک مرکزی نزد مجامع بین المللی، موسسات مالی بین المللی و سایر بانک های مرکزی جهان، دیگر عاملی است که می تواند به یک بانک مرکزی، شهرت اعطا کند.

اعتبار و عوامل سازنده آن

اعتبار بانک مرکزی میزان باوری است که بازارهای عمومی و مالی به تعهد و توانایی اعلام شده بانک مرکزی برای دستیابی به اهداف سیاستی خود دارند. این شاخص بر قابلیت اعتماد به بانک مرکزی برای تحقق وعده ها متمرکز است. به بیان دیگر، اعتبار بانک مرکزی به عنوان تعهد به پیروی از قوانین و اهداف سیاستی شفاف تعریف می شود. کارل برونر (۱۹۸۳) مفهوم اعتبار را به تاریخچه سیاست گذاری و رفتار نهاد سیاست گذاری مرتبط می داند و کوکرم (۱۹۸۶) اعتبار را به عنوان معیاری می داند که عموم مردم معتقدند زمانی که تغییری در اقتصاد رخ داده است، به دلیل تغییری است که در سیاست اتفاق افتاده است. به صورت کلی، مفهوم اعتبار بانک مرکزی به باور بازارهای مالی نسبت به توانایی بانک مرکزی در دستیابی به اهداف اعلامی اشاره دارد. در این بین شاید مهم ترین عامل، نوع رژیم سیاست پولی است که بانک مرکزی در چارچوب کدام نظام پولی، وعده های





خود را اعلام می‌کند و در قالب چه نظام پولی می‌خواهد به این وعده‌ها دست پیدا کند. مشابه با شهرت بانک مرکزی، عملکرد گذشته بانک مرکزی نیز از عواملی است که موجب شکل‌گیری اعتبار بانک مرکزی خواهد شد. به عنوان مثال در تاریخ ۶ خرداد سال ۱۳۹۹، توسط بانک مرکزی نرخ تورم هدف ۲۲ درصدی اعلام شد که در دستیابی به چنین هدفی، بانک مرکزی به توفیق آنچنانی دست نیافت. وجود چنین سابقه‌ای از بانک مرکزی در ذهن عاملان اقتصادی باقی می‌ماند و در عمل هم به شهرت و هم به اعتبار بانک مرکزی لطمه وارد خواهد کرد. مورد بعدی اقدامات منسجم و سازگار است، به این معنی که بانک مرکزی باید اهداف اعلام شده خود را دنبال و در راستای آنها عمل کند. علاوه بر این، سیاست‌های بانک مرکزی باید برای بازارهای مالی قابل پیش‌بینی باشد، زیرا که بازارهای مالی برای یک بانک مرکزی

قابل پیش‌بینی، ارزش بسیاری قائل هستند و اگر بانک مرکزی بر خلاف سیاست اعلامی، سیاست دیگری برگزیند در عمل بازارهای مالی این نهاد را بی‌اعتبار توصیف می‌کنند. مورد بعدی که باید بدان اشاره کرد، ارتباطات شفاف بانک مرکزی است. بانک مرکزی باید برنامه‌ها و اهدافش را برای رسانه‌ها و بازارهای مالی به خوبی تبیین و تشریح کند تا بتواند آن اعتماد عمومی را به سمت نهاد خود جذب و جلب کند. مورد بعدی مربوط به ثبات قیمت‌هاست و این مورد در نزد عاملان اقتصادی، خود یک شاخص برای سنجش اعتبار بانک مرکزی است. عاملان اقتصادی به طور مداوم عملکرد بانک مرکزی در ثبات قیمت‌ها را رصد و پایش کرده و اگر بانک مرکزی به آن نرخ تورمی که اعلام کرده است، دست پیدا کند، طبیعتاً اعتماد بیشتری به نهاد بانک مرکزی شکل خواهد گرفت و در انتها شواهدی از شایستگی بانک مرکزی مورد بعدی

بانک مرکزی
طبق رفتار و
عملکردی که
در گذشته از
خود بر جای
گذاشته، در
طی زمان
شهرتی را کسب
خواهد کرد
ولی اعتبارش
را باید از طریق
اقدامات و
سیاست‌هایی
که به‌اجرا در
می‌آورد، حفظ
کند

است که بر شکل‌گیری اعتبار این نهاد اثرگذار است.
در تبیین مفهوم اعتبار بانک مرکزی باید به سه مورد نیز اشاره کرد. مورد اول این است که امروزه اعتبار بانک مرکزی بر حسب عملکرد تورمی تفسیر می‌شود. هرچه عملکرد بانک مرکزی در ماندگاری تورم در سطوح پائین موفق‌تر باشد به این دلیل که توانسته است، انتظارات عاملان اقتصادی را کنترل نماید، اعتبار بیشتری داشته است. مورد بعدی به این جمله اشاره دارد که اعتبار یک دارایی حیاتی برای بانک مرکزی است و بدون آن، سیاست‌های اعمالی ممکن است کمتر موثر باشند و اقتصاد بی‌ثبات‌تر شود و در انتها اینکه اعتبار بانک مرکزی پایه‌ای برای انتظارات است و به بیان دیگر اعتبار بانک مرکزی، انتظارات در جامعه را شکل خواهد داد. زمانی که بانک مرکزی معتبر باشد، بازارهای عمومی و مالی از بانک انتظار دارند که مسئولانه عمل کند و به تعهدات خود جامه عمل بپوشاند.

تفاوت‌های شهرت و اعتبار بانک مرکزی

همانطور که پیش‌تر نیز ذکر شد، شهرت و اعتبار دو مفهوم بسیار نزدیک به هم هستند و ارتباط مستقیمی بین آنان برقرار است. هرچه شهرت یک بانک مرکزی افزایش پیدا کند، اعتبار آن نیز با افزایش همراه خواهد بود. نکته‌ای که باید بدان اشاره کرد این است که شهرت را باید به دست آورد و اعتبار را باید حفظ کرد. به عبارت صحیح‌تر، بانک مرکزی بر اساس رفتار و عملکردی که در گذشته از خود بر جای گذاشته است در طی زمان، شهرتی را کسب خواهد کرد، ولی اعتبارش را باید از طریق اقدامات و سیاست‌هایی که به اجرا درمی‌آورد، حفظ کند. علاوه بر این، شهرت یک درک عمومی و کلی از توانایی‌های بانک مرکزی است. در حالی که اعتبار به معنی باور عاملان اقتصادی نسبت به توانایی‌های بانک مرکزی در دستیابی به

اهداف است. در انتها باید اشاره کرد که شهرت یک مفهوم ذهنی و کیفی است در حالی که اعتبار یک مفهوم عینی و قابل اندازه‌گیری است که در بیشتر متون اقتصادی به تفاوت میان نرخ تورم هدف و نرخ تورم واقعی اطلاق می‌شود.

چالش‌های کسب شهرت و اعتبار برای بانک مرکزی ایران

اولین مورد که برای بانک مرکزی ایران در زمینه کسب شهرت و اعتبار می‌تواند چالش ایجاد کند، مربوط به تورم بالا و پایدار است. کشور ایران چندین دهه است که با تورم بالا دست و پنجه نرم می‌کند و اغلب نرخ‌های دو رقمی را تجربه کرده است. این امر به شدت به اعتبار بانک مرکزی برای ثبات قیمت‌ها (ماموریت اصلی هر بانک مرکزی) آسیب رسانده است. مورد بعدی به کاهش ارزش پول ملی اشاره دارد. ریال طی چندین دهه، به ویژه در واکنش به تحریم‌های بین‌المللی و سوءمدیریت اقتصادی، کاهش قابل توجهی را تجربه کرده و این بی‌ثباتی، اعتماد عمومی به توانایی بانک مرکزی برای مدیریت ارز را خدشه دار کرده است. شفافیت پائین نیز از دیگر چالش‌هایی است که در این زمینه وجود دارد و موجب شده است که درک سیاست‌های بانک مرکزی و ایجاد اعتماد برای فعالان و بازارهای مالی دشوار شود. چالش بعدی، مداخلات سیاسی است و موجب شده که طی چندین دهه، تصمیمات بانک مرکزی تحت تأثیر ملاحظات سیاسی قرار گیرد. فقدان استقلال بانک مرکزی در نهایت منجر به تضعیف اعتبار این نهاد شده و نگرانی‌هایی را در مورد توانایی بانک مرکزی در دنبال کردن سیاست‌های اقتصادی صحیح ایجاد کرده است. در نهایت تحریم‌های بین‌المللی دسترسی کشور ایران به سیستم



تورم چالش اصلی شهرت و اعتبار بانک مرکزی

اولین مورد که برای بانک مرکزی ایران در زمینه کسب شهرت و اعتبار می‌تواند چالش ایجاد کند، مربوط به تورم بالا و پایدار است. ایران چندین دهه است که با تورم بالا دست و پنجه نرم کرده و اغلب نرخ‌های دو رقمی را تجربه کرده است. این امر به شدت به اعتبار بانک مرکزی برای ثبات قیمت‌ها (آسیب رسانده است).

ویژگی	ایران	تجارب موفق جهانی
استقلال سیاسی	به شدت تحت تأثیر سیاسی	به طور کلی مستقل از مداخله سیاسی
تحریم‌ها	به شدت تحت تأثیر تحریم‌های بین‌المللی قرار گرفته و دسترسی به سیستم مالی جهانی را محدود می‌کند	تحت تأثیر تحریم‌ها قرار ندارند
شفافیت	شفافیت محدود در عملیات و تصمیم‌گیری	دارای داده و منطق سیاست شفاف
ساختار اقتصادی	وابستگی شدید به صادرات نفت و مستعد شوک و تورم ساختاری	اقتصادهای متنوع‌تر، مقاوم در برابر شوک‌ها
تاریخچه تورم	سابقه طولانی تورم بالا و بی‌ثباتی ارز، وجود انتظارات پائین برای ثبات قیمت‌ها	به طور کلی تورم پائین و باثبات‌تر، تعهد معتبر به ثبات قیمت
اعتماد عمومی	اعتماد پایین مردم به سیاست‌ها و توانایی بانک مرکزی	اعتماد عمومی بیشتر به مدیریت بانک مرکزی
وضعیت بین‌المللی	محدودیت همکاری بین‌المللی به دلیل تحریم‌ها و موقعیت منزوی در نظام مالی	مشارکت فعال در همکاری‌های بین‌المللی، جایگاه جهانی موفق‌تر

جدول ۱
مقایسه شهرت و اعتبار بانک مرکزی ایران و تجارب موفق جهانی

• ثبات قیمت‌ها به عنوان یک هدف کلیدی:

تمرکز مداوم بر ثبات قیمت برای ایجاد اعتماد و اعتبار حیاتی است. بانک‌های مرکزی که وظایف مشخصی دارند و به طور فعال ثبات قیمت‌ها را دنبال می‌کنند در حفظ اعتبار خود موفق‌تر هستند.

• **اهمیت استقلال:** بانک‌های مرکزی که مستقل از نفوذ سیاسی تلقی می‌شوند، شهرت و اعتبار بیشتری دارند. وجود چنین استقلالی به بانک‌های مرکزی این اجازه را خواهد داد که به جای دستاوردهای سیاسی کوتاه‌مدت، بر ثبات اقتصادی بلندمدت تمرکز کنند.

بر اساس نتایجی که پیش‌تر ذکر شد می‌توان توصیه‌های سیاستی زیر را ابراز کرد:

• **ساختن شهرت و اعتبار سخت است، ولی آسان از دست خواهد رفت:** ایجاد شهرت و اعتبار بانک مرکزی، مستلزم تلاش مستمر و تعهد به سیاست‌های صحیح است، در حالی که می‌تواند به راحتی با گام‌های اشتباه در سیاست یا اقدامات ناسازگار از بین برود.

• **مداخلات سیاسی مضر است:** مداخله سیاسی در سیاست پولی، استقلال بانک مرکزی را تضعیف و به مرور زمان شهرت و اعتبار آن را از بین خواهد برد.

• **ارتباطات یک ابزار است:** ارتباطات شفاف و منسجم با عاملان اقتصادی می‌تواند ابزار قدرتمندی برای مدیریت انتظارات و کسب شهرت و اعتبار برای بانک مرکزی باشد.

• **تعهد بلندمدت به سیاست صحیح:** تعهد بلندمدت به سیاست‌های اقتصادی صحیح برای ایجاد و حفظ شهرت و اعتبار بانک مرکزی ضروری است.

مالی جهانی را به شدت محدود کرده است و توانایی بانک مرکزی برای انجام معاملات بین‌المللی و مدیریت موثر ذخایر ارزی را محدود کرده است.

در جدول (۱) نیز به صورت خلاصه مقایسه شهرت و اعتبار بانک مرکزی ایران و تجارب موفق جهانی به نمایش درآمده است. (جدول ۱)

نتیجه‌گیری و توصیه سیاستی

در این بخش ابتدا به صورت اجمالی از مباحث مطرح شده، نتیجه‌گیری بیان و سپس براساس نتایج گفته شده، توصیه‌های سیاستی بیان خواهد شد.

در مورد نتیجه‌گیری می‌توان بیان داشت که:

• **مدیریت بحران:** مدیریت بحران موثر می‌تواند، شهرت و اعتبار بانک مرکزی را تقویت کند، در حالی که سوءمدیریت می‌تواند پیامدهای منفی شدید و طولانی مدت داشته باشد.

• **سابقه:** گذشته عملکرد بانک مرکزی تأثیر بسزایی بر شهرت و اعتبار آن دارد. دستیابی مداوم به اهداف سیاستی، کلید ایجاد و حفظ اعتماد است.

• **اهمیت ثبات:** تصمیمات سیاستی متناقض و تغییر در استراتژی‌های ارتباطی می‌تواند به اعتبار بانک مرکزی آسیب برساند. یک رویکرد ثابت برای ایجاد اعتماد و اطمینان ضروری است.

• **شفافیت و ارتباطات:** شیوه‌های ارتباطی شفاف به عاملان اقتصادی کمک می‌کند تا اهداف، اقدامات و منطق بانک مرکزی را درک کنند.



اثر افزایش قیمت حامل های انرژی بر انتظارات تورمی در ایران

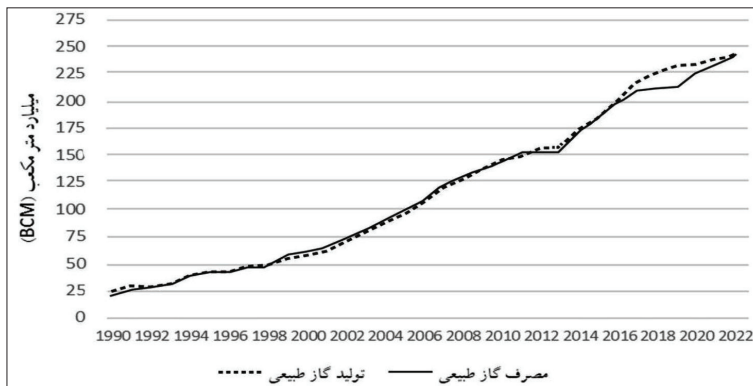
- شاخص ریسک امنیت انرژی از سال ۲۰۱۱ به بعد شروع به افزایش کرده و به عبارتی بعد از اعمال تحریم ها، امنیت انرژی ما به مخاطره افتاده است
- در بین متغیرهای کلان اقتصادی، نرخ تورم هسته اصلی تأثیرپذیری از افزایش قیمت حامل های انرژی است و سایر متغیرها به تبع نرخ تورم، متأثر می شوند
- تمهیدات مورد نیاز سیاست اصلاح یک باره، بیش از سیاست تدریجی اصلاح قیمت تمام حامل های انرژی خواهد بود
- هرگونه افزایش در قیمت حامل های انرژی باید با برنامه ریزی جامع و به صورت تدریجی و همراه با سیاست های حمایتی دولت صورت پذیرد
- نوع حامل انرژی از یک طرف و اثرهای مستقیم و غیرمستقیم آن بر سطح عمومی قیمت ها از طرف دیگر، موضوعی است که باید به آن توجه شود

محمد صیادی

عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی



نمودار ۱
روند تولید و مصرف گاز
طبیعی در ایران



انرژی و تغییر قیمت حامل‌های انرژی ارائه شود. این بررسی به تحلیل این موضوع می‌پردازد که انتظارات چگونه می‌توانند شاخص‌ها و روندهای مختلف انرژی را تحت تأثیر قرار دهند. در نهایت، در بخش پایانی، به جمع‌بندی و ارائه پیشنهادات سیاستی پرداخته خواهد شد.

انرژی (به ویژه در گاز، بنزین و برق)

روند تولید و مصرف گاز طبیعی در نمودار (۱) نشان داده شده است. بعد از گازی‌سازی صنایع، مصرف گاز در کشور بسیار بالاتر رفت و این باعث شد روند تولید و مصرف گاز در کشور بسیار به همدیگر نزدیک شود. از یک طرف توان صادراتی گاز به شدت کاهش پیدا کرده است و از طرفی این ناترازی در فصول سرد و پُر تقاضا برای گاز طبیعی خودش را نشان می‌دهد.

نمودار (۲) مصرف سرانه گاز در ایران است که نشان می‌دهد بعد از روسیه و کانادا بزرگ‌ترین مصرف‌کننده گاز سرانه در دنیا هستیم. بیشترین رشد مصرف گاز در دنیا متعلق به ایران است.

نزدیک به ۳۰ درصد گاز در بخش تجاری و خانگی، ۲۷ درصد در بخش نیروگاه‌ها، ۱۵ درصد در صنعت، حدود ۶ درصد هم در پتروشیمی‌ها و مابقی در بخش‌های مختلف دیگر مصرف می‌شود. در سند ترازنامه گاز کشور پیش‌بینی شده که با ادامه روند موجود در سال ۱۴۲۰ به میزان ۵۱۲ میلیون مترمکعب کسری گاز خواهیم داشت.

بخش انرژی کشورمان، شامل حوزه‌های نفت، گاز، پالایش، پتروشیمی و برق، با فراز و نشیب‌های متعددی همراه بوده است که آثار و پیامدهای برخی از آنها در سال‌های آینده نیز تداوم خواهد یافت. همچنین، پدیده‌های نوظهور در محیط داخلی و خارجی در حال شکل‌گیری هستند که بر آینده انرژی کشور تأثیرگذار خواهند بود. یکی از بازارهای مهم انرژی، بازار نفت است که در سال‌های اخیر تحت تأثیر تحولات عمده‌ای قرار گرفته است، از جمله حمله روسیه به اوکراین و تحریم‌های نفتی اتحادیه اروپا در واکنش به آن.

در بررسی محرک‌های بازار جهانی نفت می‌توان به موارد مهمی اشاره کرد که عبارتند از: (۱) ممنوعیت اتحادیه اروپا برای واردات نفت خام روسیه و اجرای سیاست سقف قیمتی (۲) ورود اقتصاد جهانی به دوران افزایش نااطمینانی و چالش‌های فزاینده، از جمله سطوح بالای تورم، بحران بدهی و سیاست‌های پولی انقباضی (۳) طرح اصلاح سیاست‌های مالی اتحادیه اروپا برای سال ۲۰۲۴ که تأثیر کاهشی بر تقاضای انرژی خواهد داشت (۴) بازگشت شرکت نفتی "شورون" به ونزوئلا در پی لغو تحریم‌های این کشور و (۵) افزایش تولید نفت شیل در ایالات متحده. در این نوشتار، تلاش شده تا چارچوبی مفهومی برای بررسی انتظارات تورمی در ارتباط با بخش

نزدیک به ۳۰ درصد گاز در بخش تجاری و خانگی، ۲۷ درصد در بخش نیروگاه‌ها ۱۵ درصد در صنعت، حدود ۶ درصد هم در پتروشیمی‌ها و مابقی در بخش‌های مختلف دیگر مصرف می‌شود

در نمودار (۳) نیز روند تولید و مصرف بنزین در ایران نشان داده شده است. در سال ۱۴۰۲ آمار مصرف بنزین و تولید بنزین تقریباً با هم برابر است. در دو ماهه اول سال ۱۴۰۲ ناترازی بنزین خودش را نشان داده و چیزی حدود ۱۰ میلیون لیتر در روز کسری بنزین داشتیم و این میزان را از کشورهایی مثل روسیه و برداشت از ذخایر تأمین کردیم. همانگونه که در نمودار (۳) ملاحظه می‌شود از سال ۱۴۰۲ به بعد پیش‌بینی شده که براساس متوسط ۵ سال اخیر این کار صورت گرفته است. به عنوان جمع‌بندی این بخش و ارتباط ناترازی‌های فوق با بانک مرکزی باید عنوان کرد اگر شما نتوانید مثلاً برقی را که به عراق صادر می‌کنید، پولش را دریافت کنید، قاعدتاً به بانک مرکزی فشار می‌آید که بتواند کسری را جبران کند. اگر بخواهیم بنزین وارد کنیم و کسری و ناترازی بین مصرف و تولید را پوشش دهیم، با واردات بنزین قاعدتاً نقش بانک مرکزی و دولت پُررنگ می‌شود. یعنی در واقع این بحران‌هایی که در بخش‌های مختلف اقتصادی رخ می‌دهد صرفاً همان حوزه را درگیر نمی‌کند، بلکه در واقع سایر حوزه‌ها به خصوص بانک مرکزی به عنوان یک نهاد پولی و سیاست‌گذار و تصمیم‌گیر در حوزه‌های پولی و مالی قاعدتاً می‌تواند نقش مهمی داشته باشد.

ریسک امنیت انرژی

در نهایت همه مسائلی که در حوزه انرژی مطرح شد خودش را در شاخصی به اسم شاخص ریسک امنیت انرژی نشان می‌دهد. ریسک امنیت انرژی با معیارهای مختلفی از قبیل ذخیره انرژی، تولید انرژی، مصرف و تجارت انرژی، معیارهای محیط زیستی، معیارهای بخش برق، معیارهای هزینه‌ها و مخارج انرژی و معیارهای نوساناتی که در بازارها است، ساخته می‌شود. شاخص فوق براساس شاخصی که آژانس بین‌المللی انرژی طراحی کرده و برای ایران بومی شده، ساخته شده است. شاخص با عدد ۱۰۰ مقایسه می‌شود و وقتی یک معیاری بالای خط ۱۰۰ قرار می‌گیرد، یعنی ریسک امنیت انرژی در کشور از آن معیار بیشتر می‌شود وقتی که پایین می‌آید، یعنی ریسک در حال کاهش است. این شاخص براساس حدود ۴۰ نماگر تولید

می‌شود و این یعنی اینکه شاخص جامع‌نگر است. این شاخص با روش‌های مختلف وزن دهی می‌شود. همانگونه که در نمودار (۴) ملاحظه می‌شود، شاخص ریسک امنیت انرژی از سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ به بعد شروع به افزایش کرده است (یعنی در واقع بالای ۱۰۰ درصد قرار گرفته است) و به عبارتی از سال ۲۰۱۱ به بعد که تحریم‌های آمریکا علیه ایران اعمال شده است، امنیت انرژی ما به مخاطره افتاده است. از این سال به بعد، واردات بنزین به یکباره قطع شد و ما در مسئله بنزین به مشکل برخوردیم. همچنین در خصوص درآمدهای ارزی به مشکل برخورد کردیم. معیار ریسک ژئوپلیتیکی از سال ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ به بعد رشد شاخص بالای ۱۰۰ قرار گرفته است. در ریسک قابل اطمینان تقریباً ریسکی نداریم، یعنی انرژی تقریباً همیشه در دسترس بوده باشد.

در یکی دو سال اخیر بحث ناترازی‌ها باعث شده که معیار قابلیت اطمینان که کم‌ریسک‌ترین معیار انرژی است کم‌کم خودش را نشان دهد. تحریم‌ها تأثیر زیادی در بحث انرژی داشته است و دلیلش باز می‌گردد به اینکه انرژی یکی از منابع اصلی تأمین ارز کشور است و طبیعتاً وقتی که ارز به مخاطره می‌افتد این ریسک اقتصادی بیشتر می‌شود. یعنی ورود و خروج ارز مشکل می‌شود و بنابراین امنیت انرژی به مخاطره می‌افتد. معیار محیط زیست هم به دلیل شدت فزاینده انتشار روندی صعودی دارد و بالای ۱۰۰ قرار دارد. افزایش معیار ریسک اقتصادی خیلی زیاد بوده است و دلیل اصلی آن هم دو تحریمی است که اتفاق افتاده است.

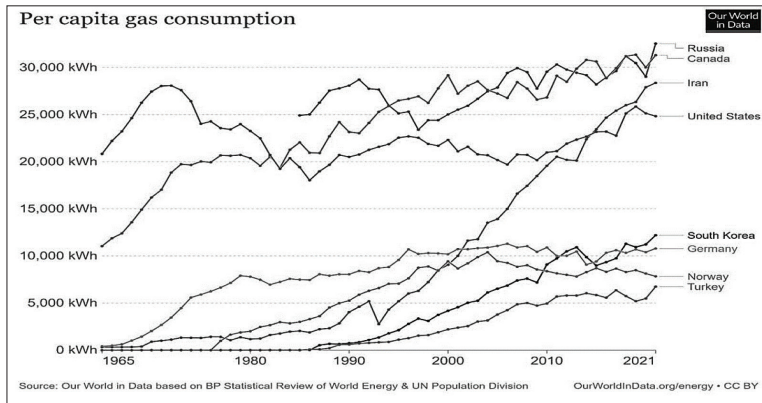
کانال اثرگذاری تغییر قیمت حامل‌های انرژی بر شکل‌گیری انتظارات تورمی

شاید مهم‌ترین تفاوت بین علم اقتصاد و علوم طبیعی در تصمیم‌گیری آینده‌نگر کارگزاران اقتصادی باشد. به هر قسمت از علم اقتصاد که نگاه کنیم، انتظارات نقش غیرقابل انکاری در آن دارند. سال‌هاست که اقتصاددانان به مفهوم درآمد دوره زندگی و درآمد دائمی برای مصرف‌کنندگان پی برده‌اند و می‌دانند انتظار مصرف‌کنندگان در مورد درآمدهای آتی چه نقشی در تعیین رفتار مصرفی آنها، در حال حاضر



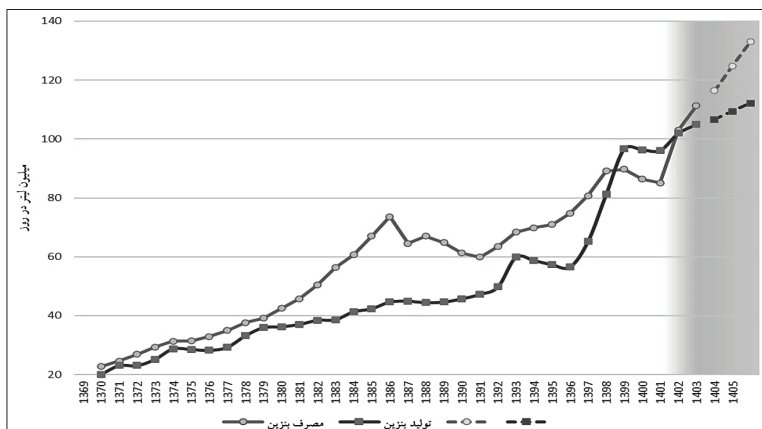
نمودار ۲

روند فزاینده مصرف سرانه
گاز ایران در مقایسه با سایر
کشورهای جهان



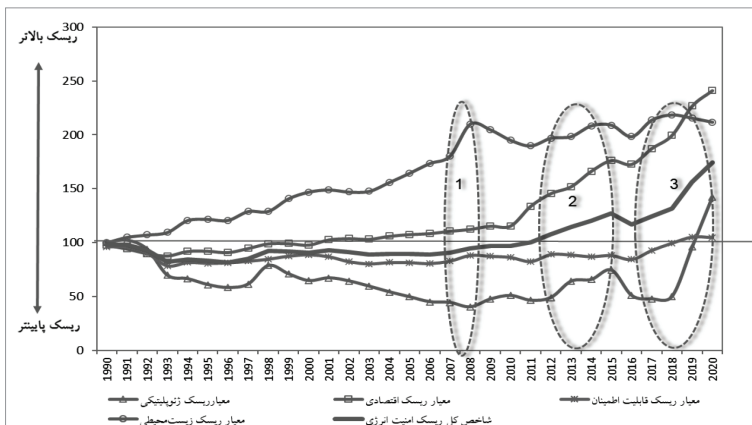
نمودار ۳

روند تولید و مصرف بنزین
در ایران



توصیه می‌شود مقامات پولی در اعمال سیاست‌های خود به انتظارات مردم توجه کافی داشته باشند. در همین چارچوب، دولت و مقامات مالی نیز، به‌عنوان بخشی از سیاست‌گذاران اقتصاد، باید در اعمال سیاست‌های خود نسبت به انتظارات کارگزاران اقتصادی حساس باشند، زیرا چگونگی شکل‌گیری انتظارات در خصوص یک سیاست خاص اقتصادی می‌تواند بر میزان موفقیت آن اثر بگذارد. یکی از سیاست‌های تأثیرگذار در این زمینه تغییر قیمت حامل‌های انرژی است که بدون شک بر انتظارات تورمی تأثیرگذار خواهد بود. در نتیجه تغییر قیمت حامل‌های انرژی بدون شک انتظارات سه دسته از کارگزاران اقتصادی دخیل خواهد بود: دولت، مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، که هر کدام دارای انتظاراتی نسبت به متغیرهای

ایفا می‌کند. سرمایه‌گذاران و بنگاه‌ها نیز در اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری و تولید خود، به‌وضوح به فروش انتظاری و قیمت‌های انتظاری توجه دارند. همچنین قیمت دارایی‌ها (از جمله قیمت سهام، طلا، ارز و مسکن) تحت تأثیر انتظارات کارگزاران اقتصادی در مورد قیمت‌های آتی آنها قرار می‌گیرد. به این ترتیب هر کارگزار فعال در اقتصاد، نه تنها جزئی از سازوکار شکل‌گیری انتظارات در اقتصاد است، بلکه مجبور است در تصمیم‌گیری‌های خود به انتظارات سایر کارگزاران اقتصادی در مورد اعمال خود توجه نماید. به عنوان مثال بخش مهمی از نظریه‌های اقتصادی در سال‌های اخیر به نقش انتظارات تورمی کارگزاران اقتصادی در میزان موفقیت سیاست‌های پولی اعمال‌شده از سوی مقامات پولی پرداخته است و



نمودار ۴

روند شاخص ریسک امنیت انرژی ایران به تفکیک معیارهای مختلف ریسک

کشور، ضروری است تحلیلی منطقی از بعد کمی و کیفی صورت گیرد که در ادامه به تحلیل‌های کیفی و روابط علت و معلولی افزایش قیمت حامل‌های انرژی با متغیر تورم و انتظارات تورمی پرداخته می‌شود. وجود تورم به این معنا است که قیمت بیشتر کالاها و خدمات مصرفی در اقتصاد، کم و بیش به طور مداوم افزایش یابند. تمام بررسی‌ها نشان می‌دهد که افزایش قیمت حامل‌های انرژی بر سطح عمومی قیمت‌ها تأثیر مثبت دارد. این تأثیر به صورت مستقیم و غیرمستقیم قابل بررسی است، ضمن آنکه باید یادآور شد، تأثیر افزایش قیمت حامل‌های انرژی بر سطح عمومی قیمت‌ها به دامنه تغییر یا اصلاح قیمت این حامل‌ها بستگی دارد. در عین حال، در بین متغیرهای کلیدی کلان اقتصادی، افزایش قیمت حامل‌های انرژی نشان می‌دهد که نرخ تورم به عنوان هسته اصلی تأثیرپذیری اجرای این سیاست است و سایر متغیرها به تبع نرخ تورم، متأثر می‌شوند. افزایش قیمت حامل‌ها، با توجه به نوع حامل‌ها در مصرف نهایی یا واسطه‌ای می‌تواند در تغییر سطح عمومی قیمت‌ها نقش داشته باشد. به عبارت دیگر، اصلاح قیمت برخی حامل‌های انرژی که در سبد مصرف نهایی خانوارها قرار دارند، به طور مستقیم شاخص قیمت مصرف‌کننده (CPI) را تغییر می‌دهد، در حالی که برخی دیگر از این حامل‌ها به عنوان کالای واسطه‌ای برای بنگاه‌های اقتصادی مورد استفاده قرار

کلان اقتصادی بوده و در شکل‌گیری این انتظارات اطلاعاتی در اختیار دارند. در برخی از دیدگاه‌ها مانند روگر (۲۰۰۵) و کیلیان (۲۰۰۹) نوسانات نفت عامل بروز انتظارات تورمی معرفی شده است. زیرا این نوسانات باعث می‌شود مقام پولی مجبور به اعمال سیاست‌های مصلحت‌گرایانه برای جلوگیری از بروز کسری و یا مازاد بودجه از قبل تعیین نشده دولت شود. در اقتصاد ایران، به دلیل وجود منابع عظیم نفت و گاز و قابلیت دسترسی به نسبت آسان به این منابع، هزینه انرژی در مقایسه با سایر هزینه‌ها، ناچیز بوده و از این منظر حساسیت و انگیزه زیادی برای صرفه‌جویی و استفاده معقول از این موهبت وجود ندارد. این در حالی است که همواره قیمت حامل‌های انرژی نسبت به سایر کالاها پایین بوده و قیمت حامل‌های انرژی به عنوان علامت‌دهنده فعالیت‌های اقتصادی عمل نکرده است. ضمن اینکه سالانه بخش عظیمی از منابع کشور برای اعطای بارانه مستقیم و غیرمستقیم برای حامل‌های انرژی اختصاص یافته و باعث شده که ساختار مصرف و به کارگیری این عامل تولیدی به نحوی شکل گیرد که جدا شدن از این فضا برای دولت هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی و مالی زیادی را به همراه داشته باشد. برای شناخت و آگاهی از اثر افزایش قیمت حامل‌های انرژی بر متغیرهای کلان اقتصادی در فضای سیاست‌گذاری

۴۴



انرژی

شماره ۷۶ - بهمن ۱۴۰۳

عنصر کلیدی
در شناخت
افزایش
قیمت‌ها به
عنوان تورم
تداوم رشد
شاخص قیمت
کالاها و خدمات
است

مصرف‌کننده و شاخص قیمت تولیدکننده را به دنبال خواهد داشت، اما با توجه به شکل‌گیری انتظارات تورمی، اثر آن می‌تواند بر نرخ تورم تشدید شود. با توجه به اینکه با افزایش قیمت حامل‌های انرژی، مردم و فعالان اقتصادی انتظار افزایش قیمت‌ها را همانند سال اجرا در سال‌های بعدی نخواهند داشت، بنابراین افزایش قیمت‌ها ناشی از افزایش انتظارات تورمی در سال‌های آتی اتفاق نخواهد افتاد. نکته حائز اهمیت این است که تمهیدات مورد نیاز سیاست اصلاح یک‌باره بیش از سیاست تدریجی اصلاح قیمت تمام حامل‌های انرژی بوده، زیرا برای اجرای این سیاست، ابزارها، امکانات، نهادها و قوانین و مقررات و جلب اعتماد عمومی به عنوان پیش‌زمینه‌های فراهم بودن بستر اجرای طرح ضروری است، اما با اعمال سیاست تدریجی به دلیل آنکه هر سال انتظار بر آن است تا قیمت حامل‌های انرژی افزایش یابد، انتظارات تورمی ایجاد شده طولانی‌تر خواهد بود، اما دولت به تدریج می‌تواند سیاست‌ها را اصلاح یا بازنگری کند تا کمترین ضرر به مردم و فعالان اقتصادی وارد شود. بنابراین طبیعی است که به‌کارگیری سیاست تدریجی یا سیاست یک‌باره اصلاح قیمت حامل‌های انرژی با توجه به شکل‌گیری انتظارات تورمی، اثرهای متفاوتی دارند. همچنین افزایش قیمت حامل‌های انرژی و به تبع آن افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، باعث می‌شود که قدرت خرید نیروی کار کاهش یابد و نیروی کار برای جبران این کاهش مجبور خواهد بود متقاضی فرصت‌های جدید شغلی باشد که در سطح کلان این تغییرات باعث افزایش نرخ مشارکت نیروی کار خواهد

می‌گیرند که اصلاح قیمت آنها بر شاخص قیمت تولیدکنندگان (PPI) اثر می‌گذارد و در نهایت تغییر در شاخص PPI می‌تواند در افزایش قیمت کالاها و تولیدی بنگاه‌ها مؤثر باشد.

بدین ترتیب نوع حامل انرژی از یک طرف و اثرهای مستقیم و غیرمستقیم آن بر سطح عمومی قیمت‌ها از طرف دیگر، موضوعی است که بایستی به آن توجه شود. به علاوه تغییر قیمت حامل‌های انرژی و به دنبال آن افزایش قیمت کالاها و مصرفی واسطه‌ای و در نهایت سطح عمومی قیمت‌ها (نرخ تورم)، به نوبه خود موجب شکل‌گیری انتظارات تورمی می‌شود و به تشدید تورم دامن می‌زند. البته انتظارات تورمی افراد جامعه در طول زمان به نسبت طولانی شکل می‌گیرد. این نکته حائز اهمیت است که تجربه برخی کشورها نشان داده تورم ناشی از انتظارات، قابل ملاحظه بوده و در مواردی بخش عمده افزایش قیمت‌های ناشی از اجرای سیاست یادشده را تشکیل می‌دهد (زیرا انتظارات، قسمتی از اثرهای غیرمستقیم به شمار می‌آید). عمده این تجربه در کشورهای در حال توسعه یا در حال گذار مشاهده شده که به دنبال آزادسازی اقتصادی به‌ویژه آزادسازی قیمت‌ها اتفاق افتاده است، زیرا عنصر کلیدی در شناخت افزایش قیمت‌ها به عنوان تورم، تداوم رشد شاخص قیمت کالاها و خدمات است، اما افزایش ناگهانی قیمت‌های انرژی تنها یک شوک در اقتصاد بوده که اثر آن ممکن است در زمان کوتاه خنثی شود، اما تأثیر روانی افزایش قیمت‌ها مانع از اتمام خنثی بودن این شوک خواهد شد.

همانطور که اشاره شد، افزایش قیمت حامل‌های انرژی، افزایش شاخص قیمت



اثرات روانی افزایش ناگهانی قیمت‌های انرژی

عنصر کلیدی در شناخت افزایش قیمت‌ها به عنوان تورم، تداوم رشد شاخص قیمت کالاها و خدمات است، اما افزایش ناگهانی قیمت‌های انرژی تنها یک شوک در اقتصاد بوده که اثر آن ممکن است در زمان کوتاه خنثی شود، اما تأثیر روانی افزایش قیمت‌ها مانع از اتمام خنثی بودن این شوک خواهد شد.

حاصل از صادرات نفت می‌تواند موجب تعمیق کسری بودجه دولت و شکل‌گیری انتظارات تورمی در اقتصاد شود. پیش‌بینی صحیح از درآمدهای نفتی در بودجه سالیانه، از بروز کسری بودجه و یا تعمیق آن، جلوگیری کرده و از این منظر، تورم و انتظارات تورمی را کاهش می‌دهد. ضمن اینکه فراهم‌سازی امکان فروش بیشتر نفت، با افزایش توان ایجاد درآمدهای ارزی برای کشور، می‌تواند انتظارات تورمی را کاهش دهد.

جمع‌بندی و پیشنهادات

بخش نفت و گاز به دلیل اهمیت فراوانی که در تأمین درآمدهای ارزی کشورمان دارند، همواره مورد توجه کارشناسان و تحلیل‌گران به شمار می‌رود. حامل‌های انرژی جزو گروه محصولات کامودیتی یا همان کالای اولیه هستند و نقش تعیین‌کننده‌ای در اقتصاد ایران و حتی بورس برعهده دارند. نوسانات و تحولات عمده این گروه از محصولات به عنوان محصولات پیشرو در شکل‌گیری انتظارات تورمی و حتی تعیین رنگ بورس نقش کلیدی ایفا می‌کند. نگاهی اجمالی به تأثیر افزایش قیمت هریک از آنها به تنهایی، مؤید آثار شدیداً تورمی و ایجاد انتظارات تورمی در اقتصاد ایران است. بنابراین هرگونه افزایشی در قیمت حامل‌های انرژی باید با برنامه‌ریزی اولیه و جامع، حساب‌شده و سنجیده به صورت تدریجی و مرحله به مرحله و همراه با نقش مکملی سیاست‌های حمایتی و نظارتی دولت صورت پذیرد و هیچگونه حرکت شتاب‌زده و بی‌برنامه‌ای توصیه نمی‌شود. از طرفی تغییرات گاهشی در قیمت نفت، نیازمند سیاست‌های انبساطی است که در صورت نداشتن دیپلماسی قوی، راهبرد مذاکره و تعاملات در سیاست خارجی به احتمال زیاد اثر اینگونه سیاست‌ها بر انتظارات تورمی خنثی می‌شود. بنابراین پیشنهاد می‌شود در راهبرد مذاکره مبتنی بر نظریه ناسازگاری زمانی، از عوامل تأثیرگذار بر انتظارات تورمی شامل اقدامات عجولانه و شتاب‌زده سیاسی، راهبردهای اقتصادی آینده‌نگر، اعمال سیاست‌های پولی مصلحت‌گرایانه و هرگونه تعدیل سیاست پولی که باعث تغییر در انتظارات تورمی می‌شود، پرهیز شود.

شد. طبیعی است، در این شرایط ساعات کار یا چندپیشگی گسترش خواهد یافت. ضمن اینکه در شرایط معمولی نیز با توجه به اینکه قیمت حامل‌های انرژی در داخل به سمت قیمت‌های جهانی یا منطقه‌ای در حال حرکت است، تغییر در سطح عمومی قیمت‌ها را باعث خواهد شد. در فرآیند تعیین دستمزدها (حتی با وقفه چندماهه)، دستمزدها توسط کارگران با اتحادیه کارگری افزایش می‌یابد. هرچند این افزایش در دستمزدها به علت عدم شکل‌گیری کامل انتظارات (احتمالاً) از افزایش قیمت‌ها کمتر خواهد بود و به دلیل آنکه میزان عرضه نیروی کار به دستمزد اسمی حساس است، کارگران به سبب وجود توهم پولی، با آنکه (به احتمال) دستمزد واقعی آنها کاهش یافته، بر مبنای افزایش دستمزد اسمی، عرضه نیروی کار خود را افزایش خواهند داد. بنابراین در مجموع ممکن است، برخی افراد غیرفعال به گروه جمعیت فعال بپیوندند و عرضه نیروی کار افزایش یابد. همچنین امکان دارد، عرضه نیروی کار سالمندان و بازنشستگان به دلیل کاهش قدرت خرید و درآمدها، افزایش یابد. بنابراین نوع و چگونگی بازتوزیع منابع آزاد شده در مدیریت بازار کار به‌ویژه از بعد عرضه نیروی کار مؤثر خواهد بود.

کانال اثرگذاری انرژی (نفت) بر انتظارات تورمی

یکی از اصلی‌ترین کانال‌های اثرگذاری تحولات بازار انرژی (نفت) بر انتظارات تورمی، درآمدهای نفتی پیش‌بینی شده در بودجه سالیانه است. اهمیت این بحث بیشتر از آن جهت است که صادرات نفت، کماکان مهم‌ترین منبع تأمین ارز کشور طی سنوات مختلف بوده است. در واقع، نحوه ورود منابع حاصل از نفت در چهار دهه اخیر در کشور به گونه‌ای است که قیمت نفت، قیمت ارز و حتی مقدار صادرات نفت را به متغیرهای سیاست مالی تبدیل کرده است. این در حالی است که قیمت نفت، یک متغیر برون‌زا بوده و خارج از اراده کشور تعیین می‌شود و توان صادرات نفت با توجه به محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها و سایر مسائل مهم دیگر از درجه اهمیت بالایی در تحلیل درآمدهای انتظاری نفتی برخوردار است. هرگونه بیش‌برآورد درآمدهای





حمایت بانک مرکزی از پروژه‌های صنعتی

بانک مرکزی ساختار نظام تأمین مالی ارزی کشور را متحول کرد

- بانک مرکزی با طراحی ابزار اوراق مرابحه ارزی، تأمین مالی پروژه‌های صنعتی را تسهیل می‌کند
- بانک مرکزی با راه‌اندازی مرکز مبادله ارز و طلای ایران، نقش مهمی در اجرای سیاست‌های مرتبط با انتشار اوراق مرابحه ارزی ایفا کرد
- توسعه اوراق مرابحه ارزی، یک تحول ساختاری در نظام تأمین مالی کشور ایجاد می‌کند
- ضروری است که ریسک‌های مرتبط با نوسانات نرخ ارز به صورت سیستماتیک شناسایی و مرتفع شوند

۴۷



اقتصاد

● شماره ۷۶ - بهمن ۱۴۰۳ ●

امیرحسین موسوی

پژوهشگر اقتصادی

توسعه و فراهم کردن مقدمات انتشار اوراق مرابحه ارزی توسط مقام پولی نشان دهنده یک گام استراتژیک و تحول آفرین در ساختار تأمین مالی پروژه های ارزی است

اوراق مرابحه ارزی یکی از ابزارهای نوین مالی است که بانک مرکزی به منظور تأمین مالی پروژه های صنعتی و اقتصادی با نیازهای ارزی طراحی کرده است. این اوراق مبتنی بر قرارداد مرابحه، به گونه ای طراحی شده که دارندگان آن از سود ثابت سالیانه به صورت ارزی بهره مند می شوند و در پایان دوره، اصل سرمایه نیز به صورت ارزی بازپرداخت می شود. این ویژگی ها به اوراق مرابحه ارزی جذابیت دوچندانی بخشیده و آن را به ابزاری مطمئن برای سرمایه گذاران و شرکت ها تبدیل کرده است. این ابزار مالی به دلیل ماهیت ساختاری و ویژگی های جذابش، در شرایط اقتصادی امروز ایران به یکی از محوری ترین راهکارها برای جذب سرمایه و بهبود ساختار تأمین مالی پروژه ها می تواند تبدیل شود. سال گذشته بانک مرکزی به عنوان سیاست گذار بازار پول و ارز، با هدف تسهیل تأمین مالی پروژه های ارزی دستورالعمل اجرایی عرضه این اوراق را تصویب و به شبکه بانکی ابلاغ کرد.

از جمله پروژه های کلیدی که با استفاده از این ابزار تأمین مالی شده اند، طرح "بهسازی و احداث تأسیسات جمع آوری گازهای مشعل" شرکت پالایش گاز بیدبلند خلیج فارس است. نخستین مرحله انتشار اوراق مرابحه ارزی این پروژه با ارزش ۱۰۰ میلیون یورو در آذر ماه ۱۴۰۲ و مرحله دوم آن به ارزش ۵۰ میلیون یورو در آبان ماه ۱۴۰۳ انجام شد. این پروژه نمونه بارزی از کاربرد عملی این ابزار در تأمین مالی پروژه های کلیدی و صادرات محور کشور است که می تواند به الگوی موفق برای سایر بخش های اقتصادی تبدیل شود. بانک مرکزی با راه اندازی مرکز مبادله ارز و طلا ایران، نقش مهمی در اجرای سیاست های مرتبط با انتشار این اوراق ایفا کرد. این مرکز با ایجاد زیرساخت های لازم و فراهم آوردن بسترهای معاملاتی مناسب، امکان جذب سرمایه های داخلی و بین المللی را فراهم کرده است.

این اوراق دارای نرخ سود اسمی ۶ درصد سالیانه است که سود آن به صورت ارزی و در دوره های مشخص توسط بانک عامل

به حساب دارندگان واریز می شود. دوره سررسید این اوراق ۴۸ ماه (۴ سال) است و امکان معامله این اوراق در بازار ثانویه، با مجوز بانک مرکزی و به صورت مذاکره فراهم شده است. بانک عامل و ناشر متعهد به بازپرداخت اصل و سود اوراق به صورت ارزی هستند، که این موضوع اعتماد سرمایه گذاران را به عدم نکول در پرداخت تقویت می کند. همچنین این اوراق به گونه ای طراحی شده اند که امکان مشارکت هر دو گروه سرمایه گذاران حقیقی و حقوقی را فراهم کرده و به تنوع بخشی در منابع تأمین مالی کمک می کند.

نقش اوراق مرابحه ارزی در تأمین مالی بنگاه ها

توسعه اوراق مرابحه ارزی یک تحول ساختاری در نظام تأمین مالی کشور ایجاد می کند. این اوراق به دلایل زیر نقش مؤثری در تأمین مالی بنگاه های اقتصادی ایفا می کنند:

۱. تأمین منابع مالی بلندمدت ارزی

پروژه های صنعتی و صادرات محور معمولاً نیازمند تأمین مالی بلندمدت ارزی هستند. در گذشته، استفاده از منابع کوتاه مدت برای این پروژه ها باعث عدم تطابق سررسید و ایجاد ریسک های مالی می شد. اوراق مرابحه ارزی با ارائه دوره های سررسید بلندمدت، این چالش را برطرف کرده است. این امر موجب شده تا شرکت ها بتوانند با اطمینان بیشتری برنامه های توسعه ای خود را دنبال کنند.

۲. کاهش التهابات ارزی

انتشار این اوراق به مدیریت عرضه و تقاضای ارز کمک می کند و از طریق جذب نقدینگی سرگردان، مانع از افزایش بی ثباتی در بازار ارز می شود. علاوه بر این، با کاهش فشار تقاضای ارز در بازار نقدی، ثبات بیشتری در نرخ ارز فراهم می شود.

۳. افزایش اعتماد سرمایه گذاران

یکی از چالش های مهم بازار ارز، کاهش اعتماد سرمایه گذاران به ابزارهای ارزی بود. طراحی اوراق مرابحه ارزی به گونه ای است که با تضمین پرداخت سود و اصل سرمایه به صورت ارزی، این اعتماد را احیا کرده و سرمایه گذاران را به مشارکت در این بازار ترغیب می کند. تعهد بانک مرکزی و



بانک‌های عامل در ارائه ضمانت‌های معتبر نیز نقشی کلیدی در بازگرداندن این اعتماد ایفا کرده‌است.

۴. تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی و فضای اقتصاد کلان

تأمین مالی پروژه‌هایی که درآمد ارزی قابل توجهی برای کشور ایجاد می‌کنند، می‌تواند در بلندمدت به افزایش تولید ناخالص داخلی و کاهش وابستگی به واردات کمک کند. به عنوان مثال، پروژه بیدبند سالانه حدود یک میلیارد دلار ارزآوری خواهد داشت و بیش از ۹ هزار فرصت شغلی ایجاد خواهد کرد. این دستاوردها نه تنها به توسعه اقتصادی کشور کمک می‌کنند، بلکه به ارتقای کیفیت زندگی در جوامع محلی نیز منجر می‌شوند.

پروژه‌های تأمین مالی شده از طریق اوراق مرابحه ارزی، به دلیل ماهیت صادرات محور خود، می‌توانند در بلندمدت به افزایش درآمدهای ارزی کشور کمک کنند و تکمیل زنجیره ارزش در این پروژه‌ها نیز مانع از هدررفت منابع شده و زمینه‌ساز توسعه پایدار خواهد بود. همچنین با جذب منابع ارزی از طریق انتشار اوراق، فشار بر بودجه عمومی دولت برای تأمین منابع ارزی کاهش می‌یابد و دولت می‌تواند منابع خود را به بخش‌های دیگر اختصاص دهد. این امر به خصوص در شرایطی که کشور با محدودیت‌های ارزی مواجه است، از اهمیت بالایی برخوردار است. مدیریت صحیح منابع و مصارف ارزی با استفاده از ابزارهایی مانند اوراق مرابحه ارزی، نقش کلیدی در کاهش نوسانات بازار ارز و افزایش ثبات مالی ایفا می‌کند. این ثبات به نوبه خود موجب می‌شود تا فضای سرمایه‌گذاری در کشور بهبود یابد.

گام بانک مرکزی برای بازگشت اعتماد عمومی به ابزارهای ارزی

توسعه و فراهم کردن مقدمات انتشار اوراق مرابحه ارزی توسط مقام پولی، نشان‌دهنده یک گام استراتژیک و تحول‌آفرین در ساختار تأمین مالی پروژه‌های ارزی و تنظیم بازار ارز کشور است. این ابزار نه تنها ظرفیت‌های بالقوه‌ای برای تحریک رشد اقتصادی و تقویت درآمدهای ارزی دارد، بلکه نقش بسزایی در بازسازی اعتماد سرمایه‌گذاران به ابزارهای مالی ارزی ایفا کرده است. طراحی دقیق این اوراق با تکیه بر تعهد به پرداخت اصل و سود به صورت ارزی، باعث شده است که سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی به بازار مالی ایران نگاه مثبت‌تری داشته باشند. علاوه بر این، چنین ابزارهایی در کاهش بی‌ثباتی‌های ارزی و کنترل نوسانات بازار ارز نیز مؤثر بوده‌اند. به منظور بهره‌گیری حداکثری از این پتانسیل، ضروری است که چالش‌های موجود، از جمله موانع قانونی، محدودیت‌های زیرساختی در بازار ثانویه و ریسک‌های مرتبط با نوسانات نرخ ارز، به صورت سیستماتیک شناسایی و مرتفع شوند. موفقیت پروژه‌هایی نظیر پالایشگاه بیدبند، که با تأمین مالی از طریق اوراق مرابحه ارزی محقق شده‌اند، الگویی برای سایر بنگاه‌های اقتصادی است که در مسیر استفاده از ابزارهای نوین مالی حرکت می‌کنند. این مسیر نه تنها نقش محوری در ایجاد ظرفیت‌های درآمدی ارزی برای کشور دارد، بلکه با ایجاد فرصت‌های شغلی و ارتقای بهره‌وری، به اهداف کلان توسعه‌ای نزدیک‌تر می‌شود. در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که توسعه یک اکوسیستم مالی هماهنگ با ابزارهایی نظیر اوراق مرابحه ارزی، به ایجاد ثبات مالی، تقویت کارایی نظام تخصیص منابع اقتصادی و دستیابی به رشد پایدار اقتصادی کمک شایانی خواهد کرد.

طراحی اوراق
مرابحه ارزی به
گونه‌ای است
که با تضمین
پرداخت سود
و اصل سرمایه
به صورت
ارزی، اعتماد
سرمایه‌گذاران
را احیا کرده
است

نقش کلیدی اوراق مرابحه ارزی در کاهش نوسانات بازار ارز

مدیریت صحیح منابع و مصارف ارزی با استفاده از ابزارهایی مانند اوراق مرابحه ارزی، نقش کلیدی در کاهش نوسانات بازار ارز و افزایش ثبات مالی ایفا می‌کند. این ثبات به نوبه خود موجب می‌شود تا فضای سرمایه‌گذاری در کشور بهبود یابد.



رفتارسنجی تورم در پایان سال

عقب نشینی ۱۰ واحد درصدی تورم در سال ۱۴۰۳

- گزارش بانک مرکزی و مرکز آمار نشان می دهد که نرخ تورم طی یک سال گذشته، حدود ۱۰ واحد درصد کاهش یافته است
- سال ۱۴۰۳، یکی از پُرچالش ترین سال ها برای بانک مرکزی به ویژه از منظر کنترل تورم بود
- بررسی رفتار تورم در سال جاری نشان می دهد در سمت مصرف کننده، میانگین تورم ماهانه حدود ۲٫۴ درصد بوده است
- هماهنگی تمامی حاکمیت برای کاهش تورم و پایان دادن به دوره تورمی سال های اخیر، الزامی حیاتی به شمار می رود

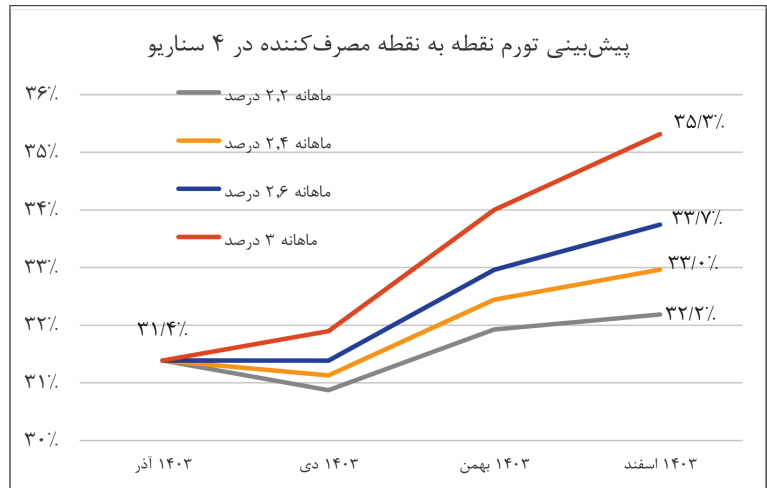
۵۰



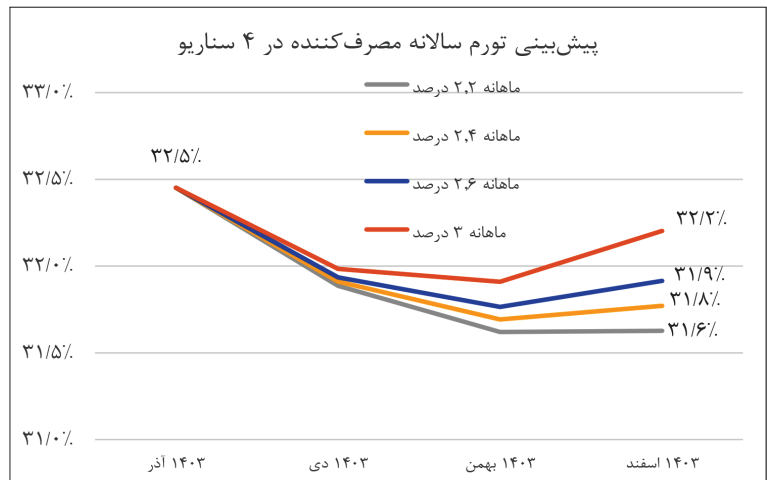
اقتصاد

● شماره ۷۶ - بهمن ۱۴۰۳ ●

نمودار ۱
پیش‌بینی تورم نقطه به نقطه
مصرف‌کننده در ۴ سناریو

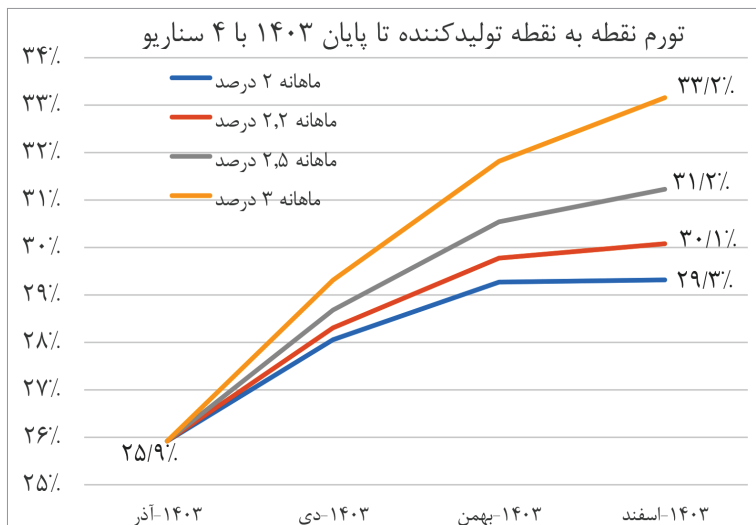


نمودار ۲
پیش‌بینی تورم سالانه
مصرف‌کننده در ۴ سناریو



را به چالش کشیدند. تمام این شوک‌ها در حالی به اقتصاد کشور تحمیل شد که سیاست‌گذار پولی برای حفظ روند نزولی تورم در سال جاری تلاش می‌کرد. اهمیت اثر شوک‌ها بر اقتصاد و به ویژه بر تورم را می‌توان از پژوهش‌های جدید حوزه پولی و سیاست‌گذاری پولی در اقتصادهای بزرگ دریافت، جایی که انتظارات جامعه لنگر تورم تعریف شده و سیاست‌گذار با مهار انتظارات، به کنترل تورم می‌پردازد. بر همین اساس، بروز شوک‌های انتظاری، مسیر بانک مرکزی برای کنترل تورم را دشوار می‌کند.

سال ۱۴۰۳، یکی از پُرچالش‌ترین سال‌ها برای بانک مرکزی به ویژه از منظر کنترل تورم بود. از نظر تعدد شوک‌های تحمیل شده به اقتصاد، این سال را می‌توان یکی از پُر تلاطم‌ترین سال‌های کشور در نیم قرن اخیر قلمداد کرد. سقوط بالگرد رئیس‌جمهور، درگیری نظامی مستقیم میان ایران و رژیم صهیونیستی، اوج‌گیری تنش‌های ژئوپلیتیکی از جمله سقوط حکومت سوریه، تحرکات اروپا برای فعال‌سازی مکانیزم ماشه و تغییر دولت در آمریکا، برخی از مهم‌ترین شوک‌هایی است که از مسیر انتظارات، ثبات بازارها



نمودار ۳

تورم نقطه به نقطه تولیدکننده
تا پایان ۱۴۰۳ با ۴ سناریو

مانده از سال، تورم سالانه و نقطه به نقطه مصرف‌کننده به ترتیب ۳۳ و ۳۱.۸ درصد خواهد شد. البته در سناریوی خوشبینانه با فرض کاهش میانگین تورم ماهانه به ۲.۲ درصد، تورم سالانه و نقطه به نقطه مصرف‌کننده به ترتیب ۳۱.۶ و ۳۲.۲ درصد خواهد شد. در مقابل با فرض افزایش میانگین تورم ماهانه به ۲.۶ درصد، دو شاخص یاد شده به ترتیب ۳۱.۹ و ۳۳.۷ درصد پیش‌بینی می‌شود. در سناریوی کاملاً بدبینانه، میانگین تورم ۳ ماه پیش رو معادل ۳ درصد در نظر گرفته شده که در این صورت، شاخص‌های یاد شده به ترتیب ۳۲.۲ و ۳۵.۳ درصد خواهند شد. (نمودار ۲و۱)

ارقام فوق نشان می‌دهد با در نظر گرفتن سناریوهای مختلف، نرخ تورم نقطه به نقطه و سالانه مصرف‌کننده در پایان سال جاری به ترتیب در حدود ۳۴ و ۳۲ درصد، سال راه‌پایان خواهند برد.

در سمت تولیدکننده هم با اعمال فروض مختلف، می‌توان به برآورد نسبتاً دقیقی از تورم سال جاری دست یافت. با توجه به میانگین تورم ۲.۲ درصدی ماهانه، تداوم این روند در ماه‌های پیش رو، تورم نقطه به نقطه و سالانه تولیدکننده به ترتیب ۳۰.۱ و ۲۶.۶ درصد خواهند شد. با فرض

با وجود بروز شوک‌های پی در پی و عمدتاً بی‌سابقه در سال جاری، مسیر تورم چه در سمت تولیدکننده و چه در سمت مصرف‌کننده همچنان نزولی باقی ماند. آخرین گزارش بانک مرکزی از شاخص تورم مصرف‌کننده نشان می‌دهد که نرخ تورم سالانه در پایان آذر امسال به ۳۶.۳ درصد و شاخص نقطه به نقطه نیز به ۳۳.۸ درصد رسیده است.

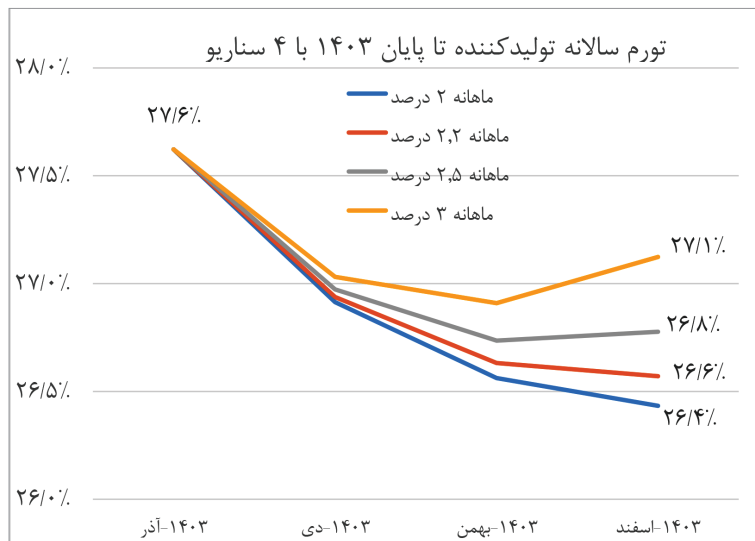
همچنین آخرین داده‌های مرکز آمار نشان می‌دهد که نرخ تورم سالانه مصرف‌کننده در پایان آذر ماه امسال ۳۲.۵ درصد و شاخص نقطه به نقطه نیز ۳۱.۴ درصد بوده است. گزارش هر دو نهاد آماری نشان می‌دهد نرخ تورم طی یک سال گذشته حدود ۱۰ واحد درصد کاهش یافته است.

روند نزولی تورم اما در سمت تولیدکننده سریع‌تر بوده است. طبق گزارش بانک مرکزی، نرخ تورم سالانه و نقطه به نقطه تولیدکننده در پایان آذرماه امسال به ترتیب ۲۵.۹ و ۲۷.۶ درصد بوده که نسبت به آذرماه سال گذشته، به ترتیب حدود ۱۶ و ۱۲ واحد درصد کاهش را نشان می‌دهد. بررسی رفتار تورم در سال جاری نشان می‌دهد در سمت مصرف‌کننده، میانگین تورم ماهانه حدود ۲.۴ درصد بوده است. با فرض تداوم این ارقام در ماه‌های باقی

۵۲



• شماره ۷۶ - بهمن ۱۴۰۳ •



در بخش‌های بودجه، انرژی، صندوق‌های بازنشستگی و دیگر موارد، سیاست پولی را همواره در معرض شکست از ناحیه چاپ پول ناخواسته و در نهایت اقتصاد کشور را در معرض بازگشت تورم به کانال‌های بالاتر و حتی فراتر از آن قرار داده است. حقایق مذکور، دلالت‌هایی برای سیاست‌گذاران مختلف به همراه دارد. اولین دلالت این حقایق برای سیاست‌گذار پولی، ترسیم یک هدف معقول برای تورم در سال آتی است. در شرایطی که نیروهای تورمی شامل ناترازی‌ها و به‌ویژه نااطمینانی‌های سیاسی و ژئوپولیتیک همچنان فعال و بعضاً رو به ازدیاد هستند، اولویت هدف‌گذاری تورم، نگهداشت آن در همین محدوده ۳۰ درصدی است. نکته دیگر، لزوم همراهی دیگر دستگاه‌های تاثیرگذار با بانک مرکزی در موضوع کنترل تورم است.

بدیهی است در شرایطی که سایر عوامل محرک تورم فعال باشد، کار چندان‌ی از سیاست پولی برنیامده و تورم در نهایت به عوامل پولی، ارزی و انتظاری، واکنش نشان خواهد داد. بر همین اساس، هماهنگی تمامی حاکمیت برای کاهش تورم و پایان دادن به دوره تورمی سال‌های اخیر، الزامی حیاتی به شمار می‌رود.

خوشبینانه و کاهش میانگین تورم ماهانه به دو درصد، دو شاخص مذکور به ترتیب ۲۹۰۳ و ۲۶۰۴ درصد خواهند شد. با فرض کمی بدبینانه، میانگین تورم ماهانه در ماه‌های پیش رو ۲۰۵ درصد در نظر گرفته شده که بدین ترتیب تورم نقطه به نقطه و سالانه به ترتیب ۳۱۰۲ و ۲۶۰۸ درصد خواهند شد. در بدبینانه‌ترین سناریوی در نظر گرفته شده، میانگین تورم به ۳ درصد می‌رسد و دو شاخص مذکور تا پایان سال به ۳۳۰۲ و ۲۷۰۱ درصد خواهند رسید. (نمودار ۴ و ۳)

این ارقام نشان می‌دهد که در پایان سال جاری تورم سالانه تولیدکننده به احتمال فراوان در حدود ۲۷ درصد قرار گیرد. همچنین تورم نقطه به نقطه در حدود ۳۱ درصد خواهد بود.

گند شدن شیب نزولی تورم به ویژه در سمت مصرف‌کننده در کنار چشم‌انداز ماه‌های باقی مانده از سال و همچنین سال آینده، نشان دهنده رسیدن شاخص تورم به هسته سخت خود یعنی حوالی ۳۰ درصد است. در چنین شرایطی، کاهش بیشتر نرخ تورم به محدوده پایین‌تر از ۳۰ درصد حتی میانگین بلندمدت حدود ۲۵ درصدی، نیازمند تدابیر دیگری است. تداوم و حتی تشدید ناترازی‌های مختلف



اصلاحات اقتصادی در آرژانتین

عواقب دردناک اقدامات ریاضتی "میلی" برای آرژانتین

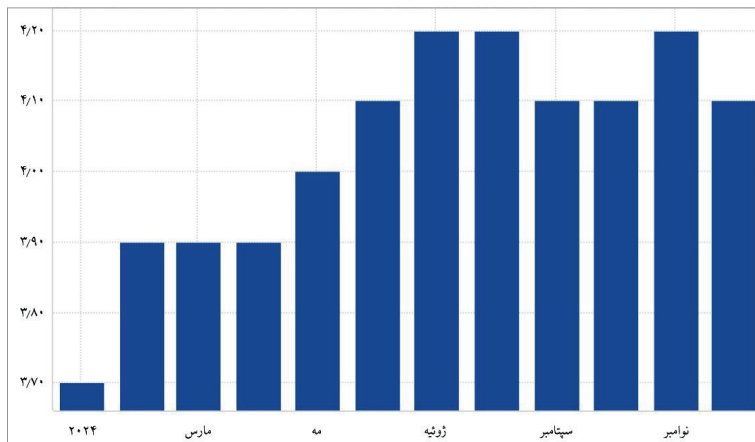
- اقتصاد آرژانتین سال‌ها با نرخ تورم بالای ۲۰ درصد دست به گریبان بوده است
- در سال‌های اخیر نرخ تورم آرژانتین جهش یافت، به طوری که اقتصاد این کشور در سال ۲۰۲۳ در آستانه ورود به ابرتورم قرار گرفت
- اصلاحات اقتصادی خاویر میلی در یک سال اخیر به کاهش قابل توجه تورم آرژانتین منجر شده و تورم ماهیانه از ۲۵.۵ به ۲.۴ درصد کاهش یافته است
- از اولین کارهایی که میلی بعد از رسیدن به قدرت انجام داد، کاهش هزینه‌های دولت و کوچک‌سازی آن بود
- با وجود اثرات مثبت اقدامات اقتصادی و شوک درمانی میلی در کنترل تورم، اقتصاد آرژانتین از اثرات سوء این اقدامات مصون نبوده است

۵۴



اقتصاد جهانی

● شماره ۷۶ - بهمن ۱۴۰۳ ●



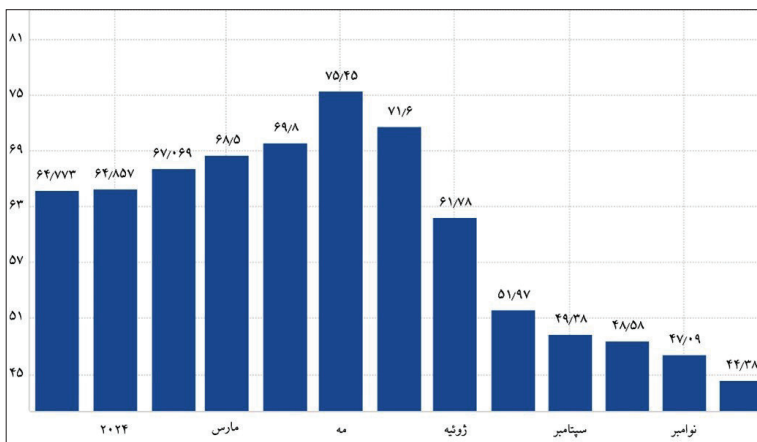
بانک‌های مرکزی دنیا، تاریخچه تورم در اقتصاد آرژانتین و دلایل تاریخی بالا بودن آن بررسی و بحث می‌شود که در یک سال گذشته چگونه تلاش‌های دولت جدید و اقدامات مالی - پولی آن توانسته است موجب مهار تورم شتابنده این کشور شود. سرانجام به عوارض احتمالی این اقدامات بر اقتصاد آرژانتین پرداخته می‌شود و نقاط قوت و ضعف این سیاست‌ها مورد بحث قرار می‌گیرد.

آخرین تحولات اقتصاد جهانی و سیاست‌های بانک‌های مرکزی

نرخ بیکاری در ایالات متحده از ۴۰٫۲ درصد در ماه نوامبر به ۴۰٫۱ درصد در دسامبر ۲۰۲۴ کاهش یافت که کمتر از انتظارات بازار (۴۰٫۲ درصد) بود. فدرال رزرو، پس از یک سری کاهش نرخ بهره در اواخر سال ۲۰۲۴، در سال جاری رویکردی مبتنی بر داده را اتخاذ کرده است. بنابراین، گزارش مشاغل قوی‌تر از حد انتظار در ماه دسامبر، با اضافه شدن ۲۵۶،۰۰۰ شغل جدید و کاهش بیکاری به ۴۰٫۱ درصد، باعث شده است تا بازارها پیش‌بینی کنند دیگر اضطرابی برای کاهش فوری نرخ بهره وجود ندارد و کاهش بیشتر نرخ بهره می‌تواند با تاخیر بیشتری همراه شود و شروع مجدد کاهش آن تا اواسط سال ۲۰۲۵ طول بکشد. (شکل ۱)

نرخ تورم سالانه در ترکیه از ۴۷۰٫۹ درصد در ماه نوامبر به ۴۴۰٫۳۸ درصد در دسامبر ۲۰۲۴ کاهش یافت و کمتر از انتظارات بازار (۴۵۰٫۲ درصد) بود. این هفتمین ماه متوالی کاهش تدریجی

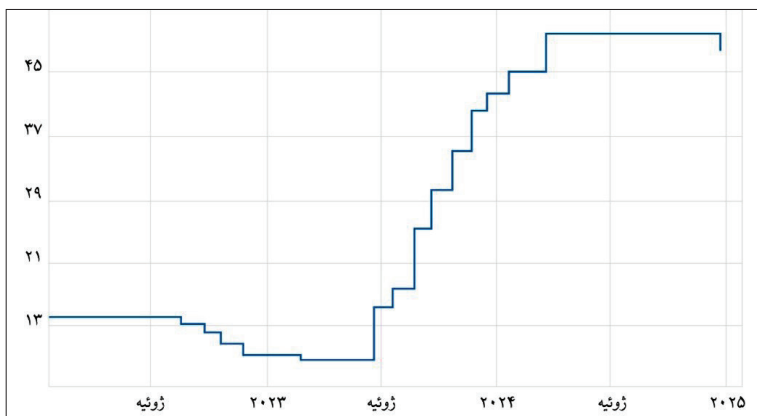
زمانی که خاویر میلی، نامزد راست‌گرای لیبرترین، در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری آرژانتین در نوامبر ۲۰۲۳ به پیروزی رسید، آرژانتین درگیر مشکلات عدیده اقتصادی و در رأس آنها تورم شتابان بالاتر از ۱۴۰ درصد بود. از هر پنج آرژانتینی، دو نفر در فقر زندگی می‌کردند و سهم بالای دولت در اقتصاد و کسری بودجه آن اختلالات شدیدی در عملکرد اقتصاد این کشور به وجود آورده بود. به همین دلیل، شعارها و وعده‌های رادیکال میلی طی مبارزات انتخاباتی‌اش که خواهان منفعرج کردن بانک مرکزی یا جایگزینی دلار آمریکا به جای پول این کشور شده بود، منجر به پیروزی وی در برابر سرخیو ماسا، وزیر وقت اقتصاد آرژانتین، به عنوان رقیب اصلی خود شد. پس از روی کار آمدن میلی، مجموعه وسیعی از اقدامات وی از کاهش اندازه دولت گرفته تا کاهش ارزش رسمی پول ملی این کشور در برابر دلار، علی‌الظاهر به کنترل شتاب تورم منجر شده است، به طوری که پیش از آغاز به کار او در دسامبر ۲۰۲۳، تورم ماهیانه آرژانتین در ماه نوامبر حدود ۱۲۰٫۸ درصد بود. با اجرای سیاست‌های ریاضتی و کاهش هزینه‌های دولتی، تورم ماهیانه در نوامبر ۲۰۲۴ به ۲۰٫۴ درصد کاهش یافت که کمترین میزان در چهار سال گذشته است. در این گزارش، پس از مروری کوتاه بر آخرین تحولات اقتصاد جهانی و سیاست‌های



شکل ۲

نرخ تورم ترکیه (درصد)
منبع:
tradingeconomics.com

برگرفته از
Turkish Statistical
Institute



شکل ۳

نرخ بهره ترکیه (درصد)
منبع:
tradingeconomics.com

برگرفته از
Central Bank of the Republic of
Turkey

قصد دارد تعداد جلسات سیاست‌گذاری را از ۱۲ جلسه در سال ۲۰۲۴ به هشت جلسه در سال ۲۰۲۵ کاهش دهد که نشان‌دهنده تغییر به سمت رویکردی سنجیده‌تر در مذاکرات سیاست پولی این بانک است. (شکل ۳)

سازمان ملل متحد گزارش "وضعیت و چشم‌انداز اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۵" خود را در ژانویه (۲۰ دی) منتشر کرد و در این گزارش پیش‌بینی کرد رشد اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۵ در ۲.۸ درصد باقی بماند که نسبت به سال ۲۰۲۴ تغییری نکرده است. این گزارش خاطرنشان می‌کند که رشد اقتصادی جهان در سال ۲۰۲۵، به دلیل سرمایه‌گذاری ضعیف، بهره‌وری کند، و سطح بدهی بالا محدود می‌شود. در جدول (۱) خلاصه‌ای از برخی متغیرهای اقتصادی و پولی برخی از کشورهای منتخب ارائه شده است.

تورم و پایین‌ترین میزان از ژوئن ۲۰۲۳ است. (شکل ۲)

به دلیل ظهور نشانه‌های کاهش تورم بود که در ۲۶ دسامبر ۲۰۲۴ (۶ دی)، بانک مرکزی ترکیه (CBRT) نرخ ریپوی یک هفته‌ای خود را ۲۵۰ واحد پایه کاهش داد و آن را از ۵۰ درصد به ۴۷۰.۵ درصد رساند. این کاهش در بالاترین حد انتظارات بازار بود، زیرا تحلیلگران کاهش بین ۱۰۰ تا ۲۵۰ واحد پایه را پیش‌بینی کرده بودند. این اولین کاهش نرخ بهره در نزدیک به دو سال گذشته پس از یک دوره انقباض پولی قابل توجه با هدف مبارزه با تورم بالا بود. این بانک در بیانیه بعد از این نشست اعلام کرد که سیاست پولی از طریق کاهش تقاضای داخلی، افزایش واقعی ارزش لیر و بهبود انتظارات تورمی، سرعت رشد قیمت‌ها را کاهش داده است. با نگاهی به آینده، بانک مرکزی ترکیه

۵۶



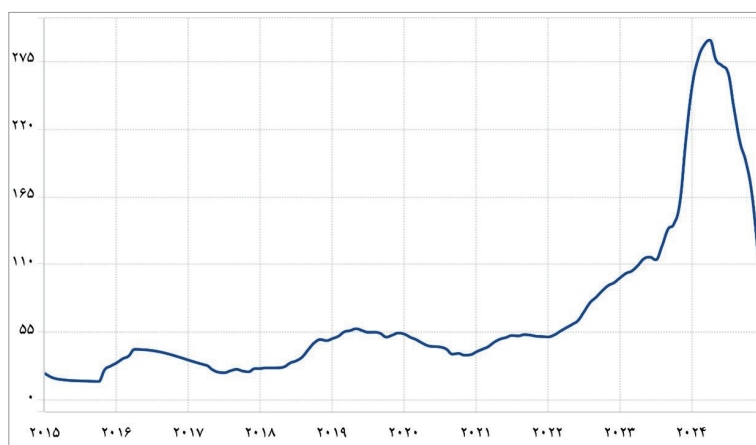
اقتصاد

شماره ۷۶ - بهمن ۱۴۰۳

نرخ بهره سیاستی			نرخ تورم			نرخ رشد اقتصادی		
اکتبر ۲۰۲۴	نوامبر ۲۰۲۴	دسامبر ۲۰۲۴	سپتامبر ۲۰۲۴	اکتبر ۲۰۲۴	نوامبر ۲۰۲۴	دسامبر ۲۰۲۴	فصل اول ۲۰۲۴	فصل دوم ۲۰۲۴
۳.۴	۳.۴	۳.۱۵	۱.۷	۲.۰	۲.۲	۲.۴	۰.۵	۰.۹
۵.۰	۴.۷۵	۴.۵	۲.۴	۲.۶	۲.۷	-	۲.۹	۳.۰
۵	۴.۷۵	۴.۷۵	۱.۷	۲.۳	۲.۶	-	۰.۳	۰.۷
۵۰	۵۰	۴۷.۵	۴۹.۳۸	۴۸.۵۸	۴۷.۰۹	۴۴.۳۸	۵۰.۳	۲.۴
۳.۱	۳.۱	۳.۱	۰.۴	۰.۳	۰.۲	۰.۱	۵.۳	۴.۶
۴.۹	۴.۶۵	۴.۴	۲.۵	۲.۳۸	۳.۰۱	-	۳.۴	۳.۹
۲۱	۲۱	۲۱	۸.۶	۸.۵	۸.۹	-	۵.۴	۴.۱
۶.۵	۶.۵	۶.۵	۵.۴۹	۶.۲۱	۵.۴۸	-	۷.۸	۶.۷
۵.۵	۵.۵	۵	۰.۴	۰.۸	۰.۵	-	-	-
۱۷.۵	۱۵	۱۳	۶.۹	۷.۲	۴.۹	۴.۱	-	-

جدول ۱
نگاهی به آخرین آمارهای
اقتصادی کشورهای منتخب
توضیحات: نرخ رشد
اقتصادی به صورت تغییر
تولید ناخالص داخلی حقیقی
هر فصل نسبت به فصل
مشابه سال قبل و نرخ تورم
به صورت تعریف سالانه ارائه
شده است. منبع:
tradeingeconomics.com

شکل ۴
نرخ تورم آرژانتین (درصد)-
منبع:
tradeingeconom-
ics.com
Instituto Nacional de
Estadística y Censos
INDEC



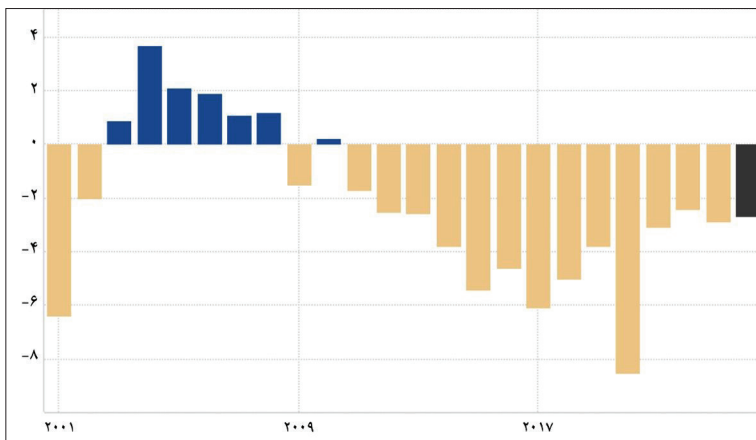
دلایل تاریخی بالابودن نرخ تورم در اقتصاد آرژانتین

از نظر تاریخی، آرژانتین در بسیاری از سال‌ها به خصوص در چند دهه اخیر درگیر تورم‌های بالا و به‌ویژه تورم‌های بیش از ۲۰ درصد بوده است. این روند و شدت گرفتن آن در سال‌های اخیر در شکل (۴) به وضوح دیده می‌شود.

نه تنها آرژانتین، بلکه در بسیاری از کشورهای درگیر تورم مزمن و بالا، این معضل پدیده‌ای چندبُعدی است که علل متعددی در شکل‌گیری و تداوم آن نقش داشته‌اند که از جمله مهم‌ترین آنها برای اقتصاد آرژانتین می‌توان به کسری بودجه مداوم دولت، عدم استقلال بانک مرکزی، بحران‌های بدهی، بی‌ثباتی نرخ ارز، شاخص‌بندی و تعیین دستمزد و قیمت‌ها به نسبت تورم، بی‌ثباتی‌های سیاسی، محدودیت‌های سمت عرضه و نظایر آن اشاره کرد. به عنوان مثال، بودجه دولت در آرژانتین بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳ در بیشتر سال‌ها با کسری مواجه بوده

که میانگین آن ۲۰۲۸- درصد تولید ناخالص داخلی بوده و این کسری در سال ۲۰۲۰ به رکورد ۸۰-۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی رسیده است. (شکل ۵)

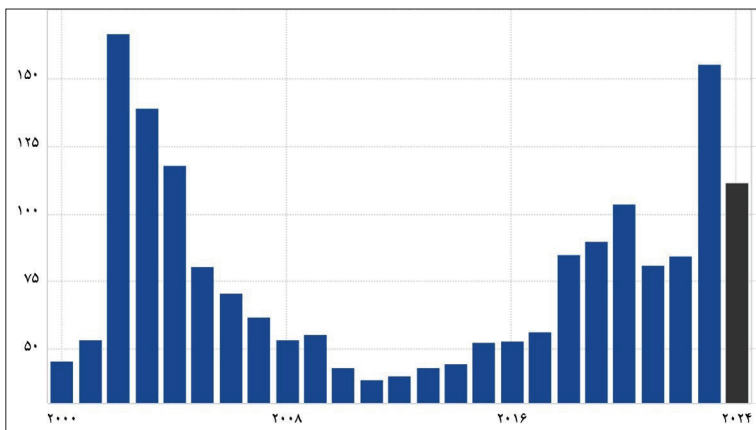
دولت آرژانتین در طول زمان برای تأمین مالی کسری بودجه خود از چندین روش اصلی استفاده کرده است که برخی از آنها به تشدید مشکلات اقتصادی، از جمله تورم بالا، منجر شده‌اند. از جمله مهم‌ترین این روش‌ها می‌توان به استقراض از بانک مرکزی در قالب چاپ پول، استقراض داخلی و خارجی در قالب فروش اوراق قرضه در داخل و وام‌گیری از موسسات بین‌المللی همچون صندوق بین‌المللی پول در خارج، افزایش مالیات‌ها، کنترل دستوری نرخ ارز و در نتیجه فاصله گرفتن نرخ ارز رسمی و بازار آزاد، فروش دارایی‌های دولت و نظایر آن اشاره کرد که این روش‌های تأمین مالی کسری بودجه اغلب کوتاه‌مدت و ناپایدار بوده و در نهایت به افزایش تورم، کاهش ارزش پول



شکل ۵

بودجه دولت آرژانتین
(درصد GDP) - منبع:
tradingeconomics.com
برگرفته از

Banco Central de la
República Argentina



شکل ۶

بدهی دولت آرژانتین نسبت
به GDP (درصد از تولید
ناخالص داخلی) - منبع:
tradingeconomics.com
Ministe- برگرفته از
rio de Hacienda.
Argentina

رسمی و نرخ ارز بازار آزاد، همواره ناکارآمدی و تحریف در اقتصاد حاکم بوده است. تورم در اقتصاد این کشور فقط از ناحیه تقاضا و معضلات آن نبوده و بخش عرضه نیز با محدودیت‌های فراوانی مواجه بوده است که می‌توان آن را در نرخ‌های منفی رشد اقتصادی در سال‌های مختلف و نیز نوسانات شدید تولید ناخالص داخلی آن مشاهده کرد. (شکل ۸)

شوکر درمانی خاورمیلی و کنترل تورم

هنگامی که رئیس‌جمهور لیبرتارین خاور میلی، حدود یک سال پیش در دسامبر ۲۰۲۳ و با وعده کنترل تورم و حل مشکلات اقتصادی به قدرت رسید، سوپرمارکت‌های آرژانتین تقریباً هر روز افزایش قیمت‌ها را نشان می‌دادند. خانواده‌های طبقه متوسط سعی

ملی و بی‌اعتمادی مردم و سرمایه‌گذاران به سیاست‌های دولت منجر شده‌اند. (شکل ۶) بدهی بالای بخش دولتی این کشور را نسبت به تولید ناخالص داخلی آن نشان می‌دهد. بخشی از این بدهی از محل استقراض این کشور از نهادهای بین‌المللی ایجاد شده که در بعضی از سال‌ها به ایجاد بحران بدهی و بازپرداخت آن برای دولت این کشور منجر شده و بر بسیاری از بخش‌های اقتصادی آن، از بودجه دولت گرفته تا سیاست پولی و ارزش پول ملی، سایه افکنده است. (شکل ۷) کاهش مکرر و قابل توجه ارزش پزو آرژانتین نیز از دیگر دلایل تورم این کشور است، زیرا هزینه واردات را افزایش داده و به تورم دامن زده است. همچنین برای مدت‌زمانی طولانی، سیستمی چندگانه برای نرخ ارز در آرژانتین وجود داشته و به خاطر فاصله بین نرخ ارز

۵۸



اقتصاد

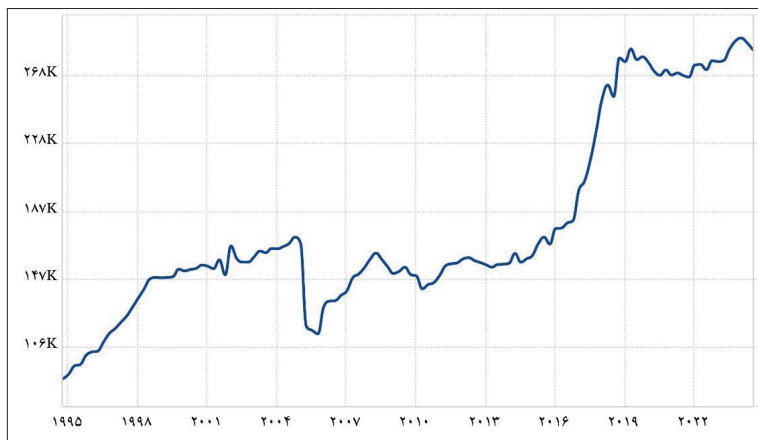
• شماره ۷۶ - بهمن ۱۴۰۳ •



شکل ۷

بدهی خارجی آرژانتین
(میلیون دلار ایالات متحده).
منبع:

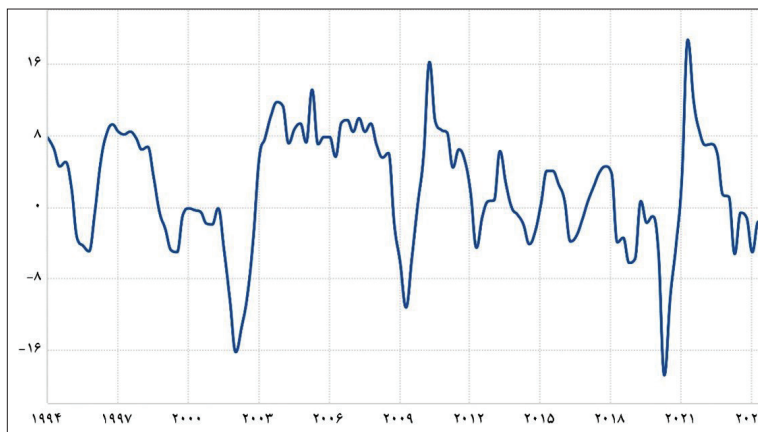
tradingeconomics.com
Instituto Na-
cional de Estadística y
Censos INDEC



شکل ۸

نرخ رشد سالانه تولید ناخالص
داخلی آرژانتین (درصد). منبع:

tradingeconomics.com
Instituto Na-
cional de Estadística y
Censos INDEC



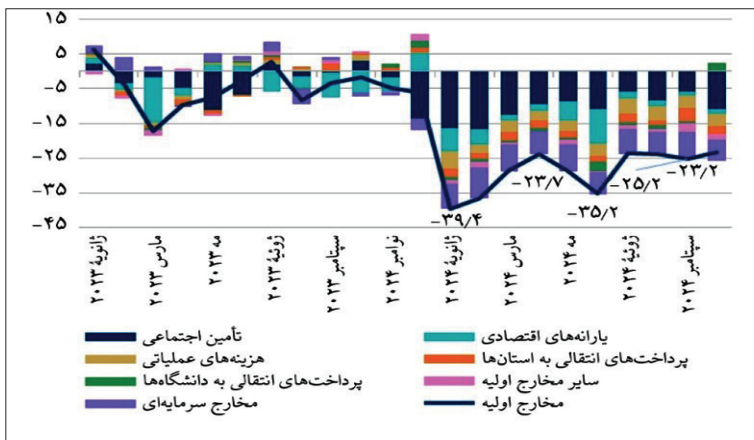
حتی دستیابی به مازاد بودجه منجر شد؛
دستاوردی که در چند سال گذشته بی سابقه
بوده است. (شکل ۱۰)

علاوه بر کاهش کسری بودجه دولت که منجر
به خاموش شدن یکی از موتورهای افزایش
نقدینگی و در نتیجه آن، افزایش تورم در این
کشور شد، سیاست‌گذاران اقتصادی آرژانتین
برای رهایی از نرخ‌های ارز چندگانه، اقدام به
افزایش شدید نرخ ارز رسمی کردند که همین
امرتفاوت بین نرخ ارز رسمی و نرخ ارز بازار آزاد
را کاهش داد و با وجود افزایش اولیه نرخ ارز در
بازار آزاد، در نهایت افت ارزش پزورا کنترل کرد
و حتی در چند ماه گذشته ارزش آن را بالا برد
و به این ترتیب تورم وارداتی و نیز تورم انتظاری
تحت کنترل قرار گرفت. (شکل ۱۱)

همچنین با روی کار آمدن میلی، سپرده‌های
دلاری بخش خصوصی مشمول عفو مالیاتی

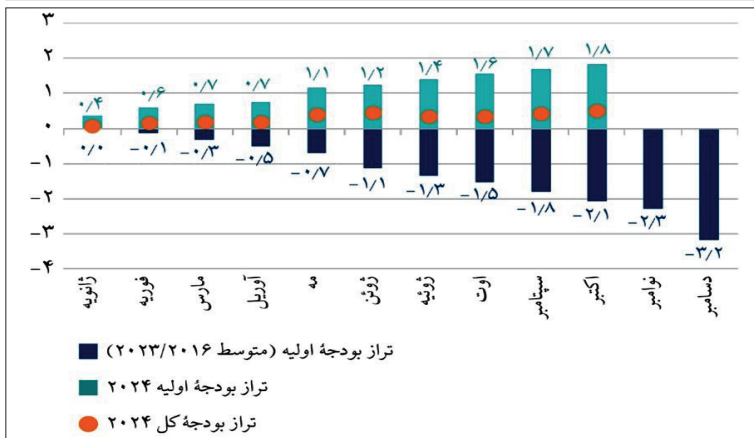
می‌کردند به همان سرعتی که پزورا دریافت
می‌کنند، خرج کنند و اقتصاددانان هشدار
می‌دادند که کشور در آستانه ابرتورم قرار دارد.
خاویر میلی، رئیس‌جمهور آرژانتین، در ۲۰
دسامبر ۲۰۲۳ (۲۹ آذر ۱۴۰۲) با صدور فرمانی
اضطراری موسوم به "DNU"، مجموعه‌ای از
اصلاحات گسترده اقتصادی را اعلام کرد. این
فرمان شامل لغو یا تغییر حدود ۶۰۰ مقررات
بود که هدف آن کاهش نقش دولت در اقتصاد،
مقررات‌زدایی و تقویت بازار آزاد است. از اولین
کارهایی که میلی بعد از رسیدن به قدرت انجام
داد، کاهش هزینه‌های دولت و کوچک‌سازی
آن بود. میلی با کاهش تعداد وزارتخانه‌ها به
نصف و حذف یارانه‌های انرژی و حمل‌ونقل،
هزینه‌های دولتی را به طور چشمگیری کاهش
داد. (شکل ۹)

این اقدامات به کاهش کسری بودجه و



شکل ۹

کاهش تجمعی مخارج عمومی، ژانویه-اکتبر ۲۰۲۴ (درصد تغییر، YOY). منبع: INDEC, Ministry of Economy and BBVA Research



شکل ۱۰

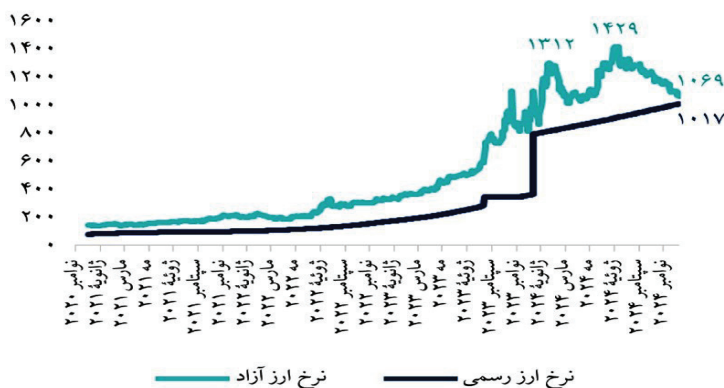
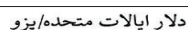
تراز اولیه و تراز کل بودجه دولت (درصد GDP، سالانه تا ۲۰۲۴). منبع: INDEC, Ministry of Economy and BBVA Research

کنترل رشد نقدینگی، به همراه اصلاحات انجام شده در بازار ارز و نیز کنترل کسری بودجه دولت و کاهش انتظارات تورمی، در نهایت باعث شد بانک مرکزی آرژانتین بتواند نرخ‌های بهره سیاستی بسیار بالای خود را کاهش دهد که البته می‌تواند به افزایش تقاضا برای اعتبار در اقتصاد این کشور دامن زند و چالشی در مسیر کنترل تورم در سال ۲۰۲۵ باشد. (شکل ۱۳)

تمام اقدامات فوق به کنترل تورم در اقتصاد آرژانتین و کاهش قابل توجه آن از ماهیانه ۲۵،۵ درصد در دسامبر ۲۰۲۳، به ۲،۴ درصد تورم ماهیانه در نوامبر ۲۰۲۴ منجر شد که موفقیتی قابل توجه در دستیابی به هدف کنترل تورم به حساب می‌آید. متوسط نرخ تورم ماهیانه در آرژانتین از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۴ به طور متوسط ۳،۹۷ درصد بوده

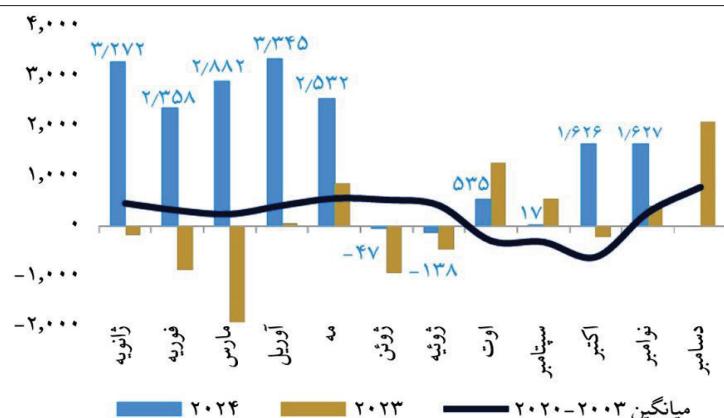
شدند که این کار باعث افزایش سپرده‌های دلاری بخش خصوصی و نیز تقویت ذخایر دلاری بانک مرکزی این کشور شد. کاهش تدریجی و با نرخ ثابت ارزش رسمی پزو (افزایش قیمت دلار به اندازه ۲ درصد در ماه) و نیز عفو مالیاتی سپرده‌های ارزی، باعث شد بانک مرکزی آرژانتین بتواند در بیشتر ماه‌های سال ۲۰۲۴، فرصتی برای تقویت و انباشت ذخایر ارزی خود پیدا کند که می‌تواند در آینده در مواقع لازم امکان مداخله این نهاد در بازار آزاد ارز و صیانت از ارزش پول ملی را فراهم کند. (شکل ۱۲)

همچنین، بانک مرکزی آرژانتین سیاست‌هایی با هدف مهار رشد پایه پولی اتخاذ کرده است. این راهبرد شامل کم کردن بدهی‌های بهره‌دار و معرفی ابزارهای جدید برای مدیریت موثر نقدینگی است. اقدامات انجام شده در زمینه



شکل ۱۱

نرخ ارز در بازار رسمی و
بازار آزاد- منبع: BCRA.
Alphacast and BBVA
Research



شکا ۱۲.

خالص خرید ذخایر ارزی بانک
مرکزی آرژانتین (میلیون دلار)-
منبع: BCRA and BBVA
Research

را عمیق‌تر کرد و در سال ۲۰۲۴ به افزایش نرخ بیکاری در این کشور نسبت به سال قبل منتهی شد. (شکل ۱۵)

ریاضت اقتصادی، بنا به برآوردها، هزینه‌های مصرف‌کننده در سال گذشته را نسبت به سال ۲۰۲۳، ۷۰- درصد کاهش داد (BBVA Research) و نرخ فقر را در نیمه اول سال گذشته به بالاترین حد خود در دو دهه گذشته یعنی ۵۲٫۹ درصد رساند که بالاترین میزان در نزدیک به دو دهه گذشته است. نرخ فقر خانوارهای شهری نیز در نیمه اول سال ۲۰۲۴، با افزایشی قابل توجه نسبت به سال ۲۰۲۳ (سه سال پیش از آن، به ۴۲٫۵ درصد رسید.) (۱۶)

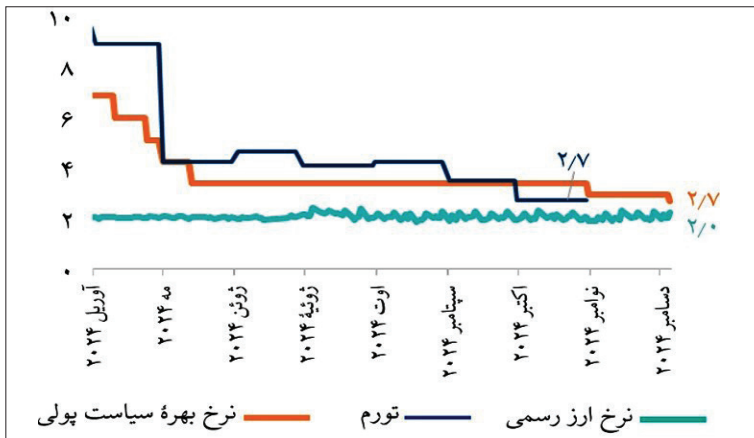
این افزایش قابل توجه تا حد زیادی به اقدامات ریاضتی اجرا شده توسط رئیس جمهور خاویر میلی، که شامل کاهش

و در دسامبر ۲۰۲۳ به بالاترین حد خود یعنی ۲۵۰۵۰ درصد رسیده و در اوت ۲۰۱۶ پایین‌ترین حد خود ۰٫۲۰ درصد راثبت کرده است. (شکل ۱۴)

عوارض اقدامات اقتصادی خاور میلی

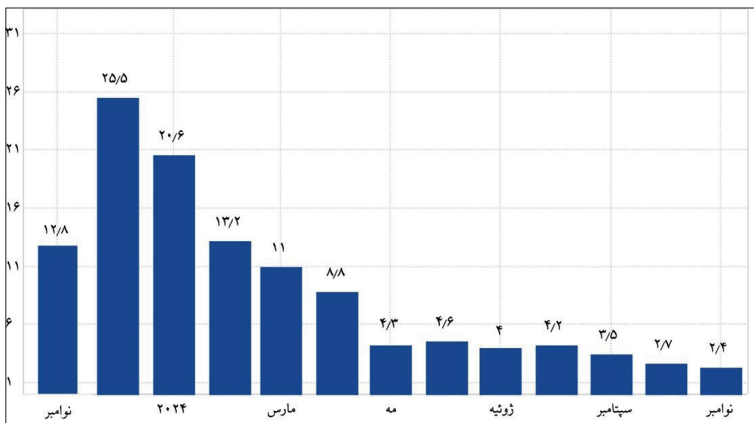
اولین مازاد بودجه آرژانتین در سال ۱۲ گذشته عواقب دردناک و هزینه‌های سنگینی در پی داشته و بسیاری از ادارات دولتی و کسب‌وکارهای دریافت‌کننده بودجه و کمک مالی از دولت را با مشکلات فراوانی مواجه کرده است. به عنوان مثال، میلی افزایش بودجه سالانه دانشگاه‌ها بر اساس نرخ تورم را متوقف کرد و برخی از دانشگاه‌ها برای تأمین مالی نیازهای اولیه خود با مشکلات عدیده‌ای مواجه شدند. ریاضت اقتصادی و کوچک‌سازی دولت، در عمل رکود آرژانتین





شکل ۱۳

تغییر نرخ بهره سیاست پولی، تورم، و نرخ ارز رسمی (واحد درصد در هر ماه) - منبع: BCRA, INDEC and BBVA Research



شکل ۱۴

نرخ تورم ماه به ماه آرژانتین (درصد) - منبع: tradingeco, nomics.com, Instituto Nacional de Estadística y Censos INDEC

کشورهایی است که نرخ تورم بالا یکی از معضلات اقتصادی مزمن آن بوده و سال ها با نرخ تورم بالای ۲۰ درصد دست به گریبان بوده است. ب- مانند بسیاری از کشورهای درگیر تورم بالا، در آرژانتین نیز تورم بالا پدیده ای چندوجهی بوده و بنا به مجموعه ای از علل به وجود آمده و استمرار یافته است. ج- از جمله مهم ترین دلایل تورم آرژانتین کسری بالای بودجه دولت این کشور و توسل به منابع بانک مرکزی و استقراض از داخل و خارج برای پوشش این کسری، نرخ ارز چنگانه، و ناکارایی ناشی از آن در اقتصاد، مشکلات سمت عرضه و نظایر آن است. د- در سال های اخیر بالاخص از ۲۰۲۲ به بعد، نرخ تورم آرژانتین جهش یافت، به طوری که اقتصاد این کشور در سال ۲۰۲۳ در آستانه ورود به وضعیت ابرتورم قرار گرفت. ه- شاید

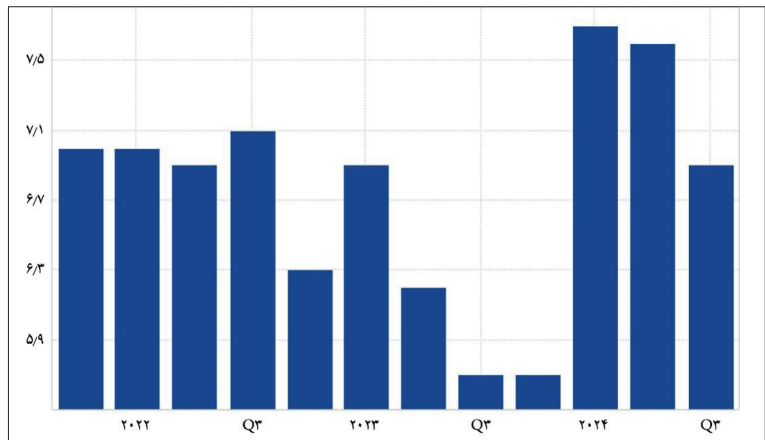
بارانه ها و کاهش هزینه های بخش دولتی بود، نسبت داده می شود. این سیاست ها درحالی که با هدف تثبیت اقتصاد انجام می شود، به افزایش بیکاری و کاهش دستمزدهای حقیقی منجر شده و سطح فقر را تشدید کرده است. با این حال، گزارش های اخیر حاکی از بهبود بالقوه در نیمه دوم سال ۲۰۲۴ است. تجزیه و تحلیل های کارشناسان مختلف نشان می دهد که نرخ فقر کل ممکن است در نیمه دوم ۲۰۲۴ به حدود ۳۶.۸ درصد کاهش یافته باشد (یوتیوس آیرس تایمز). این کاهش می تواند به دلیل ترکیبی از عوامل، از جمله کاهش تورم و تعدیل در سیاست های اقتصادی باشد.

خلاصه و جمع بندی

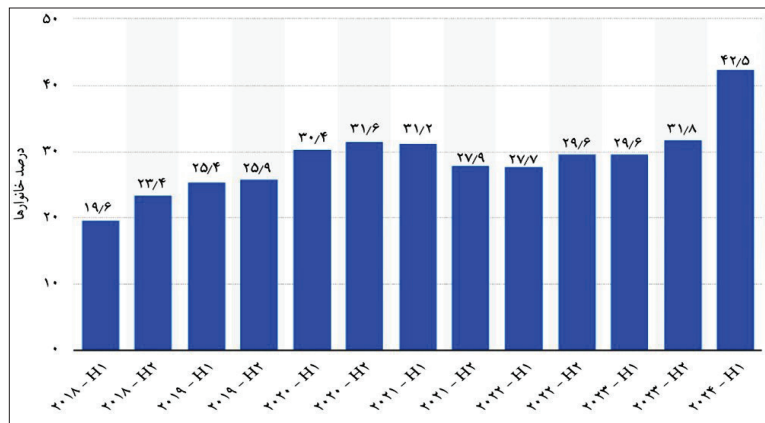
به طور خلاصه، الف- آرژانتین از جمله



شکل ۱۵
نرخ بیکاری آرژانتین (درصد).
منبع:
tradingeconomics.com
Instituto Nacional de Estadística y Censos INDEC
برگرفته از



شکل ۱۶
نرخ فقر خانوارهای مناطق شهری آرژانتین (درصد).
منبع:
www.statista.com



ح-اصلاحات اقتصادی خاورمیلی به کاهش قابل توجه تورم آرژانتین منجر شده است؛ به طوری که تورم ماهیانه از ۲۵.۵ درصد در دسامبر ۲۰۲۳ به ۲.۴ درصد در نوامبر ۲۰۲۴ کاهش یافته است. ط-با وجود اثرات مثبت اقدامات اقتصادی و شوک درمانی میلی در کنترل تورم، اقتصاد آرژانتین از اثرات سوء این اقدامات مصون نبوده است. ی-کاهش ارزش حقیقی دستمزدهای دریافتی، افزایش نرخ فقر، افزایش بیکاری، و نظایر آن از مهم ترین اثرات منفی شوک درمانی میلی محسوب می شوند.

• این مطلب برگرفته از گزارش ایلناز ابراهیمی است که در پژوهشکده پولی و بانکی تهیه شده و سجاد ابراهیمی ناظر علمی آن بوده است.

یکی از دلایل پیروزی خاورمیلی در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۳، شعارها و وعده های رادیکال وی برای مبارزه با تورم بود که ادعا می کرد با جایگزینی دلار به جای پزو، بستن بانک مرکزی، کوچک کردن دولت و... در مبارزه با تورم پیروز خواهد شد. و-خاورمیلی به محض در دست گرفتن قدرت در اواخر سال ۲۰۲۳، اصلاحات و اقدامات اقتصادی خود برای کنترل تورم را آغاز کرد. ز-اصلاحات اقتصادی میلی شامل کوچک سازی دولت (از طریق اخراج کارمندان دولتی، کاهش بودجه بسیاری از نهادهای دولتی، کاهش یارانه های پرداختی از سوی دولت)، کاهش ارزش رسمی پزو در برابر دلار و نزدیک کردن نرخ ارز رسمی و نرخ ارز بازار آزاد، اعمال عفو مالیاتی سپرده های ارزی، افزایش ذخایر ارزی بانک مرکزی آرژانتین و نظایر آن است.

A cartoon illustration of a baby sleeping peacefully on a large, white, fluffy cloud. The baby is wearing a blue diaper and has a serene expression with closed eyes and a slight smile. The background is a light blue sky with soft, white clouds.

میلیون تومان



نحوه دریافت

- www.ve.cbi.ir**



مدیریت‌های موفق چالش‌های ارزی در جهان

انتظارات منفی ارزی در اسکاندیناوی چگونه مهار شد؟

- اولین و مهم‌ترین چالش اقتصادی بحران کووید در سوئد، احتمال کاهش پُرشتاب و سریع ارزش پول ملی و اختلالات ارزی بود
- بانک مرکزی سوئد، نقش اصلی را در شکل‌گیری و اجرای سیاست‌های موثر مدیریت و کنترل بهینه انتظارات منفی ارزی ایفا کرد
- شهروندان سوئدی با اعتماد به مکانیزم‌های مقابله‌ای دولت، به پایان زود هنگام بحران انتظارات ارزی منفی و کاهش ارزش پول ملی، کمک کردند
- در مقابله با بحران‌های اقتصادی و ارزی ناشی از شیوع گسترده ویروس کرونا، حاکمیت فنلاند موفق‌تر عمل کرده است

۶۵



اقتصاد

• شماره ۷۶ - بهمن ۱۴۰۳ •

دولت‌های
بسیاری در
جهان با فقدان
برنامه‌ریزی
مدون در
مدیریت
انتظارات
اقتصادی
منفی، شاهد
چالش‌های
متعددی از
جمله تشنجات
ارزی و کاهش
معنادار ارزش
پول ملی خود
بوده‌اند



● شماره ۷۶ - بهمن ۱۴۰۳ ●

شاید بتوان گفت که همه‌گیری کرونای ۲۰۱۹، مهم‌ترین بحران فراگیر و جهان شمول هزاره جدید محسوب می‌شود که اقتصادهای کوچک و بزرگ جهان، چه در مناطق توسعه یافته و چه در جغرافیای نوظهور و کم توسعه یافته در ابعاد وسیع اقتصادی، مالی، بانکی، ارزی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، را تحت تأثیر شدید خود قرار داد، به طوری که مطالعه شاخص‌های حکمرانی خوب در سال‌های پس از افول کووید نشان می‌دهد که بسیاری از کشورهای پیشرفته و صنعتی، تزلزل شدیدی را در این بازه زمانی تجربه کرده و برخی از آنها از صدر فهرست بندی‌های معتبر اعتبارسنجی در استانداردهای مالی، بانکی و اقتصادی، به جایگاه‌های به مراتب پایین و مماس با رتبه بین‌المللی اقتصادهای در حال توسعه رسیدند. به استناد پژوهش‌های انجام گرفته، آنچه که حاکمیت‌های سیاسی و اقتصادی کوچک و بزرگ جهان را در بستری از بحران‌های مهیب، التهاب‌آفرین و در پاره‌ای اوقات، مهار ناپذیر قرار داده بود، توانایی یا عدم توانایی آنها در مدیریت شاخص انتظارات منفی شهروندان بوده است. در حقیقت دولت‌های بسیاری در اقصی نقاط جهان، با فقدان برنامه‌ریزی مدون، اضطرابی و موثر کوتاه مدت در جهت مدیریت انتظارات اقتصادی منفی در حال رشد مردم خود، شاهد چالش‌های متعددی از جمله تشنجات ارزی و کاهش معنادار ارزش پول ملی خود بوده‌اند.

در این بین، اقتصادهای منطقه نوردیک و جغرافیای اسکاندیناوی، عملکرد بهتری از حاکمیت‌های دیگر در این پاندمی جهانی داشتند و توانستند با سیاست‌گذاری‌های پولی و مالی به ویژه، ابتکار عمل‌های هوشمندانه بانکداران مرکزی خود، شاهد کمترین بحران‌های ارزی داخلی و منطقه‌ای باشند. لذا مرور تجربه موفق دولت‌های این ناحیه، چراغ راهی برای الگوبرداری سایر اقتصادهای بین‌المللی در راستای مواجهه و روبرویی بهینه با التهابات مشابه آتی خواهد بود. به همین دلیل، در این مقاله به سراغ تبیین اقدامات سوئد و فنلاند به عنوان مجموعه‌ای از کشورهای موفق در امر مهار انتظارات منفی ارزی در هنگامه بروز کووید رفته و به علل موفقیت آمیز بودن عملکرد دولتمردان اقتصادی آنها می‌پردازیم.

اقتصاد جهان ناکام در برابر تکانه‌های ارزی در بهبود همه‌گیری کرونا

گسترش سریع کرونا در سطح جهانی در سال‌های

۲۰۱۹ تا ۲۰۲۱، طیف وسیعی از واکنش‌های کلان را از سوی حکمرانان سیاسی ایجاد کرد و دولت‌ها اقدامات رایجی مانند تعطیلی مدارس، محدودیت‌های سفر، ممنوعیت اجتماعات عمومی، سرمایه‌گذاری‌های اضطراری در مراقبت‌های بهداشتی و از همه مهم‌تر، مدیریت کارآمد در جهت مقابله با پیامدهای اقتصادی، بانکی و مالی و ارزی انجام دادند. با این حال در تدابیر طراحی شده و سرعت اتخاذ این تدابیر در کشورهای مختلف، تفاوت چشمگیری وجود داشت و برخی از آنها در مدیریت این همه‌گیری، موفق‌تر عمل کردند و به دلیل سرمایه‌گذاری مناسب در خدمات اجتماعی و اقدامات عاجل در بسترهای ملتعب اقتصادی و ارزی، بهتر توانستند پاسخگوی نیازهای ضروری شهروندان خود بوده و انتظارات منفی مالی و ارزی ناشی از این بحران را به کنترل خود در آورند. در واقع، کرونا چنان زندگی مردم را در سراسر جهان به شکل محسوس و غیرقابل تصویری تغییر داده بود که اقتصاد نیاز مبرمی به اهرمی قدرتمندتر از دست نامرئی بازار داشت و این شرایط نیازمند دخالت حداکثری دولت در جهت مقابله با تشنجات اقتصادی و ارزی ناشی از افزایش قابل توجه نرخ موثر انتظارات تومری منفی بود.

از سوی دیگر، همه‌گیری کرونا ضعف‌های سرمایه‌داری را به عنوان یک نظام اقتصادی و حتی سیاسی، آشکار و پتانسیل تغییر این نظام را فعال کرد. در واقع، کرونا ناکارآمدی نظام‌هایی را نمایان ساخت که مطابق با منش نئولیبرالی، ضعف‌های عمده‌ای در باب مدیریت انتظارات تومری و ارزی داشتند و نشان داد اقتصاد که تنها مبتنی بر سودآوری است، نمی‌تواند به صورت پیشگیرانه و کارآمد تأمین‌کننده ابتدائی‌ترین نیازهای مالی و اقتصادی مدنظر جامعه انسانی خود که همانا حفظ ارزش پولی در مقابل التهابات نظام ارزی بین‌الملل است، باشد. به همین خاطر با مرور بر گزارشات و تحلیل‌های به چاپ رسیده و منتشر شده توسط نهادها و سازمان‌های تحقیقات اقتصادی و بانکی معتبر بین‌المللی می‌توان دریافت که یکی از مهم‌ترین چالش‌های کشورهای جهان در زمان روبرویی با پاندمی کرونا، عدم توانایی دولت‌ها و بانکداران مرکزی در جلوگیری از کاهش سطح استاندارد مولفه‌های کلان اقتصاد ملی از جمله ممانعت در مقابل کاهش ارزش واحد پول ملی در مقابل ارزهای جهان شمول و عدم توانایی در مدیریت تکانه‌های ارزی بوده است.

بانکداران مرکزی سوئد اولین ابتکارات

پیشگامانه در زمینه مدیریت انتظارات منفی ارزی

آمارهای رسمی نشان می‌دهد که اولین مورد

گسترش سریع
کرونا در سطح
جهانی در
سال‌های ۲۰۱۹
تا ۲۰۲۱
طیف وسیعی
از واکنش‌های
کلان‌راز سوی
حکمرانان
سیاسی ایجاد
کرد

آنچه که سیاست‌گذاران فنلاندی را در مسیر مهار انتظارات منفی ارزی یاری کرد

سوئد در بین کشورهای اسکاندیناوی و منطقه نوردیک معمولاً به عنوان یک الگوی کارآمد و بهینه در مهار و مدیریت بحران‌های اجتماعی، اقتصادی، مالی، بانکی و ارزی مطرح است. اما در زمینه مقابله با بحران‌های اقتصادی و ارزی ناشی از شیوع گسترده ویروس کرونا، حاکمیت فنلاند موفق‌تر عمل کرده است. همچنین میزان آلودگی به ویروس کرونا در فنلاند نسبت به سایر مناطق اروپا کمتر بود و تا تاریخ ۱۹ نوامبر ۲۰۲۰، دانشگاه جان هاپکینز حدود ۱۹۹۰۰ مورد ابتلاء و ۳۷۴ مورد مرگ را در این کشور ثبت کرد که هیچ کشور اروپایی نرخ پایینی‌تر از فنلاند را در طول این بحران به ثبت نرساند. در کنار اقدامات بهداشتی، درمانی و رفاهی خوب دولت فنلاند در زمان بروز کووید، بانک مرکزی مستقل و عملکرد این کشور نیز دست به طراحی و اجرای سیاست‌های کارآمدی زد که نتیجه آن، عدم کاهش ارزش جریان نقدینگی یورو موجود در نظام مالی و بانکی این کشور و مقابله قاطعانه کابینه اقتصادی دولت وقت فنلاند با علل و عوامل ایجاد التهابات ناشی از افزایش پُرسرعت انتظارات منفی ارزی بود. در حقیقت شورای حکام فدرال بانک فنلاند به سبب پیاده‌سازی دوباره نامه‌مدون و طرح سیاستی بلندمدت موسوم به "سیاست افزایش ذخایر ارزی در خزانه ملی" در دوباره زمانی یک دهه‌ای، یعنی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ و ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰، بستر مناسبی را برای مقابله مسلحانه و مجهز کابینه اقتصادی دولت‌های وقت این کشور با تشنجات تورمی و ارزی احتمالی آتی ایجاد کرده بود که ثمره افزایش سطح ذخایر صندوق ثروت ملی فنلاند در مواجهه موثر حاکمیت سیاسی و اقتصادی این کشور با انتظارات منفی تورمی و ارزی در هنگام وقوع بحران مالی ۲۰۰۸ و پاندمی بهداشتی کرونا ۲۰۱۹ به خوبی خود را نشان داد. ثبت تاریخی کاهش ۰.۷ درصدی نقدینگی یورو در جریان در اقتصاد داخلی فنلاند در پایان همه‌گیری موجب شد که فنلاند به تنها کشور اروپایی مبدل شود که کمترین کاهش ارزش پول ملی را در جریان این بحران بهداشتی تجربه کرده است. این امر نشان می‌دهد که دولت در مقام سیاست‌گذار مالی و بانک مرکزی در مقام سیاست‌گذار پولی و راهبر اصلی جریان مبارزه فراگیر در طی این بحران، به خوبی توانستند موج انتظارات تورمی و ارزی منفی شهروندان فنلاندی را در هم شکسته و با ارتقا سطح شاخص سرمایه اجتماعی، اعتماد جامعه فنلاند به دولت‌مردان خود در جهت بهبود شرایط بفرنج فعلی را جلب نمایند. در آخر توجه به این نکته خالی از لطف نیست که کفه سنگین تر از روی مدیریت بهینه انتظارات ارزی منفی در اقتصاد فنلاند، به سمت استقلال عملیاتی حقیقی بانکداران مرکزی این کشور گرایش داشته و دارد.

تا بید شده ابتلا به ویروس کرونا در سوئد در تاریخ ۳۱ ژانویه ۲۰۲۰ گزارش شد. دولت وقت این کشور در کمترین زمان ممکن، تشکیل ستاد بحران داد و با تعیین کردن اهداف کوتاه‌مدت و میان‌مدت اضطراری اجتماعی، سیاسی، انسانی و مالی، در صدد عبور هر چه کم‌هزینه‌تر اقتصاد این سوئد از این همه‌گیری بهداشتی و درمانی برآمد.

همچون سایر کشورهای جهان، اولین و مهم‌ترین چالش اقتصادی بحران کووید در سوئد نیز احتمال کاهش پُرشتاب و سریع ارزش پول ملی و اختلالات ارزی داخلی و منطقه‌ای بود، به ویژه که دولت رفاه سوسیال دموکرات سوئد به دلیل اجرای سه دهه‌ای مولفه‌های اصلی اقتصاد بازار آزاد و حضور پُرنرگ در سطح اول نظام مالی و بانکی بین‌الملل، علاوه بر اندوخته فراوان ثروت ملی، در معرض مستقیم‌ترین تشعشعات و پیامدهای ناشی از شیوع و گسترش بحران به سایر اقتصادهای جهان، چه کشورهای توسعه‌یافته و پیشرفته و چه اقتصادهای هدف کمتر توسعه‌یافته و نوظهور قرار داشت و هر لحظه امکان وقوع یک بحران ارزی تمام‌عیار می‌رفت.

از سوی دیگر، مدیریت انتظارات تورمی و ارزی منفی شهروندان سوئدی که عادت به کاهش سطوح رفاه مالی و اقتصادی خود به سبب مکانیزم‌ها و سازوکارهای بنیادین قدرتمند حکمرانی خوب نداشتند، مسیر دشواری به نظر می‌رسید، اما وجود نهادهای اقتصادی، مالی و ارزی مستقل تصمیم‌ساز و مجری در این کشور و در صدر آنها، بانک مرکزی سوئد، نقش اصلی را در شکل‌گیری و اجرای سیاست‌های موثر و ابتکاری در جهت مدیریت و کنترل بهینه انتظارات منفی ارزی ایفا کردند که نتیجه آن، کاهش ناچیز ارزش کرون سوئد در مقابل دلار ایالات متحده و عدم تزلزل قابل توجه در مولفه‌های کلان مالی و اقتصادی این کشور بود. در حقیقت، سیاست‌گذاری‌های هوشمندانه فدرال بانک سوئد و تصمیمات پیش‌برنده شورای حکام این نهاد موجب شد که شهروندان سوئدی در مدت زمان نسبتاً کوتاهی از آغاز شیوع پاندمی کووید، با اعتماد به مکانیزم‌های مقابله‌ای دولت وقت این کشور و با کاهش ملموس در نرخ اقدامات شتاب‌زده خود، به پایان زود هنگام بحران انتظارات ارزی منفی و کاهش ارزش پول ملی این کشور، کمک شایان کردند. بدین ترتیب می‌توان نتیجه‌گیری کرد که وجود نهادهای مالی، بانکی و اقتصادی مستقل در تصمیم‌سازی و اجرا و همچنین وجود زیرساخت‌های بنیادین مستحکم و ساختارمند، موجب همراهی تمام عیار جامعه سوئد با حاکمیت سیاسی این کشور در جهت خروج سریع از بحران ارزی و جلوگیری از سقوط ارزش کرون شد.





تجارب تلخ افسارگسیختگی مدیریت ارزی در جهان (۱)

فاجعه شکست اقتصاد زیمبابوه در مدیریت نرخ ارز

- زیمبابوه که زمانی از ثروتمندترین کشورهای آفریقا بود در ابتدای قرن ۲۱ دیگر اقتصاد مدرن کارآمدی نداشت
- ناکارآمدی سیاست گذاری های پولی و ارزی و تحول خواهی های غیربهبینه، اقتصاد زیمبابوه را از یک نقطه اوج متعادل، به یک بستر متزلزل غیرقابل مهار رساند
- اقتصاد زیمبابوه در سال های اخیر، قربانی مصلحت اندیشی های حکمرانان سیاسی و عدم امکان استقلال عملیاتی بانکداران مرکزی شد
- در صورت اجرای صحیح برنامه جامع کلان دلارزدایی، زیمبابوه در سال های آتی با بهبود مولفه های کلان مالی و اقتصادی و ارتقاء سطح ارزشمندی پول ملی خود روبرو می شود

۶۸



اقتصاد

● شماره ۷۶ - بهمن ۱۴۰۳ ●

کشورهای قاره
آفریقا، با وجود
غنی بودن از
منابع مختلف
خدادادی
همواره شرایط
متشنج مالی
اقتصادی، ارزی
و بانکی را تجربه
کرده‌اند

می‌شد. کشوری که "سید نان آفریقا" بود، حالا با گرسنگی شدید دست‌وپنجه نرم می‌کرد و تورم سرسام‌آور افول اقتصادی این کشور را رقم زده بود. به استناد مطالعات انجام گرفته، ناکارآمدی سیاست‌گذاری‌های پولی و ارزی و تحول خواهی‌های غیربهمینه و کارشناسی نشده دولت که با فشار مضاعف و غیرقانونی بر مهم‌ترین نهاد پولی و بانکی این کشور، یعنی بانک مرکزی انجام گرفته بود، اقتصاد زیمبابوه را از یک نقطه اوج متعادل به یک بستر متزلزل غیرقابل مهار رساند.

کتمان افزایش سوزان قیمت‌ها، دولت در تکاپوی پنهان نمودن ضعف مدیریت ارزی

به عقیده بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران مالی، آنچه که وخامت اوضاع اقتصاد زیمبابوه را با سرعت بیشتری رقم زد، تلاش‌های دولت وقت این کشور، نه در جهت عبور از بحران ارزی و حل تشنجات اقتصاد داخلی، بلکه در جهت کتمان و نادیده گرفتن چالش‌های فاجعه‌آمیز و حفظ حضور خود بر مسند قدرت بوده است. در حقیقت می‌توان گفت که اقتصاد زیمبابوه در سال‌های اخیر، قربانی مصلحت‌اندیشی‌های حکمرانان سیاسی و عدم امکان استقلال عملیاتی بانکداران مرکزی در تصمیم‌سازی‌ها و اجرائیات به سبب مداخلات فراقانونی و غیرکارشناسانه شده است. در یک نمونه مهم، استیو هنکی، اقتصاددان آمریکایی، استاد دانشگاه جانز هاپکینز و مدیر پروژه ارزی‌های معیوب، تورم زیمبابوه در سال ۲۰۲۲ را بالاترین و بدترین تورم در جهان برشمرد و اعلام کرد که نرخ تورم زیمبابوه را در محاسبات دقیق خود ۱۰۷۲ درصد ارزیابی کرده که سوزان‌ترین تورم در جهان و بیش از ۸۰۰ درصد بالاتر از آرژانتین با ۲۲۰ درصد بوده است.

این در حالی است که دولت در آمارهای رسمی خود و در خلال مصاحبه اعضای کابینه اعلام می‌کرد که تورم زیمبابوه هنوز به ۳۰ درصد نرسیده است. هانکه، که بررسی‌های دوره‌ای از اقتصاد زیمبابوه ارائه کرده بود، دولت رئیس‌جمهور امرسون منانگاگوا را به عنوان دولت تشنجات ارزی و تورمی توصیف کرد. هانکه در تاریخ

مسئله فراگیر و جهان شمول مدیریت ارزی و تبعات منفی شدید حاصل از عدم راهبری بهمینه آن در اقتصادهای کوچک و بزرگ جهان، همواره محل بحث و اختلاف نظر حکمرانان سیاسی و اقتصادی جهان بوده است. به همین منظور به نظر می‌رسد پرداختن به تجربه‌های چالش برانگیز کشورها در این زمینه، می‌تواند یک نقشه راه بهمینه و الگویی کارآمد برای کشورهای مختلف جهان، به ویژه اقتصادهای مشابه و هم اندازه باشد. لذا در پرونده جدید پژوهشی با عنوان "تجربه‌های تلخ افسارگسیختگی ارزی در جهان"، به بررسی این معضل مهم پرداخته و در اولین بخش از مجموعه مقالات مرتبط به این پرونده، به سراغ اقتصاد زیمبابوه رفته و به تبیین علل و عوامل تورم سوزانی که به سبب ناکارآمدی سیاست‌گذاران ارزی و به تبع آن، کاهش شدید ارزش پول ملی این کشور به وجود آمد، می‌پردازیم.

ناکارآمدی سیاست‌های پولی و ارزی، اقتصاد زیمبابوه را زمین گیر کرد

کشورهای قاره آفریقا، با وجود غنی بودن از منابع مختلف خدادادی، همواره شرایط متشنج مالی، اقتصادی، ارزی و بانکی را تجربه کرده‌اند. اقتصادهایی که به سبب ذخایر طبیعی نفت، الماس، طلا، مس و نیکل، امکان درآمدزایی سرشار را در دهه‌های گذشته داشته‌اند، اما به دلیل عدم اهتمام سیاست‌گذاران مالی و پولی به فرصت‌های بالقوه موجود و طراحی و اجرای سیاست‌های ناکارآمد، به تاراج خزانه‌های تجدیدنپذیر و دست نیافتی پرداخته و مولفه‌های کلان مالی خود را در وضعیت بسیار بغرنج و متشنج و در پاره‌ای اوقات، افسارگسیخته و غیرقابل مهار قرار داده‌اند.

یکی از نمونه‌های مشهور در این باب، اقتصاد زیمبابوه است. زیمبابوه که زمانی از ثروتمندترین کشورهای آفریقا بود، در ابتدای قرن ۲۱ دیگر اقتصاد مدرن کارآمدی نداشت. مدرسی که در گذشته کل سرسبد آموزش در آفریقا بودند، حالا به خرابه‌هایی تبدیل شده بودند. صادرکننده قدیمی برق در جهان دیگر دچار خاموشی‌های طولانی



۱۱ فوریه ۲۰۲۳ در یک گفت‌وگوی ویژه اقتصادی با عنوان "افسارگسیختگی ارزی و دولت‌های تورم‌زا" تاکید کرد که زیمبابوه در حال عبور از یک ابرتورم فوق‌العاده در جامعه و اقتصاد خود به دلیل بی‌کفایتی سیاست‌گذاران در امر مهار التهابات ارزی و فقدان توانایی دولتمردان در جهت جلوگیری از کاهش شدید ارزش پول ملی کشور بوده است.

وی در ادامه صحبت‌های خود توضیح داد که با بررسی‌های صورت گرفته، نرخ تورم زیمبابوه در ماه ژانویه ۲۰۲۳ به رقم مذکور رسید، در حالی که در اکتبر و نوامبر سال گذشته این نرخ ۸۴۸ درصد بوده است. هنکی معتقد است که این بحران اقتصادی و ارزی بی‌پایان، نه تنها منجر به افزایش قیمت‌ها شده است، بلکه کاهش ارزش قابل توجه حقوق‌های دولتی را نیز همراه خود داشته که عمده‌تاً بدون تغییر باقی می‌مانند، به طوری که پول ملی زیمبابوه که با نرخ یک دلار آمریکا در برابر یک زیم دلار زیمبابوه مشخص می‌شود، اکنون با بیش از ۱۴۰۰۰۰ زیم دلار به ازای هر دلار آمریکا در بازار موازی معامله می‌شود و این رقم ۱۰۰۰۰ زیم دلار در پلتفرم بین بانکی دولت معامله می‌شود. این در حالی است که با وجود این اطلاعات و محاسبات مجدداً بازبینی شده دقیق، دولت زیمبابوه همچنان اصرار دارد که وضعیت اقتصاد داخلی این کشور در حال بهتر شدن است و چالشی به اسم التهابات ارزی و تورمی وجود ندارد.

دلارزدایی از اقتصاد زیمبابوه، آخرین راه نجات و جلوگیری از سقوط ارزش پول ملی
در اواسط سال ۲۰۲۴ میلادی، دولت زیمبابوه موافقت خود را با نقشه راه سیاست‌گذاری کلان در جهت کنار

گذاشتن دلار آمریکا از مناسبات تجاری، اقتصادی و بازرگانی خود در راستای تقویت ارزش پول ملی رسمی این کشور، یعنی زیگ زیمبابوه با پشتوانه شمش در معاملات اعلام کرد. گزارشات نهادهای تحقیقاتی نشان می‌دهد که زیمبابوه در ۱۵ سال گذشته از واحد پول آمریکا استفاده کرده، اما رئیس‌جمهور حال حاضر این کشور، پذیرش پول ملی زیگ به عنوان تنها ارز برای مبادلات تجاری و اقتصادی از سال ۲۰۲۶ را تصویب کرده است. همچنین بلومبرگ گزارش داده که جنوان موسویری، وزیر تبلیغات و اطلاع‌رسانی زیمبابوه در هواره، پایتخت این کشور در یک نشست خبری اعلام کرد که به نظر می‌رسد تنها راه برای کاهش شدت بحران ارزی با توجه به پتانسیل‌های موجود، حذف دلار از مناسبات مالی و بانکی و بهای دادن به زیگ به عنوان یک ارز قانونی و تنها ابزار پولی برای استفاده در اقتصاد است و اکنون نقشه راه سیاست‌گذاری کلان دلارزدایی آماده پیاده‌سازی است. لازم به ذکر است طبق داده‌های بانک مرکزی زیمبابوه، در حال حاضر دلار ایالات متحده آمریکا حدود ۷۰ درصد از کل معاملات اقتصادی این کشور را تشکیل می‌دهد و پیش‌بینی شده که با به کارگیری رسمی پول ملی زیگ، تا پایان افق بلندمدت ۲۰۳۰، بیش از ۶۰ درصد از معاملات رسمی زیمبابوه به استفاده از زیگ متکی خواهد بود. لذا به نظر می‌رسد در صورت اجرای صحیح برنامه جامع کلان دلارزدایی از اقتصاد زیمبابوه، این کشور در سال‌های آتی با بهبود مولفه‌های کلان مالی و اقتصادی و ارتقاء سطح ارزشمندی پول ملی خود روبرو شود و در غیر این صورت، اقتصاد داخلی زیمبابوه تا مرز فروپاشی مطلق پیش خواهد رفت.





تجارب تلخ افسارگسیختگی مدیریت ارزی در جهان (۲)

فشار بدهی‌های ارزی دولت اقتصاد مجارستان را زمین‌گیر کرد

- مجارستان که زمانی پنجاه و هشتمین قدرت اقتصادی جهان بوده، از اواخر سال ۲۰۱۴ لقب یکی از متشنج‌ترین اقتصادهای اروپایی را به خود اختصاص داد
- کشورهای قاره سبز از آغاز سال‌های هزاره جدید تا به امروز، درگیر تشنجات و التهابات متعدد، مهیب و در پاره‌ای از اوقات، غیرقابل مهار شده‌اند
- مردم ایران، می‌پندارند که اقتصادهای اروپایی را سراسر رفاه، آرامش و تعادل مالی و ارزی فراگرفته است
- با وجود تصورات عامه، بیشترین تبعات منفی بحران‌های ارزی و تورمی، در اقتصادهای اروپایی خود را نشان داده است

۷۱



اقتصاد

● شماره ۷۶ - بهمن ۱۴۰۳ ●

در بین
اقتصادهای
نوظهور و در
حال پیشرفت
قاره سبز
بیشترین
فشارهای
ارزی مربوط
به اقتصادهای
بلوک شرق اروپا
است

در بخش دوم از مجموعه مقالات مرتبط با پرونده پژوهشی "تجربه‌های تلخ افسارگریختگی ارزی در جهان"، به سراغ بحران ارزی در اتمسفر قاره سبز می‌رویم و به تبیین تجربه تشنجات ارزی در اقتصاد مجارستان که یکی از پُرچالش‌ترین کشورهای بلوک شرق اروپا از منظر مولفه‌های کلان مالی و بانکی است می‌پردازیم و علت اصلی بروز چنین معضل فراگیری در این کشور را بررسی می‌نماییم.

کاهش اندازه اقتصاد مجارستان به دلیل عدم مدیریت بهینه بحران‌های پولی و ارزی

تصورات عامه مردم از اقتصاد داخلی کشورهای اروپایی، یک تصور آرمان‌گرایانه، تا حدی غیرواقعی و مبتنی بر بستر بمباران اطلاعاتی رسانه‌های حامی سیاست‌های ابرقدرت‌هاست. به همین دلیل، شهروندان کشورهای مختلف از جمله مردم ایران، می‌پندارند که اقتصادهای اروپایی را سراسر رفاه، آرامش و تعادل مالی و ارزی فراگرفته و چالش‌هایی که در جامعه توسعه نیافته خود با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، در اقتصاد اروپا و منطقه یورو معنا، مفهوم و محلی از اعراب ندارد. در حالی که با یک مطالعه غریب‌چیده و نسبتاً خطی می‌توان دریافت که چنین امری، اساساً ماهیت حقیقی ندارد. کشورهای قاره سبز از آغاز سال‌های هزاره جدید تا به امروز، درگیر تشنجات و التهابات متعدد، مهیب و در پاره‌ای از اوقات، غیر قابل مهار شده‌اند. همچنین نتیجه یک پژوهش عملیاتی معتبر در مرکز مطالعات مدرسه اقتصاد لندن نشان می‌دهد که در بازه زمانی ۱۵ ساله منتهی به سال ۲۰۲۴ میلادی، اروپا ملتهب‌ترین قاره از منظر شاخص‌های حکمرانی خوب بوده است. همچنین نتایج حاصل از این پژوهش نشان داده که با وجود تصورات عامه، بیشترین تبعات منفی بحران‌های ارزی و تورمی، در اقتصادهای اروپایی خود را نشان داده است.

از سوی دیگر، در بین اقتصادهای نوظهور و در حال پیشرفت قاره سبز، بیشترین فشارهای ارزی مربوط به اقتصادهای بلوک شرق اروپا شامل بلغارستان، رومانی، مجارستان، لهستان، جمهوری چک، آلبانی، اسلواکی و در بین آنها مجارستان و لهستان بوده است. مجارستان که زمانی براساس برآورد صندوق بین‌المللی پول از بین ۱۹۱ کشور، پنجاه و هشتمین قدرت اقتصادی جهان براساس تولید

ناخالص داخلی به شمار می‌رفته و به عنوان کشور عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی نیز جزء کشورهای پُردرآمد با استاندارد بالای زندگی بوده، از اواخر سال ۲۰۱۴ میلادی تا به امروز، لقب یکی از متشنج‌ترین اقتصادهای اروپایی و بستری برای جولان التهابات تورمی و ارزی را به خود اختصاص داده است. همچنین با آنکه مجارستان از سال ۲۰۰۴ عضو اتحادیه اروپاست و از سال ۲۰۰۷ در منطقه شنگن قرار دارد، اما عدم کارآمدی سیاست‌گذاری‌های پولی و مالی، به ویژه در هنگامه بروز بحران‌های فراگیر (بحران ارزی ۲۰۰۸ جهان، بحران ارزی کشورهای بلوک شرق اروپا در سال ۲۰۱۴ و پاندمی کرونای ۲۰۱۹)، مولفه‌های کلان اقتصادی مجارستان را در وضعیت نامناسب قرار داده و ارزش پول ملی این کشور، یعنی "فورینت" مجارستان را به شدت متزلزل کرده است، به طوری که نرخ برابری یک فورینت در مقابل یک دلار در بازه زمانی ۱۰ ساله آگوست ۲۰۱۴ تا آگوست ۲۰۲۴، کاهش ۴۵ درصدی و نرخ برابری یک فورینت در مقابل یک یورو، کاهش ۵۷ درصدی را تجربه کرده که در تاریخ مالی و اقتصادی این کشور و تاریخ اقتصادی کشورهای بلوک شرق اروپا، امری بی‌سابقه تلقی می‌شود. این در حالی است که ادامه عضویت مجارستان در سازمان تجارت جهانی، بانک جهانی، بانک سرمایه‌گذاری زیربنایی آسیا، شورای اروپا و گروه ویشگراد، به سبب التهابات ارزی و کاهش چشمگیر ارزش پول ملی، در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است.

سقوط ارزش پول ملی مجارستان در سایه بحران فراگیر بلوک شرق اروپا

در اوایل سال ۲۰۲۲ و اندکی پس از فروکش کردن تبعات مالی، اقتصادی و اجتماعی ناشی از بحران همه‌گیری کرونا در اروپا، زبانه‌های زیر خاکستر تشنجات کهنه پولی و ارزی در اتمسفر بلوک شرق اروپا، شعله‌ور شد، به طوری که به نقل از خبرگزاری‌های معتبر اروپایی، در معاملات بازارهای ارزی بوداپست در فوریه ۲۰۲۲، ارزش هر یورو به ۳۳۷.۲۴ فورینت مجارستان رسید که از زمان تشکیل منطقه پولی یورو تاکنون بی‌سابقه بوده است. خبرگزاری رسمی مجارستان نیز در واکنش به این مسئله اعلام کرد که در نتیجه تحولات بازار پولی و ریسک‌های خارجی موجود، ارزش فورینت به کمترین سطح خود در برابر یورو رسیده است. در آن برهه از زمان، کاهش رشد اقتصادی آلمان به عنوان بزرگترین شریک



بحران ارزی
جهان و پاندمی
کرونا، ارزش
پول ملی
مجارستان یعنی
"فورینت" رابه
شدت متزلزل
کرده است

صندوق بین المللی پول، ناجی اقتصاد مجارستان از فروپاشی کامل پولی و ارزی

در سپتامبر سال ۲۰۲۳ و در پی وخامت شدید اوضاع اقتصاد داخلی مجارستان، مقامات این کشور به سراغ نهاد صندوق بین المللی پول رفته و از آنها خواستند که در شرایط فعلی که شاهد کاهش ارزش پول ملی این کشور و کاهش شدید ذخایر ارزی هستیم، امکان ارائه تسهیلات بلندمدت را فراهم کنند. ۱۰ روز بعد یعنی در ۲۳ سپتامبر، دومینیک اشتراوس کان، رئیس وقت صندوق بین المللی پول در نشست خبری عمومی ماهانه خود از موافقت شورای حکام این نهاد با تخصیص کمک مالی این صندوق به مجارستان خبر داد. بنابراین مجارستان و مقامات صندوق بین المللی پول بر سر این پشتیبانی مالی ۱۴ ماهه به توافق رسیدند. همچنین تسهیلات یادشده را صندوق بین المللی پول، اتحادیه اروپا و مؤسسات مالی منطقه ای و فرمانطقه ای تأمین کردند.

بدین ترتیب، اقتصاد مجارستان که زیر فشار بدهی شدید، کسری بودجه ناشی از التهابات ارزی، کاهش شدید ارزش پول ملی و فشار مضاعف بر اقتصاد در حال فروپاشی بود، به مدد نهادها و سازمان های پولی و مالی بین المللی، تا حدودی از وضعیت حاد بحرانی خارج شد.

در پایان این مقاله، توجه به این نکته مهم خالی از لطف نیست که بسیاری از پژوهشگران، صاحب نظران و تحلیلگران ارزی و اقتصادی، وزن سنگین مولفه تاثیرگذار در این التهاب ارزی و پولی فراگیر را به قدرت طلبی سیاسی دولت حاکمه مجارستان و مداخله غیرکارشناسانه در سیاست گذاری های بانک مرکزی و در نهایت، سلب استقلال عملیاتی این نهاد در تصمیم سازی ها و اجرائیات، نسبت داده اند.

تجاری مجارستان، کاهش تقاضای همسایگان اروپایی برای واردات محصولات ساخت این کشور و مسئله برگزیت به عنوان اصلی ترین ریسک های خارجی موجود بر سر راه اقتصاد این کشور معرفی شد و مهم تر از آن، فقدان یک رویکرد تصمیم ساز کارآمد ارزی برای مقابله با بحران کاهش ارزش پول ملی، خلاء بنیادینی بود که همچنان نیز احساس می شود. همچنین عامل موثر دیگر در این ریزش محسوس ارزش فورینت، عدم امکان افزایش نرخ بهره به دلیل التهابات تورمی در اقتصاد داخلی این کشور بود که بانک مرکزی مجارستان را مجبور کرده بود که نرخ بهره را در سطح ۰.۹ درصدی نگه دارد و این کمترین نرخ بهره در تاریخ مالی و اقتصادی این کشور محسوب می شد. همچنین در دوره زمانی مذکور، در شرایطی که بانک مرکزی اروپا نرخ بهره را به منفی ۰.۵ درصد کاهش داده بود، کشورهای غیر عضو منطقه یورو از جمله مجارستان کار سختی را برای حفظ جذابیت بازار ارز ملی خود داشتند. در این برهه علاوه بر پول ملی مجارستان، ارزش دیگر ارزهای اروپای شرقی نظیر کرون جمهوری چک، زلوتی لهستان، لیو رومانی و دینار صربستان نیز در برابر یورو با کاهش مواجه شده بود. در مارس ۲۰۲۲، به دلیل مداخلات شدید دولت وقت در سیاست گذاری های پولی مقامات بانک مرکزی مجارستان نتوانست واکنش مناسب و موثری نسبت به این کاهش تاریخی نشان دهند و تنها به گفتن اینکه بانک مرکزی نرخ ارز معینی را هدف گذاری نکرده است، اکتفا کردند. تحلیلگران مالی مجارستانی معتقد بودند که به دلیل عدم توانایی حاکمان سیاسی در جلوگیری از مداخلات غیرکارشناسانه افراد و نهادهای فراقانونی، مسیر یک طرفه ای برای نابودی ارزش پول ملی این کشور انتخاب شده بود.



اروپا ملتهب ترین قاره از منظر شاخص های حکمرانی خوب

نتیجه یک پژوهش عملیاتی معتبر در مرکز مطالعات مدرسه اقتصاد لندن، نشان می دهد که در بازه زمانی ۱۵ ساله منتهی به سال ۲۰۲۴ میلادی، اروپا ملتهب ترین قاره از منظر شاخص های حکمرانی خوب بوده است. همچنین نتایج حاصل از این پژوهش نشان داده که با وجود تصورات عامه، بیشترین تبعات منفی بحران های ارزی و تورمی، در اقتصاد های اروپایی خود را نشان داده است.



اجرای مقررات به روز در صنعت بانکی تایوان

چشم انداز مثبت صنعت بانکداری تایوان تا ۲۰۳۲

- صنعت بانکداری تایوان پراکنده و به شدت اشباع شده است که این امر، سودآوری در این بازار را محدود می کند
- بانک های تایوانی با توجه به مقررات سخت گیرانه، در معرض خطر کاهش سودآوری چشمگیر در آینده نزدیک نخواهند بود
- محاسبه امتیاز شاخص ریسک صنعت بانکداری برای تایوان (BIRI)، عدد ۷۷٫۶۲ از ۱۰۰ را نشان می دهد
- در صنعت بانکداری تایوان، نسبت دارایی های نقدی به کل دارایی ها به شدت پایین است

۷۴



اقتصاد

• شماره ۷۴ - بهمن ۱۴۰۳ •

طبق تحلیلی که موسسه اعتبارسنجی فیچ انجام داده، بستر جامع خدمات بانکی و مالی در تایوان به خوبی توسعه یافته است و از یک محیط عملیاتی مناسب برای تجارت و زیرساخت‌های نظارتی مستحکم و نظام‌مند، بهره می‌برد. با این حال، این بستر در افق کوتاه‌مدت پیش‌رو، با چالش‌های ناشی از کُند شدن رشد اقتصادی و سیاست‌های ریاضتی‌تر پولی در تایوان مواجه است. بانک مرکزی جمهوری خلق چین در حال حاضر نرخ بهره را به بالاترین سطح خود از سال ۲۰۱۵ افزایش داده و اگرچه این نرخ صعودی نسبت به سایر بازارهای منطقه‌ای، همچنان کمتر از جمع شده است، اما نرخ‌های بهره بالاتر همراه با تشدید مدیریت نقدینگی و اعتبارات از سوی دولت چشم‌انداز آتی تجاری ضعیف‌تر، همگی بر ارزش، میزان و نحوه تخصیص اعتبارات بانکی در تایوان در افق‌های زمانی پیش‌رو تأثیر می‌گذارند. در حقیقت، کُندی رشد بستر جامع خدمات بانکی و مالی تایوان، موجب کاهش سرعت وام‌دهی به شرکت‌ها، کاهش وام‌های رهنی، وام‌های مسکن و در مجموع، کاهش نرخ رشد تسهیلات مشتریان در چشم‌انداز کوتاه‌مدت خواهد شد. همچنین، وضعیت وام‌های غیرجاری (NPL) نیز در صنعت بانکداری تایوان به شدت بغرنج و نامطلوب خواهد بود.

از سوی دیگر، پیش‌بینی شده که در صنعت بیمه تایوان در هر دو بخش بیمه عمر و بیمه‌های عمومی و تخصصی، شاهد ثبت رشد مثبت در افق کوتاه‌مدت پیش‌رو باشیم و همچنان بازار بیمه عمر، بخش غالب و مسلط بر کل این بازار باشد. در صنعت مدیریت دارایی تایوان نیز ما انتظار داریم که در افق‌های پیش‌رو، به ویژه تا پایان افق میان مدت ۲۰۲۷، بهره‌گیری از وجود سرمایه‌گذاران داخلی در صنعت پویا و قدرتمند تولید تراشه در تایوان، روند سرمایه‌گذاری در صندوق‌های مدیریت دارایی این کشور را بهبود بخشد. از سوی دیگر، علاقه سرمایه‌گذاران خارجی، به ویژه در مورد محصولات فناوریانه و نوآورانه دیجیتال، از رشد بلندمدت هر دو بازار بورس اوراق بهادار تایوان حمایت خواهد کرد. پیش‌بینی شده که نرخ رشد کل تسهیلات مشتریان در صنعت بانکداری تایوان در افق کوتاه‌مدت پیش‌رو، افزایش ۴۰۲ درصدی را تجربه کند که نسبت به نرخ رشد ۷۰۱ درصدی تسهیلات در دوره فعلی، با کاهش روبرو خواهد بود. در حقیقت، نرخ‌های بهره بالاتر، التهابات تورمی و سیاست‌های پولی ریاضتی‌تر، بر روند تقاضای تسهیلات در تایوان در

سال‌های آتی نزدیک به امروز، تأثیر خواهد گذاشت. با این حال انتظار می‌رود که با بهبود شرایط اقتصاد داخلی تایوان، در چشم‌انداز میان‌مدت و بلندمدت، با افزایش قابل توجهی در ارزش بازار اعتبارات بانکی مواجه شویم و کل درآمد و همچنین سود ناخالص صنعت بانکداری تایوان تا پایان سال ۲۰۳۲، حجمی معادل ۷۸۰ میلیارد دلار تایوان را به ثبت برساند. در حالی که پیش‌بینی شده همین دو مولفه در افق کوتاه‌مدت پیش‌رو، با کاهش چشمگیر نرخ رشد خود، در مرز ۲۵۰ میلیارد دلار تایوان قرار بگیرند. انتظار می‌رود که در افق زمانی ده ساله پیش‌رو تا پایان چشم‌انداز بلندمدت ۲۰۳۲، صنعت بیمه تایوان، هم در بازار بزرگ‌تر بیمه عمر و هم در بازار کوچک‌تر بیمه‌های عمومی و تخصصی، یک نرخ رشد صعودی پایدار را به ثبت برساند. با توجه به وجود فرصت‌های بالقوه رشد در بازار بیمه‌های غیرعمر، پیش‌بینی می‌شود که فعالیت‌های این بخش با نرخ متوسط سالانه سریع‌تری نسبت به بازار بیمه‌های عمر رشد نماید و در نتیجه، سهم بیمه‌های عمومی و تخصصی در ارزش کل حق بیمه‌های ناخالص ثبت شده رسمی، افزایش یابد. با این حال، بیمه عمر همچنان راهبری اصلی صنعت بیمه تایوان در بستر چشم‌انداز پس‌انداز سازمان یافته ملی در این کشور خواهد بود و عواملی مانند پیری جمعیت و افزایش هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی، باعث افزایش تقاضا برای زیرمجموعه‌های بیمه عمر نظیر بیمه پس‌انداز و بازنشستگی تا پایان افق بلندمدت ۲۰۳۲ خواهد شد. از سوی دیگر، افزایش نرخ سرانه درآمد در تایوان در سال‌های آتی، به تقویت نرخ تقاضای خدمات بیمه‌ای در هر دو بخش کمک‌شایان خواهد کرد. با این وجود، افق کوتاه‌مدت پیش‌رو در صنعت بیمه تایوان به دلیل نوسانات بازار و التهابات تورمی، مطلوب نخواهد بود.

صنعت مدیریت دارایی تایوان، خاستگاه طیف متنوعی از صندوق‌های دارایی داخلی و شرکت‌های مدیریت سرمایه‌گذاری خارجی و بین‌المللی است که هر دو گروه، حضور چشمگیری در این بازار دارند، اما راهبری این صنعت در اختیارات فعالان و صندوق‌های داخلی است. صنعت مدیریت دارایی تایوان تمرکز ژورنیک بر دادوستد سرمایه‌ها و دارایی‌های خُرد دارد و صندوق‌های متقابل، بیشترین سهم از کل دارایی‌های تحت مدیریت این بازار را به خود اختصاص داده‌اند. طی ۱۰ سال گذشته، حجم سرمایه‌گذاری در صندوق‌های مدیریت دارایی در تایوان به میزان قابل توجهی افزایش یافته و ما انتظار داریم که این روند رشد در افق‌های پیش‌رو نیز ادامه یابد. در حقیقت، فراوانی جمعیت در طبقه متوسط جامعه تایوان همراه با نرخ درآمد و نرخ

کُندی رشد بستر
جامع خدمات
بانکی و مالی
تایوان، موجب
کاهش سرعت
وام‌دهی و
کاهش نرخ
رشد تسهیلات
مشتریان در
چشم‌انداز
کوتاه‌مدت
خواهد شد



پس انداز بالای این گروه، صنعت مدیریت دارایی این کشور را به یک بازار جذاب، قوی و همیشه پرتقاضا تبدیل کرده است.

تایوان خاستگاه دو بازار بورس اوراق بهادار مهم جنوب شرق آسیا یعنی بورس تایوان، بورس تایپه به عنوان بورس آتی تایوان است. نظارت بر بازارهای سهامی تایوان منطبق بر قوانین و مقررات به خوبی توسعه یافته انجام می شود. تنظیم تمامی امور پلتفرم های معاملات بورسی این کشور توسط کمیسیون نظارت مالی بازار سرمایه تایوان (FSC) صورت می پذیرد. انتظار می رود با بهبود شرایط اقتصاد داخلی و فروکش کردن التهابات بازارهای جهانی، بسترهای بورسی تایوان در افق های پیش رو به ویژه در افق های میان مدت و بلندمدت، از رونق خوبی برخوردار شوند.

خلاصه چشم انداز نسبت به آخرین روندها و تحولات

طبق اعلام بانک مرکزی چین، نوسانات بازارهای مالی در افق کوتاه مدت پیش رو، احتمالاً تأثیر منفی بسیار کمی بر صنعت بانکداری تایوان خواهد داشت. در حقیقت، بانک های تایوانی با توجه به مقررات سخت گیرانه، ریسک پذیری محافظه کارانه و تست های استرس دوره ای، در معرض خطر کاهش سودآوری چشمگیر در آینده نزدیک نخواهند بود و با توجه به ذخایر قانونی نسبتاً مناسب خود نزد بانک مرکزی چین، با بهبودی در مولفه های تسهیلات اعتباری در افق میان مدت ۲۰۲۷ و بلندمدت ۲۰۳۲ مواجه خواهند بود.

پیش بینی می شود که در افق کوتاه مدت، نرخ رشد کل بازار بیمه تایوان به سطح ۳.۱ درصد برسد که نسبت به رشد ۳.۷ درصد فعلی، اندکی کاهش را تجربه خواهد کرد. همچنین انتظار می رود که ۸۰.۱ درصد از کل حق بیمه های ثبت شده رسمی در چشم انداز کوتاه مدت پیش رو در صنعت بیمه تایوان را بازار بیمه های عمر تشکیل دهد. از سوی دیگر، نرخ رشد بازار بیمه های عمر در سال های نزدیک آتی، ۲.۲ درصد خواهد بود که نسبت به رشد ۲.۸ درصدی فعلی، این بخش از صنعت بیمه تایوان با کاهش روبرو خواهد بود. در بازار بیمه های عمومی و تخصصی نیز انتظار رشد ۶.۲ درصدی در افق کوتاه مدت پیش رو را داریم که کاهش ۱.۴ درصدی را نسبت به نرخ رشد فعلی اش که ۷.۶ درصد است، تجربه خواهد کرد. پیش بینی می شود که در پایان افق کوتاه مدت، ارزش کل دارایی های تحت مدیریت در صنعت مدیریت دارایی تایوان به ۱۱۶۷۵.۸ میلیارد دلار تایوان برسد که نسبت به وضعیت فعلی ۰.۱ درصد افزایش خواهد داشت. همچنین انتظار می رود که حجم

دارایی های قابل معامله و وجوه اختیاری موجود در صندوق های سرمایه گذاری خصوصی تایوان در پایان چشم انداز کوتاه مدت، ۲۱.۵ درصد در صندوق های دارایی خارج از کشور، ۵.۱ درصد کاهش یابد و فقط صندوق های سرمایه گذاری مشترک، افزایش ۶.۸ درصدی را نسبت به وضعیت فعلی تجربه کند. همچنین پیش بینی شده که تا پایان افق کوتاه مدت، لیست شرکت های پذیرفته شده در تمامی بسترهای سهامی بورس اوراق بهادار تایوان از مرز ۱۰۰۰ شرکت عبور کرده و ارزش کل بازار سرمایه این کشور به مرز ۶۵ تریلیون دلار تایوان برسد. (جدول ۲۰)

وضعیت شاخص ریسک صنعت مالی و بانکداری تایوان

محاسبه امتیاز شاخص ریسک صنعت بانکداری برای تایوان (BIRI)، عدد ۷۷.۶۲ از ۱۰۰ را نشان می دهد که حکایت از سطوح پایین ریسک بخش بانکی برای اتمسفر مالی و اقتصادی تایوان دارد. با این امتیاز، تایوان در رتبه بندی ۱۱۹ کشوری این شاخص، در جایگاه هفدهم جهان قرار گرفته است. امتیاز BIRI بالای تایوان نسبت به سایر بازارهای کوچک و متوسط جنوب شرق آسیا، نشان از بنیان های قوی و پویای نظام بانکی این کشور، پایداری نسبی این بستر و ریسک به شدت محدود آن برای ثبات مولفه های کلان بازارهای مالی و اقتصادی تایوان دارد. همچنین می توان گفت که تنها عامل کاهش مداوم و مستمر نقدینگی در بخش بانکی تایوان، مانع از افزایش بیشتر امتیاز کلی BIRI این کشور شده است.

تحلیل بازار خدمات بانکی و مالی تایوان بر مبنای ماتریس SWOT

نقاط ضعف

- صنعت بانکداری تایوان پراکنده و به شدت اشباع شده است که این امر، سودآوری در این بازار را محدود می کند. همچنین ما انتظار تغییر قابل توجهی در آینده ای نزدیک در این بازار را نداریم.
- سه شرکت برتر بیمه گر تایوانی، بر هر دو بخش بازار بیمه عمر و بیمه های عمومی و تخصصی سلطه دارند که مانع بزرگی برای ورود بازیگران جدید به این بسترو رشد فزاینده آن خواهد بود.
- رصد و کنترل جریان اعتبارات توسط دولت و تضعیف اعتماد تجاری و اقتصادی، نرخ رشد کلی اعتبارات به ویژه وام های رهنی را به شدت محدود خواهد کرد.
- سهم ۸۵۹.۸ درصدی وام های غیر جاری از کل تسهیلات بانکی تایوان، نشان دهنده تخصیص نادرست منابع بانکی این کشور در زمانی است که این وجوه می توانند در پروژه های سودآورتر استفاده شوند.



FINANCIAL SERVICES FORECASTS (TAIWAN, CHINA 2021-2026)						
Indicator	2021	2022e	2023f	2024f	2025f	2026f
Finance nominal GVA, USDbn	52.07	51.26	51.36	56.47	61.37	64.52
Finance USD nominal growth, % y-o-y	15.9	-1.6	0.2	10.0	8.7	5.1
Finance nominal GVA, TWDbn	1,459.13	1,527.80	1,550.95	1,609.53	1,663.10	1,719.49
Finance TWD nominal GVA growth, % y-o-y	9.8	4.7	1.5	3.8	3.3	3.4
Finance nominal GVA, % total GVA	6.94	6.87	6.75	6.73	6.68	6.62

e/f = BMI estimate/forecast. Source: Local statistics, BMI

جدول ۱. پیش‌بینی روند بازار خدمات بانکی و مالی تایوان (۲۰۲۱-۲۰۲۶)

FINANCIAL SERVICES FORECASTS (TAIWAN, CHINA 2027-2032)						
Indicator	2027f	2028f	2029f	2030f	2031f	2032f
Finance nominal GVA, USDbn	66.88	69.36	72.12	75.04	78.14	81.42
Finance USD nominal growth, % y-o-y	3.6	3.7	4.0	4.1	4.1	4.2
Finance nominal GVA, TWDbn	1,778.90	1,841.54	1,907.64	1,977.42	2,051.14	2,129.06
Finance TWD nominal GVA growth, % y-o-y	3.5	3.5	3.6	3.7	3.7	3.8
Finance nominal GVA, % total GVA	6.58	6.53	6.49	6.46	6.43	6.40

f = BMI forecast. Source: Local statistics, BMI

جدول ۲. پیش‌بینی روند بازار خدمات بانکی و مالی تایوان (۲۰۲۷-۲۰۳۲)

نقاط قوت

- مقررات وقوانین به‌روز در همه بخش‌های صنعت بانکی و مالی تایوان به‌طور کامل و به‌شکل توسعه یافته به‌اجرا درآمده است و به‌طور مستمر و منظم، مورد بازبینی و تجدید نظر قرار می‌گیرد.
- در حقیقت، فراوانی جمعیت در طبقه متوسط جامعه تایوان همراه با نرخ درآمد و نرخ پس‌انداز بالای این گروه، صنعت مدیریت دارایی این کشور را به یک بازار جذاب، قوی و همیشگی تقاضا تبدیل کرده است. ما معتقدیم که این امر در کوتاه‌مدت و میان‌مدت، سرمایه‌گذاران بیشتری را به این صنعت جذب خواهد کرد.

- کاهش محدودیت‌های مرزی مرتبط با کووید ۱۹، همراه با بهبود وضعیت نقل و انتقالات مالی رسمی و بازایی اعتماد مصرف‌کننده، تسهیلات مصرفی و وام‌های خرد و کلان غیرمسکن را در سال‌های آتی تقویت خواهد کرد.

تهدیدها

- سیاست‌های ریاضتی تر پولی و ادامه آشفته‌گی و التهابات اقتصاد جهانی بر فعالیت بازارهای مالی و بانکی تایوان به‌شدت تأثیر می‌گذارد.
- در صنعت بانکداری تایوان، نسبت دارایی‌های نقدی به کل دارایی‌ها به‌شدت پایین است که می‌تواند توانایی بانک‌های این کشور را برای پاسخگویی به تقاضای نقدینگی کوتاه‌مدت محدود کند.
- بدتر شدن روابط اقتصادی و سیاسی تایوان با

حاکمیت سیاسی چین، منجر به کاهش شاخص اعتماد در بین سرمایه‌گذاران خواهد شد.

- بیمه‌گران تایوانی در طول پاندمی کرونا، متحمل خسارات شدیدی شده‌اند که اثرات آن تا حداقل افق میان‌مدت پیش‌رو، ادامه خواهد داشت.

فرصت‌ها

- درصد شرکت‌های خارجی حاضر در میان فهرست فعالان بورسی تایوان به تدریج در حال افزایش است که نشان‌دهنده پیشرفت‌های بین‌المللی مستمر در بازارهای سرمایه داخلی این کشور است.

- ما یک رشد قوی را در بازار بیمه‌های عمومی و تخصصی در افق‌های پیش‌رو، پیش‌بینی می‌کنیم که علت آن، تأثیرات پایه‌ای مطلوب، رشد درآمد خانوار و افزایش نوآوری خواهد بود.

- بورس اوراق بهادار تایوان، فعلاً در حال تلاش برای تضمین ورود بیشتر سرمایه‌گذارانی از ژاپن، کره جنوبی، هنگ‌کنگ، چین، ویتنام و مالزی به پلتفرم‌های سهامی این کشور است.

- محدودیت‌های موقت فروش لحظه‌ای و آتی و محدودیت‌های حجم سفارشات روزانه اوراق بهادار بورس‌های تایوان در فوریه ۲۰۲۳ برداشته شده است.

بازار خدمات صنعت بانکداری در تایوان

انتظار می‌رود که با بهبود شرایط اقتصاد داخلی تایوان، در چشم‌انداز میان‌مدت و بلندمدت، با افزایش قابل توجهی در ارزش بازار اعتبارات بانکی





نمودار ۱

رشد سالانه کل دارایی های بانکی تایوان (۲۰۲۱-۲۰۳۲)

بانک های عامل برتر تایوان در اقیانوس ۲۰۳۲

• پست بانک چانگهوا (ChunghwaPostBank)

شرکت خدمات بانکداری و مالی پست بانک چانگهوا، با مجموع دارایی ۸۱۷۲.۵ میلیارد دلار تایوان و کل سهام مشترک ۲۱۲.۴ میلیارد دلار تایوان، بزرگترین بانک تجاری این کشور از نظر حجم و ارزش دارایی محسوب می شود. این بانک که در سال ۱۸۸۸ تأسیس شده، تماماً متعلق به وزارت حمل و نقل و ارتباطات تایوان است. ساختار سازمانی فعلی پست بانک چانگهوا، دارای یک شعبه اداری، یک شعبه تجاری داخلی و یک شعبه مدیریت بازرگانی بین المللی است. پست بانک چانگهوا بزرگترین بانک پس انداز در تایوان و در بین کشورهای در حال توسعه جنوب شرق آسیا است.

• شرکت دولتی خدمات بانکداری و مالی بانک تایوان (Bank of Taiwan)

شرکت دولتی خدمات بانکداری و مالی بانک تایوان، با ارزش دارایی ۶۱۷۸.۴ میلیارد دلار تایوان و کل سهام مشترک ۳۹۵.۵ میلیارد دلار تایوان، در جایگاه دومین بانک بزرگ تجاری این کشور قرار گرفته است. بانک تایوان در سال ۱۹۴۶ تأسیس شده است و یک بانک ۱۰۰ درصد دولتی است. تخصص اصلی این بانک در حوزه سپرده گذاری، اعطای تسهیلات کلان و خدمات ارزی است. بانک تایوان دارای ۱۶۳ شعبه داخلی، یک شعبه بانکداری فراساحلی، ۱۲ شعبه خارج از کشور و ۹ دفتر نمایندگی بین المللی است. در سال های اخیر، شاهد گسترش حضور این بانک در بازارهای آسیای جنوب شرقی مانند ویتنام و فیلیپین بوده ایم.

• شرکت خدمات بانکداری و مالی تایوانی سی تی بی سی بانک (CTBC Bank)

شرکت خدمات بانکداری و مالی تایوانی

مواجه شویم و کل درآمد و همچنین سود ناخالص صنعت بانکداری تایوان تا پایان سال ۲۰۳۲، حجمی معادل ۷۸۰ میلیارد دلار تایوان را به ثبت برساند. اما در مقابل، پیش بینی شده که همین دو مولفه یعنی درآمد نهایی نظام بانکداری تایوان و سود ناخالص این صنعت در افق کوتاه مدت پیش رو، با کاهش چشمگیر نرخ رشد خود، در مرز ۲۵۰ میلیارد دلار تایوان قرار بگیرند. (نمودار ۱)

انتظار می رود که در افق کوتاه مدت پیش رو، نرخ سپرده مشتریان در صنعت بانکداری تایوان با رشد ۷.۵ درصدی مواجه شود که در مقایسه با دوره های قبلی، یک روندی گاهشی راطی خواهد کرد. همچنین طبق پیش بینی ها، متوسط نرخ رشد سالانه این مولفه بانکی در یک بازه ده ساله تا پایان افق بلندمدت ۲۰۳۲، به ۴.۵ درصد خواهد رسید که منعکس کننده تأثیر نرخ های بهره نسبتاً بالاتر و اثرگذاری التهابات اقتصادی در سال های آتی است.

چشم انداز رقابتی آتی در صنعت بانکداری تایوان

صنعت بانکداری تایوان، یک نظام مالی بسیار پراکنده و بسیار رقابتی است که تحت سلطه نهادهای بانکی داخلی قرار دارد و ماهیت اشباع شده این صنعت، منجر به پایین ماندن حاشیه سود خالص حوزه بانکداری و مانعی برای رشد ارگانیک این بخش شده است. طبق گزارش کمیسیون نظارت مالی تایوان (FSC)، نظام بانکی این کشور متشکل از ۳۹ بانک دولتی خصوصی است که به جمعیتی بالغ بر ۲۳.۳ میلیون نفر، خدمات رسانی می کردند. پنج بانک برتر تایوان، ۴۲.۵ درصد از سهم بازار بانکی این کشور را در اختیار دارد.

۷۸



اقتصاد

• شماره ۷۶ - بهمن ۱۴۰۳ •

سی تی بی سی بانک، با ارزش کل دارایی ۵۵۳۷۰۲ میلیارد دلار تایوان و کل سهام مشترک ۳۶۱ میلیارد دلار تایوان، به عنوان سومین بانک بزرگ تجاری این کشور شناخته می شود. سی تی بی سی بانک در سال ۱۹۶۶ تأسیس شده و سه مرحله اصلی از توسعه را پشت سر گذاشته است. یعنی در ابتدا به عنوان شرکت سرمایه گذاری اوراق بهادار چین آغاز به کار کرد، بعداً به شرکت سرمایه گذاری و اعتماد چین تبدیل شد و در سال ۱۹۹۲، به شکل امروزی خود یعنی یک بانک تجاری با دامنه مالی وسیع برای پوشش خدماتی نظیر سپرده پذیری، وام دهی، ضمانت بانکی، خدمات ارزی، واحد بانکداری فراساحلی، تجارت امانی، کارت های اعتباری، اوراق بهادار، اوراق قرضه، اوراق مشتقه، بانکداری الکترونیک و بانکداری کسب و کار، مبدل گشت. همچنین از سال ۲۰۰۲، این بانک در زیرمجموعه هلدینگ مالی CTBC قرار گرفته است. بانک سی تی بی سی در مجموع دارای ۱۵۰ شعبه در تایوان و ۱۱۰ شعبه خارجی در ۱۴ بازار است که گسترده ترین شبکه بین المللی را در میان بانک ها و موسسات مالی تایوان دارد.

بازار خدمات صنعت بیمه در تایوان

بیمه عمر، به عنوان راهبر اصلی صنعت بیمه تایوان در سال های آتی حکمرانی خواهد کرد و عواملی مانند پیری جمعیت و افزایش هزینه های مراقبت های بهداشتی، باعث افزایش تقاضا برای زیرمجموعه های بیمه عمر نظیر بیمه پس انداز و بازنشستگی تا پایان افق بلندمدت ۲۰۳۳ خواهد شد. پیش بینی شده که ارزش کل بازار بیمه تایوان در پایان افق کوتاه مدت ۳۰۱ درصد رشد را تجربه کند. تخمین زده شده که ۸۰۰۱ درصد از کل حق بیمه های ثبت شده رسمی در چشم انداز کوتاه مدت پیش رو در صنعت بیمه تایوان را بازار بیمه های عمر تشکیل دهد.

چشم انداز رقابتی آتی در صنعت بیمه تایوان

بازار بیمه تایوان، یک بازار نسبتاً بزرگ و بسیار توسعه یافته است که هنوز هم در مرحله رشد پُرشتاب خود قرار دارد. با این حال، این صنعت پس از هنگ کنگ، چین و سنگاپور از جمله بازارهای پیشرفته منطقه جنوب شرق آسیا محسوب می شود. عوامل جمعیت شناختی و درآمدی، تقاضا برای بیمه های پس انداز و بازنشستگی را در تایوان افزایش داده است. ضرب نفوذ کلی بیمه در تایوان، حتی با وجود کاهش نسبت به سال های گذشته، در مقایسه با سایر بازارهای منطقه جنوب شرق آسیا، بسیار بالا است. پُر تقاضا ترین نوع بیمه در بین خدمات بیمه های عمومی و تخصصی در تایوان، بیمه سلامت است که به دلیل هرم جمعیت پیر این کشور و افزایش

هزینه های مراقبت های بهداشتی، در سال های آتی نیز پُر تقاضا باقی خواهد ماند.

بازار خدمات صنعت مدیریت دارایی در تایوان

صنعت مدیریت دارایی تایوان، خاستگاه طیف متنوعی از صندوق های دارایی داخلی و شرکت های مدیریت سرمایه گذاری خارجی و بین المللی است که هر دو گروه، حضور چشمگیری در این بازار دارند، اما راهبری این صنعت در اختیار فعالان و صندوق های داخلی است. پیش بینی شده که ارزش سرمایه گذاری خارجی انباشته در تایوان در پایان افق کوتاه مدت پیش رو، به ۲۶۲۵۰۵ میلیون دلار آمریکا برسد که نسبت به مدت مشابه فعلی، ۷۰۸ درصد کاهش را تجربه خواهد کرد. انتظار می رود که تا پایان چشم انداز کوتاه مدت، ۸۶۰۲ درصد از دارایی های سرمایه گذاران داخلی در صندوق های خارجی این کشور به دلار آمریکا نگهداری شود که نسبت به وضعیت فعلی، افزایش قابل توجهی خواهد داشت. مبتنی بر آخرین داده های انجمن اعتماد و مشاوره سرمایه گذاری اوراق بهادار تایوان، صندوق های زیر در صنعت مدیریت دارایی این کشور فعال هستند:

- تعداد ۱۰۲۱ صندوق سرمایه گذاری مشترک با دارایی های ترکیبی ۵۰۳۴۶ میلیارد دلار تایوان
- تعداد ۷۵ صندوق خصوصی با دارایی ۳۲۰۷ میلیارد دلار تایوان
- تعداد ۸۶۳ صندوق و شرکت سرمایه گذاری اختیاری با دارایی ۲۰۷۳۱ میلیارد دلار تایوان
- تعداد ۷۷۴ صندوق برون مرزی با مجموع دارایی ۳۰۵۸۴ میلیارد دلار تایوان

بستر خدمات بازار سرمایه و بورس اوراق بهادار

در تایوان

تایوان، محل فعالیت دو پلتفرم سهامی مهم منطقه جنوب شرق آسیا یعنی بورس تایوان (TWSE) و بورس تایپه (TPEx) است. مسئولیت عملیات و توسعه بازار اوراق بهادار داخلی این کشور بر عهده بورس تایوان است. اساساً شرکت های بزرگ تر و معتبر تر، در بورس تایوان و شرکت های کوچک تر که معیارهای مدنظر TWSE را محقق نمی کنند، در بورس تایپه نمایه می شوند. یک بستر معاملاتی کوچک نیز در بازار سرمایه تایوان وجود دارد که در سال ۱۹۹۸ با نام بورس آتی تایوان (TAIFEX) تأسیس شد و تنها پلتفرم رسمی معاملات آتی سهام در این کشور است. در حال حاضر، اوراق سهام، پر معامله ترین محصول در بازار بورس اوراق بهادار تایوان است و پس از آن، ETF ها در رتبه دوم قرار دارند. همچنین در بازار بورس اوراق بهادار تایپه، قرارداد های باز خرید در رتبه اول پر معامله ترین محصول و پس از آن، اوراق سهام در رتبه بعدی قرار دارد.

پیش بینی شده
که نرخ رشد
کل تسهیلات
مشتریان
در صنعت
بانکداری
تایوان در افق
کوتاه مدت
پیش رو
افزایش ۴۰،۲
درصدی را
تجربه کند

